

لهستان

اطلاعاتی درباره گذشته و حال

لهستان



با چند عکس

تهران
۱۳۲۳ (۱۹۴۴)
چاپخانه مجلس

مقدمه

سال ۱۹۴۲ بدون باقی گذاشتن اثرات و خاطراتی در روابط بین لهستان و ایران سپری نگردید . بموجب قراردادی که در ماه ژوئیه ۱۹۴۱ بین ژنرال سیکورسکی از یکطرف و دولت اتحاد جماهیر شوروی از طرف دیگر بامضاء رسید عده زیادی از لهستانیها که در طی این جنگ از لهستان به روسیه تبعید شده بودند با خانواده هایشان وارد ایران شدند. در سال ۱۹۴۲ متجاوز از ۱۰۰ هزار لهستانی در بندر پهلوی واقع در کرانه بحر خزر پیاده شدند .

يك ارتش لهستانی که در روسیه تشکیل یافته بود در مدت کوتاهی از ایران عبور کرده بسوی زمینهای پست عراق حرکت نمود . ارتش بزرگتری از طریق فلسطین سوریه و مصر بسمت ایتالیا عزیمت کرد تا به پیروزیهای درخشان خود که بعدها در «مونت کاسینو» «پیه دمونت» «آنکونا» و سایر جاها بدست آورد نائل گردد .

راهها و پیروزیهای بعدی سربازان لهستانی هنوز نامعلوم است . .

در ایران فقط مردم غیر نظامی باقی ماندند که آنها شامل چندین هزار زن و کودک و اشخاص سالخورده میشد که قدرت اسلحه بدست گرفتن را نداشتند . در بین این مردم چندتن از دانشمندان و استادان دانشگاه و غیره یافت می شوند . عده آنها اگر چه ناچیز است ولی این استادان و دانشمندان از اشخاص مجرب و متبحر بشمار میروند و همواره در خدمت خود بلهستان وفادار هستند .

دانشمندان لهستانی در تهران انجمنی بنام « انجمن مطالعات ایرانی » تأسیس

دیباچه

اتفاقات روزگار و جنگ باعث پیدایش این کتاب شده است لهستانیها که برای آشنائی به گذشته شش هزار ساله ایران و فرهنگ و رسوم و آداب آن فرصت بسیار خوبی دارند مایل بودند که ایرانیان هم بنوبه خود تا اندازه ای از اوضاع فعلی لهستان آگاه باشند .

علت نشر این کتاب هم بزبان فارسی برای دادن پاره ای اطلاعات راجع به لهستان بایرانیان میباشد .

امید میرود که این کتاب مورد توجه خوانندگان واقع شود . همه کس میداند که لهستان اغلب اوقات نقطه حساس سیاست اروپا بوده و در این جنگ هم موقعیت مهمی را دارا بوده است . تاریخ لهستان و صفات اساسی ملت لهستان با وجود تباین عوامل سیاسی و فرهنگی و اختلاف موقعیت جغرافیائی شباهت قابل ملاحظه ای با صفات ایران و تاریخ ایران دارد . علاوه بر این چون ملت ایران و ملت لهستان هرگز منافع متضادی نداشته اند از زمان شاه عباس کبیر همیشه روابط فیما بین آنها چه در مواقع خوشبختی و چه در سختی و فلاکت دوستانه و محبت آمیز بوده است .

سالهای اخیر در تحکیم این روابط حسنه نقش بسیار بررگی بازی کرده است .
مهمان نوازی و پذیرائی گرمی که ملت نجیب ایران در طی این جنگ خونین از هزاران
مهاجرین لهستانی نمود خاطره فراموش نشدنی در قلوب کلیه لهستانیها باقی گذاشته
و هرگز آنها این دین ادا نشدنی را از نظر دور نخواهند داشت .

اگر اطلاعات مختصری که در این کتاب بخوانندگان گرامی داده شده حقیقت
اوضاع عمومی لهستان را کم و بیش مجسم نماید نویسندگان آن به مقصود خود رسیده و
ثمره زحمات خود را برده اند .

انجمن لهستانی مطالعات ایرانی تهران آبانماه ۱۳۲۳

فهرست هکسهای کتاب

- | | | | |
|-------------------------------------|---------|------------------------------------|--------|
| ۱۸ - صحن دانشگاه در کرا کوو | صفحه ۶۳ | ۱ - دره‌ای در کوه تاتری | صفحه ۲ |
| ۱۹ - میتسکیویچ | ۷۵ > | ۲ - رود دونايتز در کوه پنی نی | ۲ > |
| ۳۰ - شوپن | ۹۲ > | ۳ - یکنفر زن از اهالی سیلزی در | |
| ۲۰ - پادروسکی | ۹۳ > | لباس ملی | ۸ > |
| ۲۲ - زمینهای گندم در لهستان | ۱۰۳ > | ۴ - یکنفر از ساکنین نواحی کوهستانی | |
| ۲۳ - کله های گوسفند در کوههای | | با آلتی بنام «کوبزا» آهنگی | |
| لهستان | ۱۰۵ > | مینوازد | ۹ > |
| ۲۴ - کان نفت بوریسلاو در لهستان | ۱۰۸ > | ۵ - ارکستر دهقانی در يك ناحیه | |
| ۲۵ - صنایع فلزکاری در سیلزی | ۱۱۱ > | کوهستانی | ۱۰ > |
| ۲۶ - لهستان خاوری و باتلاقهای یوازی | ۱۳۸ > | ۶ - ایستگاه دریائی در بندر گدینیا | ۱۱ > |
| ۲۷ میدان «لوو» | ۱۴۲ > | ۷ - توره‌های ماهیگیری در کرانه | |
| ۲۸ - یکی از کوچه‌های قدیمی ویلنو | ۱۴۴ > | دریای بالٹیک | ۱۲ > |
| ۲۹ - زا کویاز - بهترین نقطه کشور | | ۸ - شهرداری کرا کوو | ۱۴ > |
| برای اسکی بازی | ۱۴۸ > | ۹ - اوبلین - دروازه اتحاد لوبلین | ۲۴ > |
| ۳۰ - کاخ قدیمی «چرسک» | ۱۴۹ > | ۱۰ - داننزیك | ۲۴ > |
| ۳۱ - آسایشگاه شهر «کریویتزا» | ۱۵۱ > | ۱۱ - کوپرنیک منجم لهستانی | ۲۵ > |
| ۳۲ - صومعه قدیمی کاتولیک در | | ۱۲ - قصر پادشاهی واول در کرا کوو | ۲۷ > |
| «پینسک» | ۱۵۳ > | ۱۳ - پادشاه لهستان استفان باتوری | ۲۸ > |
| ۳۳ - کان قدیمی نیوزیتسا | ۱۵۴ > | ۱۴ - قصر قدیمی پادشاهی لازنکی | |
| ۳۴ - نیروهای لهستانی در مرز ایتالیا | ۱۵۵ > | در ورشو | ۳۴ > |
| ۳۵ - نیروهای لهستانی در مرز ایتالیا | ۱۵۷ > | ۱۵ - اوپرای ورشو | ۳۵ > |
| ۳۶ - نیروهای لهستانی در ایتالیا | | ۱۶ - کشچوشکو | ۴۱ > |
| برفهارا در جاده ياك میکنند | ۱۵۸ > | ۱۷ - سرلشکر آنتوان بوروسکی | |
| ۳۷ - قصر پادشاهی ورشو که بدست | | متوفی در ۱۸۹۸ فرزند سرلشکر | |
| آلمانیها سوزانیده شد | ۱۶۲ > | اپزید ور بوروسکی | ۴۸ > |

فهرست مندرجات

۲۲ - اتحاد لهستان و لیتوانی	صفحه ۲۱
۲۳ - اتحاد لوبلن	۲۲ *
۲۴ - مسائل دیگر در زمان یاکیلونها	۲۳ *
۲۵ - عصر طلایی در زمان پادشاهی	سیکیسموندها. اوضاع سیاسی
۲۶ - عصر طلایی - اوضاع فرهنگی	۲۴ *
۲۷ - پادشاهان انتخابی (۱۵۷۳ - ۱۷۹۵)	۲۵ *
۲۸ - لهستان - جمهوری دموکراسی	۲۶ *
۲۹ - لهستان در زمان اولین پادشاه	انتخابی (آخر قرن ۱۶ و نیمه
۳۰ - انحطاط و ضعف لهستان در نیمه	اول قرن ۱۷)
۳۱ - ژان سوم سوبیسکی (۱۶۷۴ - ۱۶۹۶)	۲۸ *
۳۲ - اوضاع اقتصادی و تمدن عمومی	لهستان در اواخر قرن ۱۷ میلادی
۳۳ - نیمه اول قرن هیجدهم - دوره	ساکسون (۱۶۹۶ - ۱۷۶۳)
۳۴ - آخرین شاه لهستانی استانیسلاو	اگوست (۱۷۶۴ - ۱۷۹۵)
۳۵ - اولین تقسیم لهستان (۱۷۷۳)	۳۵ *
۳۶ - اوضاع لهستان پس از تقسیم اول	۳۶ *
۳۷ - تأثیر پادشاهی استانیسلاو -	اگوست در زندگی فرهنگی
۳۸ - ادبیات و فرهنگ در زمان	
۱ - مطالب عمده جغرافیای	
سرزمین لهستان	صفحه ۱ - ۱۵
۲ - اوضاع عمومی	۱ *
۳ - موقعیت جغرافیایی	۱ *
۴ - آب و هوا	۴ *
۵ - گیاهان	۴ *
۶ - مجموع حیوانات	۵ *
۷ - رودها و دریاچه ها	۶ *
۸ - جمعیت	۷ *
۹ - ملیت	۹ *
۱۰ - مذهب	۹ *
۱۱ - اقلیتها	۱۰ *
۱۲ - بندر کدینیا	۱۱ *
۱۳ - جمعیت شهرها و قصبات	۱۲ *
۱۴ - نظر اجمالی بر تاریخ ده	
قرن لهستان از زمانهای	
باستانی تاکنون	۷۳ - ۱۶ *
۱۵ - تشکیل دولت	۱۶ *
۱۶ - مهمترین وقایع خاندان بولسلاو	اول و بولسلاو سوم
۱۷ - کشور لهستان باستانهای مختلف	تقسیم میشود
۱۸ - تشکیل وحدت لهستان در زمان	پادشاهی آخرین خاندان پیاست
۹۱ - کازیمیر کبیر (سوم) ۱۳۲۳ - ۱۳۷۰	۱۹ *
۲۰ - ترقی و پیشرفت اوضاع فرهنگی	و اجتماعی در زمان کازیمیر کبیر
۲۱ - لهستان دولت بزرگ و معظم	اروپائی

صفحه ۵۳	از ۱۹۱۴
۵۹	- جنگ بین المللی ۱۹۱۴-۱۹۱۸
۵۴	- تجدید استقلال و حیات لهستان
۶۰	- لهستان جدید - برگشت لهستان
۵۶	- زندگی جدید
۵۷	- ۶۱ - وسعت و جمعیت لهستان جدید
۵۷	- ۶۲ - لهستانیها در خارج از کشور
۶۳	- ۶۳ - تجدید نظر و تثبیت قانون اساسی
۵۸	- ۶۴ - در لهستان مستقل و جدید
۵۹	- ۶۵ - سیاست خارجی لهستان مستقل
۶۰	- ۶۶ - جریان اوضاع داخلی لهستان
۶۱	- ۶۷ - در میان سالهای ۱۹۱۹-۱۹۳۹
۶۱	- ۶۸ - اوضاع عمومی آموزش و پرورش
۶۲	- ۶۹ - آموزش عالی علوم و ادبیات
۶۳	- ۷۰ - سازمان کارهای علمی علوم و تعلیم و تربیت
۶۳	- ۷۱ - نمایندگان علوم و ادبیات و هنرهای زیبا در این دوره
۶۴	- ۷۲ - علوم
۶۴	- ۷۳ - ادبیات
۶۵	- ۷۴ - موسیقی
۶۶	- ۷۵ - نقاشی و مجسمه سازی
۶۶	- ۷۶ - قبل از طوفان مهیب سال ۱۹۳۹
۶۶	- ۷۷ - موحشرترین جنگی که انسان تا کنون شناخته است شروع گردید
۶۷	- ۷۸ - جنگ ۱۹۳۹
۶۷	- ۷۹ - فعالیت دولت لهستان
۶۹	- ۸۰ - لهستان مقاومت را ادامه میدهد
۶۹	- ۸۱ - جنگ آلمان و روسیه
۷۰	- ۸۲ - دوره جدید در تاریخ جنگ (۱۹۴۳-۱۹۴۱) و مهاجرت
۷۰	- ۸۳ - آخرین سخن
۷۱	- ۸۴ - نظر اجمالی بر ادبیات لهستان در قرون ۱۹ و ۲۰

صفحه ۳۷	استانيسلاو اوگوست
۳۹	- مجلس شورای چهار ساله (۱۷۸۸)
۳۸	- (دیت) و قانون اساسی سوم مه
۴۰	- جنگ روسیه و لهستان در ۱۷۹۲
۳۹	- تقسیم دوم لهستان در ۱۷۹۳
۴۰	- ۴۱ - انقلاب کوشیوشکو
۴۲	- ۴۲ - سومین و آخرین تقسیم لهستان در ۱۷۹۵
۴۰	- ۴۳ - قضاوت عمومی در خصوص سقوط دولت لهستان و نتایج آن
۴۱	- ۴۴ - تاریخ ملت لهستان پس از تقسیمات سه گانه (۱۷۹۵-۱۹۱۸)
۴۲	- ۴۵ - اختصاصات عمومی این دوره
۴۲	- ۴۶ - اولین نهضت ملی برای بدست آوردن استقلال دستجات ۱۷۹۷ دوشه ورشو
۴۲	- ۴۷ - پس از کنگره وین
۴۳	- ۴۸ - اوضاع عمومی پس از کنگره وین (۱۸۱۵-۱۸۳۰)
۴۵	- ۴۹ - انقلاب نوامبر (۱۸۳۰-۱۸۳۱)
۴۵	- ۵۰ - مهاجرت بزرگ پس از ۱۸۳۱-۱۸۳۰
۴۶	- ۵۱ - جنگ ملت لهستان برای بدست آوردن استقلال در قرن نوزدهم
۴۸	- ۵۲ - انقلاب ژانویه ۱۸۶۳
۴۹	- ۵۳ - اوضاع عمومی کشور در میان سالهای (۱۸۶۳-۱۹۱۴)
۴۹	- ۵۴ - اوضاع ناحیه متصرفی پروس در نیمه قرن ۱۹ تا سال ۱۹۱۴
۵۰	- ۵۵ - ناحیه متصرفی اتریش (گالیسی)
۵۰	- ۵۶ - مهاجرت در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰
۵۱	- ۵۷ - اوضاع روحی و تمدنی لهستان در این دوره
۵۱	- ۵۸ - اوضاع و جریانهای سیاسی قبل

۱۱۲ - بازرگانی خارجی	صفحه ۱۱۹
۱۱۳ - وسائط حمل و نقل	۱۲۱
۱۱۴ - قوانین حامی	
۱۳۲-۱۲۵ - کارگری در لهستان	
۱۱۵ - کارگر و حمایت آن	۱۲۵
۱۱۶ - فعالیت اعتبار برای کارگر	
در لهستان	۱۲۶
۱۱۷ - مساعدت اجتماعی	۱۲۸
۱۱۸ - حمایت اجتماعی جوانان بالغ	۱۲۸
۱۱۹ - بیمه های اجتماعی	۱۲۹
۱۲۰ - ورزش در لهستان	۱۳۱
۱۲۱ - بهداشت عمومی	۱۳۱
۱۲۲ - تشکیلات کشوری و	
دادگستری لهستان	۱۳۷-۱۳۳
۱۲۳ - دولت و قانون اساسی	۱۳۳
۱۲۴ - مجلس شورای ملی لهستان	
یا سیم	۱۳۵
۱۲۵ - مجلس سنای لهستان	۱۳۶
۱۲۶ - اوضاع اداری	۱۳۶
۱۲۷ - دادگستری	۱۳۷
۱۲۸ - جهانگردی	۱۵۴-۱۳۸
۱۲۹ - بناها و موزه ها	۱۳۹
۱۳۰ - ورزش	۱۴۱
۱۳۱ - یوزنان	۱۴۳
۱۳۲ - تئاتر سینما تفریحگاه	۱۴۶
۱۳۳ - وسائط حمل و نقل	۱۴۸
۱۳۴ - ورزشهای زمستانی را کویانا	۱۴۸
۱۳۵ - شهرهای آبهای معدنی	
در لهستان	۱۵۱
۱۳۶ - لهستان در جنگ کنونی	۱۵۵-۱۶۲
۸۶ - صفحه ۷۲	
۸۳ - جنگ بزرگ ۱۹۱۴ -	
۱۹۱۸	۷۳
۸۴ - هنرهای ظریفه	۹۹
۸۵ - معماری	۸۷
۸۶ - مجسمه سازی	۸۹
۸۷ - موسیقی	۹۰
۸۸ - نقاشی	۹۴
۸۹ - هنرهای تئاتری	۹۵-۹۷
۹۰ - پست و رادیو	۹۸
۹۱ - مطبوعات	۹۹
۹۲ - اقتصاد لهستان	۱۰۰-۱۲۴
۹۳ - کشاورزی	۱۰۳
۹۴ - تربیت حیوانات	۱۰۴
۹۵ - اقتصاد جنگل	۱۰۶
۹۶ - صنعت و استخراج معادن	۱۰۷
۹۷ - فلزکاری و ذوب فلزات	۱۱۰
۹۸ - صنایع روی و سرب	۱۱۱
۹۹ - صنایع فلزکاری	۱۱۱
۱۰۰ - صنایع الکتریکی	۱۱۲
۱۰۱ - صنعت بافندگی	۱۱۲
۱۰۲ - صنعت شیمیائی	۱۱۴
۱۰۳ - صنعت کاغذ سازی	۱۱۵
۱۰۴ - صنعت مواد معدنی ساختمانی	۱۱۵
۱۰۵ - صنعت چوب	۱۱۶
۱۰۶ - پوست سازی	۱۱۶
۱۰۷ - صنعت مواد غذایی	۱۱۶
۱۰۸ - صنعت ساختمان	۱۱۷
۱۰۹ - صنعت چاپ	۱۱۷
۱۱۰ - ناحیه مرکزی صنعتی	۱۱۷
۱۱۱ - مشاغل و پیشه	۱۱۸

صفحه ۳۷	استانبلاو او گوشت	از ۱۹۱۴	صفحه ۳۷
۳۹	- مجلس شورای چهار ساله (۱۷۸۸)	۵۹ - جنگ بین المللی ۱۹۱۴-۱۹۱۸	
۳۸	- (دیت) و قانون اساسی سوم مه	۵۴ - تجدید استقلال و حیات لهستان	
۴۰	- جنگ روسیه و لهستان در ۱۷۹۲	۶۰ - لهستان جدید - برگشت لهستان	
۳۹	- تقسیم دوم لهستان در ۱۷۹۳	۵۶ - بزندگی جدید	
۴۱	- انقلاب کوشچوشکو	۶۱ - وسعت و جمعیت لهستان جدید	
۴۲	- سومین و آخرین تقسیم لهستان	۶۲ - لهستانها در خارج از کشور	
۴۰	- در ۱۷۹۵	۶۳ - تجدید نظر و تثبیت قانون اساسی	
۴۳	- قضاوت عمومی در خصوص سقوط	۵۸ - در لهستان مستقل و جدید	
۴۱	- دولت لهستان و نتایج آن	۶۴ - سیاست خارجی لهستان مستقل	
۴۴	- تاریخ ملت لهستان پس از تقسیمات	۶۵ - جریان اوضاع داخلی لهستان	
۴۲	- سه گانه (۱۷۹۵-۱۹۱۸)	۶۰ - در میان سالهای ۱۹۱۹-۱۹۳۹	
۴۵	- اختصاصات عمومی این دوره	۶۶ - اوضاع عمومی آموزش و پرورش	
۴۶	- اولین نهضت ملی برای بدست آوردن استقلال دستجات	۶۷ - آموزش عالی علوم و ادبیات	
۴۲	- ۱۷۹۷ دوشه ورشو	۶۸ - سازمان کارهای علمی علوم و تعلیم	
۴۳	- پس از کنفرانس وین	۶۳ - و تربیت	
۴۸	- اوضاع عمومی پس از کنفرانس وین (۱۸۱۵-۱۸۳۰)	۶۹ - نمایندگان علوم و ادبیات و هنرهای زیبا در این دوره	
۴۵	- انقلاب نوامبر (۱۸۳۰-۱۸۳۱)	۷۰ - علوم	
۴۵	- مهاجرت بزرگ پس از ۱۸۳۱	۷۱ - ادبیات	
۴۶	- ۱۸۳۰	۷۲ - موسیقی	
۵۱	- جنگ ملت لهستان برای بدست آوردن استقلال در قرن نوزدهم	۷۳ - نقاشی و مجسمه سازی	
۴۸	- انقلاب ژانویه ۱۸۶۳	۷۴ - قبل از طوفان مهیب سال ۱۹۳۹	
۴۹	- اوضاع عمومی کشور در میان سالهای (۱۸۶۳-۱۹۱۴)	۷۵ - موحشرین جنگی که انسان تا کنون شناخته است شروع گردید	
۵۴	- اوضاع ناحیه متصرفی پروس در نیمه قرن ۱۹ تا سال ۱۹۱۴	۷۶ - جنگ ۱۹۳۹	
۵۵	- ناحیه متصرفی اتروش (گالیسی)	۷۷ - فعالیت دولت لهستان	
۵۶	- مهاجرت در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰	۷۸ - لهستان مقاومت را داد و میدهد	
۵۷	- اوضاع روحی و تمدنی لهستان در این دوره	۷۹ - جنگ آلمان و روسیه	
۵۸	- اوضاع و جریانهای سیاسی قبل	۸۰ - دوره جدید در تاریخ جنگ (۱۹۴۱-۱۹۴۳) و مهاجرت	
		۸۱ - آخرین سخن	
		۸۲ - نظر اجمالی بادیات	
		لهستان در قرون ۱۹ و ۲۰	

۱۱۲ - بازرگانی خارجی	صفحه ۱۱۹
۱۱۳ - وسائط حمل و نقل	۱۲۱
۱۱۴ - قوانین حامی	
۱۲۲-۱۲۵ - کارگری در لهستان	
۱۱۵ - کارگر و حمایت آن	۱۲۵
۱۱۶ - فعالیت اعتبار برای کارگر	
در لهستان	۱۲۶
۱۱۷ - مساعدت اجتماعی	۱۲۸
۱۱۸ - حمایت اجتماعی جوانان بالغ	۱۲۸
۱۱۹ - بیمه های اجتماعی	۱۲۹
۱۲۰ - ورزش در لهستان	۱۳۱
۱۲۱ - بهداشت عمومی	۱۳۱
۱۲۲ - تشکیلات کشوری و	
دادگستری لهستان	۱۳۳-۱۳۷
۱۲۳ - دولت و قانون اساسی	۱۳۳
۱۲۴ - مجلس شورای ملی لهستان	
یا سیم	۱۳۵
۱۲۵ - مجلس سنای لهستان	۱۳۶
۱۲۶ - اوضاع اداری	۱۳۶
۱۲۷ - دادگستری	۱۳۷
۱۲۸ - جهانگردی	۱۳۸-۱۵۴
۱۲۹ - بناها و موزه ها	۱۳۹
۱۳۰ - ورزش	۱۴۱
۱۳۱ - یوزنان	۱۴۳
۱۳۲ - تئاتر سینما تفریحگاه	۱۴۶
۱۳۳ - وسائط حمل و نقل	۱۴۸
۱۳۴ - ورزشهای زمستانی زاکوپانا	۱۴۸
۱۳۵ - شهرهای آبهای معدنی	
در لهستان	۱۵۱
۱۳۶ - لهستان در جنگ کنونی	۱۵۵-۱۶۲
۸۶ - صفحه ۷۲	۸۶
۸۳ - جنگ بزرگ ۱۹۱۴ -	
۱۹۱۸	۷۳
۸۴ - هنرهای ظریفه	۹۹
۸۵ - معماری	۸۷
۸۶ - مجسمه سازی	۸۹
۸۷ - موسیقی	۹۰
۸۸ - نقاشی	۹۴
۸۹ - هنرهای تئاتری	۹۵-۹۷
۹۰ - پست و رادیو	۹۸
۹۱ - مطبوعات	۹۹
۹۲ - اقتصاد لهستان	۱۰۰-۱۲۴
۹۳ - کشاورزی	۱۰۳
۹۴ - تربیت حیوانات	۱۰۴
۹۵ - اقتصاد جنگل	۱۰۶
۹۶ - صنعت و استخراج معادن	۱۰۷
۹۷ - فلزکاری و ذوب فلزات	۱۱۰
۹۸ - صنایع روی و سرب	۱۱۱
۹۹ - صنایع فلزکاری	۱۱۱
۱۰۰ - صنایع الکتریکی	۱۱۲
۱۰۱ - صنعت بافندگی	۱۱۲
۱۰۲ - صنعت شیمیائی	۱۱۴
۱۰۳ - صنعت کاغذ سازی	۱۱۵
۱۰۴ - صنعت مواد معدنی ساختمانی	۱۱۵
۱۰۵ - صنعت چوب	۱۱۶
۱۰۶ - پوست سازی	۱۱۶
۱۰۷ - صنعت مواد غذایی	۱۱۶
۱۰۸ - صنعت ساختمان	۱۱۷
۱۰۹ - صنعت چاپ	۱۱۷
۱۱۰ - ناحیه مرکزی صنعتی	۱۱۷
۱۱۱ - مشاغل و پیشه	۱۱۸

مطالب عهده جغرافیای

سرزمین لهستان

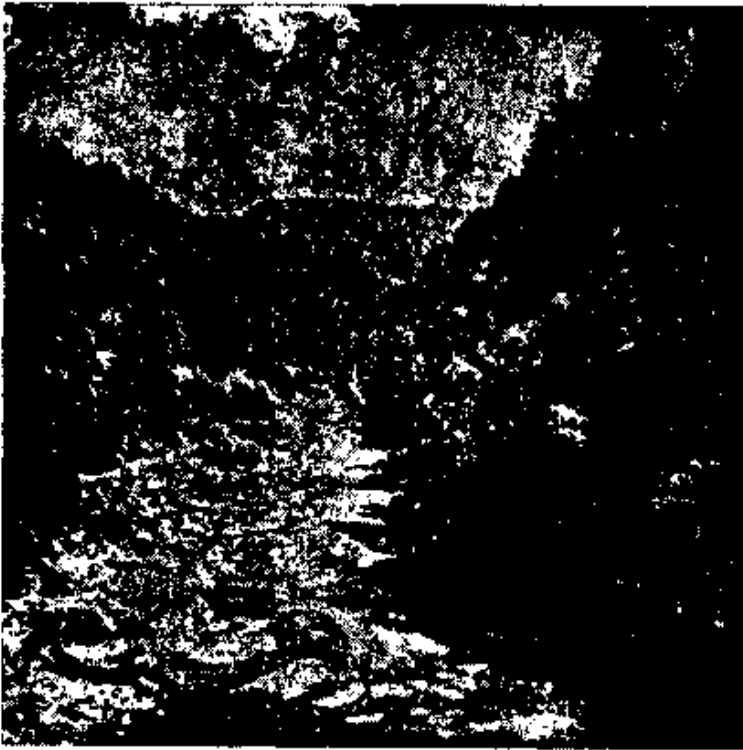


اوضاع عمومی

کشور لهستان درست در وسط قاره اروپا قرار گرفته است و از لحاظ عرض جغرافیائی از کشور ایران در درجه بالاتری است. عرض جغرافیائی ورشو پایتخت لهستان مثل شهرهای لندن - برلن و کوی پدچف است یعنی در ۵۲ درجه عرض جغرافیائی قرار گرفته است (عرض جغرافیائی شهر تهران ۳۳ درجه است). لهستان از حیث موقعیت جغرافیائی کاملاً برعکس ایران است. در حالیکه در ایران کوههای مرتفع و مستور از برف زیادی وجود دارند در لهستان کوه خیلی کم یافت میشود. در ایران آب خیلی کم یاب و نادر است ولی در لهستان آب بحد وفور پیدا میشود مثلاً در ایالت پولزیا (Polesie) فراوانی آب زحمت زیادی تولید نموده زیرا اهالی مجبورند قسمتی از این آبها را بنقاط دیگر ببرند. در ایران خورشید بقدری روشن و تابان است که بعضی اوقات مردم بهمین جهت بیمار میشوند. در لهستان بالعکس روزهای آفتابی کمتر دیده میشوند و روزهای خیلی گرم برعکس ایران خیلی کمتر وجود دارند و غیره.

موقعیت جغرافیائی لهستان در شمال شرقی اروپای مرکزی قرار گرفته و از لحاظ وضع جغرافیائی به جلگه اروپای شمالی تعلق دارد.

بنابراین یکی از خواص منظره کلی سرزمین لهستان اینست که آن کشور سرزمینی است مسطح و هموار یا جلگه ایست بارودخانه های ساکن و جنگلهای انبوه زمینهای وسیع فلات و شهرها و قصبات زیاد که در سراسر این کشور پراکنده



دره‌ای در کوه تاتری (Tatry)



رورد دوناتین (Dunajec) در کوه پنینی (Pieniny)

میباشند. چه در جنوب و چه در شمال زمینهای پست با زمینهای مرتفع متصل شده و شکل دو قوسی را میدهند این منظره بخصوص در اطراف ورشو بهتر نمایان است.

کشوری که دارای اینهمه دریاچه و باطلاق و مرداب و جنگل و کوههای پست مرز طبیعی شمال را میسازد.

ولی در جنوب سلسله جبال کارپات قسمت اعظم جنوب ایالت لهستانی گالیسی (Galicja) را میپوشاند و این رشته جبال تدریجاً مرتفع تر شده و در نزدیکی مرز چکوسلواکی قله اصلی خود را تشکیل میدهد و این قله همان توده صخره‌ای تاتری (Tatry) میباشد که ارتفاع آن از سطح دریا متجاوز از ۲۴۰۰ متر میباشد.

۸۷ درصد از سرزمین لهستان که ۳۸۸۶۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد در کمتر از ۳۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است . فقط دو درصد از خاک لهستان ارتفاعی متجاوز از ۶۰۰ متر از سطح دریا دارد مرتفع ترین قله کوه بلند ناترا ۲۵۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد .

لهستان در جنوب و بادرجه کمتری در شمال يك سرحد طبیعی دارد . ولی قسمتهای خاوری و باختری آن کمتر منظره بارز و نمایانی دارند بطوریکه بین زمینهای پست خاور و باختر يك نوع پل درست میکنند یعنی مقتضیاتی که هم محسنات و هم معایب خود را دارد .

مساحت کشور لهستان ۳۸۸۶۰۰ کیلومتر مربع است ولی در اینجا ما باید بگوئیم که لهستان قبل از سال ۱۷۷۲ مساحتی برابر ۷۵۱۰۰۰ کیلومتر مربع داشت . طول مرزهای لهستان با کشورهای دیگر از اینقرار است :

با آلمان	۱۹۱۲ کیلومتر
با اتحاد جماهیر شورى	۱۴۱۲
با چکوسلواکی	۹۸۴
با لیتوانی	۵۰۷
با رومانی	۳۴۷
با دریا	۱۴۰
با شهر آزاد دانتزیک	۱۲۱
با لتونی	۱۰۶
مجموع	۵۵۲۹ کیلومتر

بنابر این ملاحظه میشود که از حیث مساحت کشور لهستان در اروپا رتبه ششم را حائز است .

آب و هوا آب و هوای لهستان بین معتدله و اقیانوسی است . در ناحیه

سیلزی و همچنین در ساحل دریا جد متوسط درجه حرارت در ماه ژانویه ۱ - درجه سانتیگراد است و در شمال شرقی ۶ - درجه سانتیگراد است . حد متوسط درجه حرارت در ماه ژوئیه ۱۸ درجه بالای صفر است در ساحل دریا برابر ۲۱ درجه بالای صفر است . (در ایالت پودولیا) (Podole) لهستان در منطقه معتدله قرار گرفته است و بادهای غربی اقیانوسی مسلط بر این کشور اند . پست ترین نقطه یخبندان اگرچه در این کشور کمتر دیده میشود و در سال فقط چند روز است در نقطه ۳۰ درجه سانتیگراد میباشد و بالاترین نقطه گرمای که باز هم در این کشور بندرت دیده میشود برابر ۴۰ درجه بالای صفر است . ولی معمولاً در تابستان درجه حرارت بین ۲۰ و ۳۰ تغییر میکند .

گیاهان گیاهان سرزمین لهستان شاهد شرائط اقلیمهای مختلف این

کشور است . کلیه مناطق اروپا که دارای شرائط نمو گیاهان باشند در این ناحیه پیدا میشوند . منطقه گیاهی ناحیه بالتیک جلگه های عظیم شمالی و مرکزی لهستان را میپوشاند (یعنی از جنوب به سلسله جبال کارپات و از خاور به رود بوگ) آب و هوای دریای سیاه به قسمتهای جنوب خاوری و همچنین رشته کوههای کارپات محدود میباشد . این سه منطقه اگرچه از هم کاملاً مجزا نمیباشند مع الوصف درختان بلند این مناطق در جنگلهای انبوه سرو و کاج پنهان شده اند . در لهستان ۲۴ قسم درخت وجود دارد که اغلب آنها از نوع سرو و کاج میباشند درختان کاج و صنوبر بخصوص در نواحی شنزار اغلب همراه درختان دیگر بیشتر

عمومیت دارند درختان کاج و صنوبر بیشتر از نصف جنگلهای لهستان را تشکیل میدهند. جنگلهای متنوع در زمینهای مردابی و شنزار فراوانتر میباشند در صورتیکه درختان برگ دار مانند درخت زان درخت توسکا درخت بلوط نارون بیشتر در نواحی مرطوب و حاصلخیز میرویند. در نواحی کوهستانی درختان صنوبر سرو کاج و درختان بلوط درختهای نارون زبان گنجشک افرا تبریزی درخت بید درختانی که برگهایش در اثر وزش جزئی نسیمی بلرزش در میآیند و سایر اقسام درختان مفید نیز بوفور یافت میشوند.

در سال ۱۹۳۷ جنگلهای لهستان ۸۶۲۴۰۰۰ هکتار وسعت داشته و ۲۲ درصد از سرزمین لهستان را اشغال کرده بودند ما امیدانیم پس از این جنگ که چند جنگل از این همه جنگلهای لهستان باقی خواهد ماند؛ در طی جنگ عالمگیر گذشته (۱۹۱۸-۱۹۱۴) در موقعیکه لهستان توسط آلمانیها اشغال شده بود آلمانیها قسمت اعظم درختان این جنگلها را بریده و برای استفاده از چوبشان تمام آنها را با آلمان حمل کردند. ما میدانیم اکنون که بار دیگر لهستان توسط آلمانیها اشغال گردیده اشغالگران سعی و کوشش خواهند کرد که اقتصاد ما را از بین ببرند.

مجموع حیوانات بمرور زمان و عهود تاریخی لهستان انواع زیادی از حیوانات خود را از دست داده است. گوزن شمالی سمور واسب وحشی امروز دیگر وجود ندارند. گاو وحشی اروپائی هنوز در بیاوویتزا (Białowieża) و در ناحیه پشچینا (Pszczyna) واقع در ایالت سیلزی نگهداری میشوند. لهستان از لحاظ داشتن انواع حیوانات ثروتمندترین کشور اروپائی میباشد برای آنکه در باختر تمام انواع حیواناتی که در اروپای مرکزی و اروپای باختری متداول اند وجود دارد در قسمت خاوری و دامنه های جبال کارپات بهترین زمینهای دست نخورده ای که برای شکار بسیار مورد استفاده است دارد. زمینهای پست باختری دارای حیوانات

فراوانی از قبیل گوزن قرمز گوزن تخم - خرگوش وحشی - قرقاول - کبک
 خرگوش خانگی میباشد. در خاور در جنگلهای ایالت ویلنو (Wilno) حیوانات
 وحشی زیاد از جمله کرک روباه سیاه گوش خروس کوهی و خروس سیاه وجود دارند.
 در ناحیه پولزی صدای پرندگان وحشی و مناظر زیبا همه تماشاچی ها را بسوی خود
 جلب میکند و در این نواحی هم خروشهای کوهی و حیوانات بزرگ دیگری مثل گوزن
 شمالی گراز گوزن معمولی کرک روباه گربه کوهی پیدا میشوند ولی در دامنه های
 جبال کارپات شکارچیها با حیوانات دیگری مثل گراز خروس گوزنهای ناحیه کارپات گربه
 وحشی گربه کوهی و کرک و خروس کوهی مواجه میشوند. از جمله حیوانات بزرگ
 کرک و گوزن شمالی و روباه و از جمله حیوانات کوچک خرگوش بیشتر از سایر
 حیوانات در این کشور عمومیت دارند.

در جنگلهای وسیع لهستان شکارگاههای خوبی برای شکارچیها وجود دارند
 و همواره عده زیادی از بیگانگان برای استفاده از شکار باین نواحی می آیند.

رودها و دریاچه ها رودهای لهستان خیلی وسیع بوده و در سراسر کشور فرا گرفته
 اند. تقریباً هفتاد درصد این رودها بطرف شمال یعنی بطرف

دریای بالتیک جاری میشوند و سایر رودها بطرف دریای سیاه جاری میشوند. مهمترین
 و طولانی ترین رودخانه لهستان رود ویستول (Wisla) است که ۱۰۹۲ کیلومتر طول
 دارد و ۱۰۲۷ کیلومترش در لهستان است. حوضه رود ویستول و شعبه های آن
 چهل و شش درصد خاک لهستان را شامل خود میکند. بزرگترین شعبه های رود
 ویستول در خاور عبارتند از دونایتس (Dunajec) سان (San) ویش (Wieprz) رود
 بوک بانارو (Narew) و درونتسا (Drweca) شعبه های باختری ویستول عبارتند از
 پشمشا (Przemsza) نیدا (Nida) پیلیسا (Pilica) بژورا (Bzura) و بردا (Brda) مهمترین

رودخانه لهستان باختری رود وارتا (Warta) که شعبه‌ای از رود اودرا (Odra) است میباشد.

جویبارهای ناحیه شمال‌خاوری در رودهای نیمن (Niemen) و دژوینا (Dzwinna) میریزند.

زمینهای مردابی پولزی حوضه رودخانه پریپچ (Prypec) را می‌سازند و قسمت جنوب‌خاوری لهستان حوضه رودخانه دنیستر (Dniester) میباشد. در دامنه‌های کوههای جنوب‌خاوری سلسله جبال کاریات رود پروت (Prut) که شعبه‌ای از رود دانوب است جاری میشود. بسیاری از رودهای لهستان بوسیله کانال بهم اتصال دارند اغلب رودهای لهستان برای جهانگردان بیکانه بواسطه سواحل زیبایشان خیلی جلب توجه میکنند. لهستان همچنین دریاچه‌های زیادی دارد (در حدود پنج هزار) مخصوصاً در ناحیه ویلنو (Wilno) که در آنجا بزرگترین دریاچه‌های این کشور قرار دارند از قبیل دریاچه ناروچ (Narocz) که ۸۲ کیلومتر مربع مساحت دارد و همچنین دریاچه‌های دیگر. دریاچه‌های زیاد دیگری نیز در ناحیه پومورانی (Pomorze) ایالت پوزنان و ناحیه سووالیکی (Suwalki) وجود دارند. در کوههای تاترا نیز دریاچه‌های زیبای زیادی جاری میباشد. مرزهای این دریاچه‌ها قسمتهای وسیعی از سرزمین لهستان را مستور میدارد. مرداب‌های پولزی بزرگترین ایالت اروپا را تشکیل میدهند.

الف. تراکم و افزایش طبیعی جمعیت لهستان مطابق آمار جمعیت

رسمی سال ۱۹۳۱ برابر با ۵۰۰ و ۱۳۳ و ۳۲ (سی و دو ملیون و یکصد و سی و سه هزار و پانصد) نفر بود مطابق تخمینی که در اول ژانویه سال ۱۹۳۸ زده شد این جمعیت به ۳۴۶۲۱۰۰۰ نفر بالغ شده بود. بنابراین جمعیت نسبی لهستان در هر کیلومتر مربع ۸۷ نفر میباشد. همانطوریکه از تابلوی زیر دیده میشود جمعیت لهستان بوسیله تراکم مختلف تشکیل شده است. بزرگترین تراکم جمعیت

در نواحی جنوب شهرهای کراکوف (Krakow) لودو (Lwow) و تارنوبول (Tarnopol) و در ناحیه مرکزی شهرهای ورشو لودز (Lodz) لوبلین (Lublin) و بیالیستوک (Bialystok) و در ایالت باختری پزان سیلزی و پومرانی (Pomorze) میباشد و کمترین تراکم جمعیت در ایالت خاوری یعنی ویلنو نووگروdek (Nowogrodek) پولزی و ولین (Wolyn) میباشد. جمعیت نسبی در ایالت نامبرده عدد بزرگی را تشکیل میدهند من باب مثل جمعیت نسبی سیلزی ۸۰۴ نفر در هر میل مربع و در ناحیه پومرانی (Pomorze) ۱۷۱ نفر در هر میل مربع زندگی میکنند. افزایش جمعیت در طول سالهای ۱۹۳۱-۱۹۲۱ به ۱۸/۲ درصد بالغ شده بود مثلاً جمعیت لهستان در سال ۱۹۲۱ برابر با ۲۷۴۰۰۰۰۰ نفر بود و در سال ۱۹۳۹ به ۳۵۱۰۰۰۰۰ نفر رسیده بود.



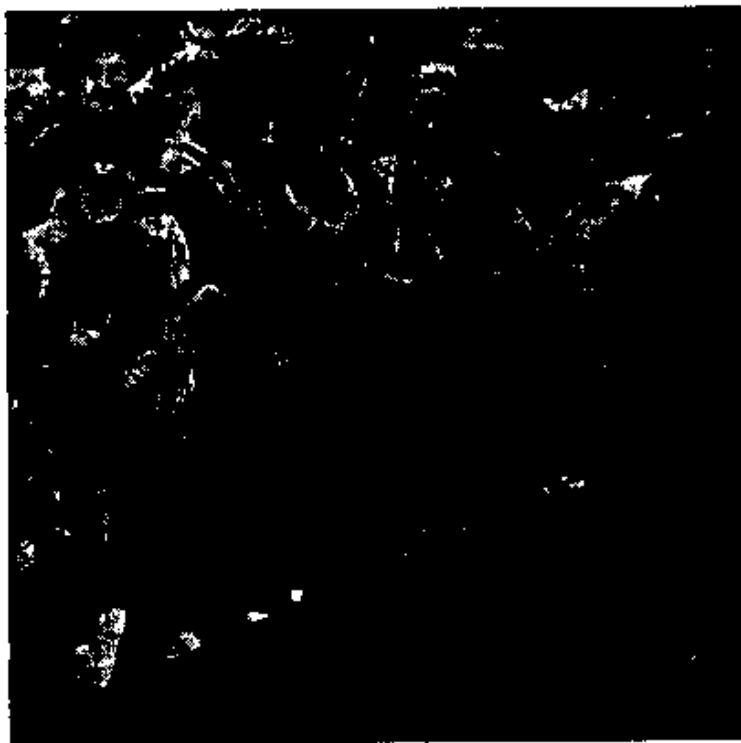
یک نفر زن از اهالی سیلزی در لباس ملی

عموماً حد متوسط

افزایش جمعیت لهستان در سال چهارصد هزار نفر میباشد لهستان از لحاظ زیادی جمعیت در اروپا رتبه ششم را دارد. روسیه با داشتن ۱۶۸ میلیون جمعیت و آلمان با ۶۷/۳ میلیون و بریتانیای کبیر با ۴۷/۱ میلیون و ایتالیا

۴۳/۱ میلیون و فرانسه ۴۱/۹ میلیون بترتیب حائز درجه های اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم میباشند. شهر ورشو هفتمین شهر بزرگ اروپا است.

مذهب اکثریت ملت است و پیروان زیادتری دارد در بین سایر مذاهب این کشور رتبه مهمتری را احراز میکنند با این وصف سایر مذاهب نیز از آزادی کامل بهره میبرند ما باید در اینجا تذکر دهیم که تمام اقلیتهائی که در لهستان زندگی میکنند از آزادی کامل مذهبشان که بوسیله دولت لهستان داده شده بود بهره میبردند و همچنین از هر گونه اختیارات مذهبی نیز برخوردار شدند. من باب مثال در ضمن خدمات نظامی سربازان در روزهای تعطیلی مذهبی خود آزاد بودند و آنها از اختیارات خود استفاده میبردند.

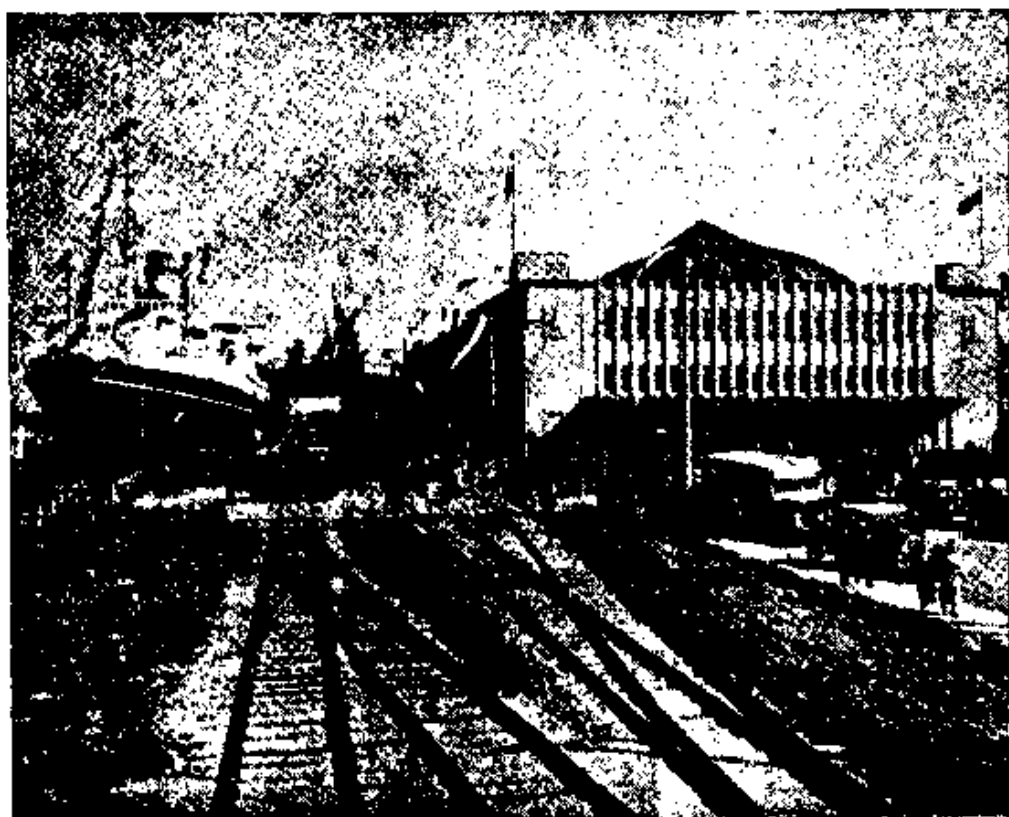


ارکستر دهقانی در يك ناحیه کوهستانی

اغلب مسلمانهای لهستان در اطراف تروکی (Troki) واقع در ایالت ویلنو زندگی میکنند. این مسلمانها فرزندان اسیران تاتاری میباشند که در زمان جنگ با پادشاه یساگیلو (Jagiello) ۱۳۸۶ - ۱۴۳۴ به اسارت لهستانها در آمدند. این مسلمانها نیز از آزادی کامل و اختیارات وسیع مذهبی خود استفاده میبردند.

اقلیتها ما سابق اشاره باین نکته کردیم که در لهستان اقلیتهای زیادی زندگی میکنند اوکراینها - یهودیها - روسهای سفید - آلمانیها - روسها - چکها - لیتوانیها - روتنیها و بسیاری اقلیتهای دیگر در این کشور مسکن دارند. حقوق و اختیارات اقلیتها بوسیله قانون اساسی لهستان و بعضی قراردادهای مخصوص تضمین شده است. تمام اقلیتهای لهستان از آزادی بیان، مطبوعات، اتفاق و غیره بهره مند میشوند.

تمام اقلیتهای لهستان از آنجائیکه تابع دولت لهستان میباشند از هرگونه اختیاری که مربوط بملت لهستان باشد برخوردار میشوند. آنها در انتخابات شرکت میکنند خودشان هم نمایندگی مجلس میتوانند انتخاب شوند و همچنین آنها میتوانند مهمترین مقامات دولتی را بدست آورند. اقلیتهای ملی برای خود مدارس و آموزشگاههایی دارند که در آنجا بزبان مادری خود تدریس میکنند.



ایستگاه دریائی در بندر «گدینیا» (Gdynia)

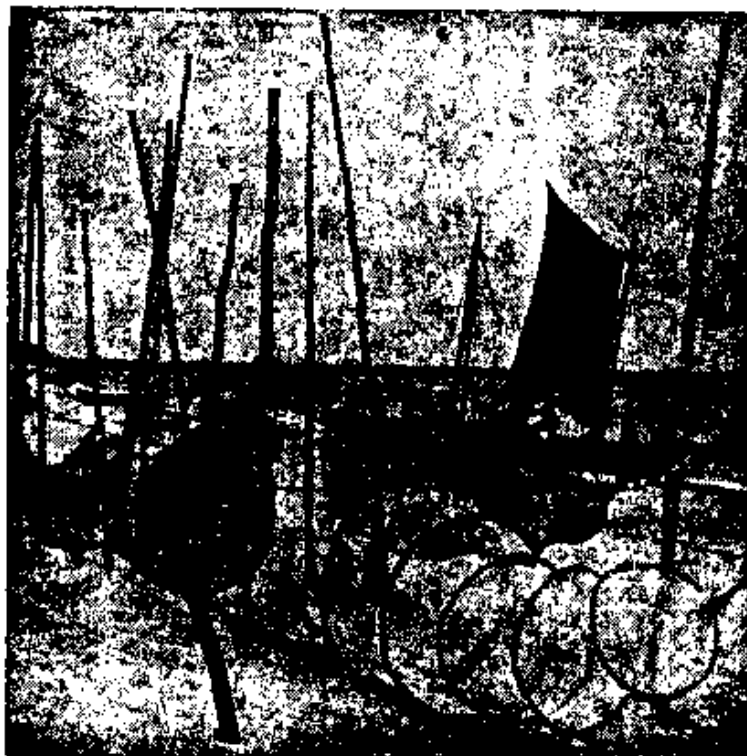
بندر گدینیا (Gdynia) بنای بندر گدینیا یکی از بزرگترین شاهکارهای فنی سالهای اخیر میباشد. در سال ۱۹۲۴ موقعیکه بندر دانزیک دیگر برای بازرگانی خارجی لهستان مفید واقع نمیشد دولت لهستان تصمیم گرفت بندری در خلیج گدینیا که در آن زمان ییلاق ماهی گیری بیش نبود بسازد. در عرض ده سال بندر گدینیا بصورت یکی از بزرگترین بنادر اروپا درآمد. ظرفیت بندر گدینیا در سال ۱۹۳۵ برابر با ۷۱۱۸۰۰۰ تن بود. از بندر گدینیا خطوط اصلی کشتی رانی بشمار

دریاهای دیگر کشیده شده بود مثلاً ۱۲ خط کشتی رانی بینادر دریای بالتیک ۱۲ خط به بنادر بالتیک و دریای شمال ۷ خط دریائی به بنادر انگلیس ۳ خط کشتی رانی به بنادر فرانسه ۷ خط بدریای مدیترانه ۲۰ خط کشتی رانی به خاور نزدیک و فلسطین ۵ خط بامریکای شمالی ۳ خط کشتی رانی به بنادر امریکای جنوبی يك خط بافریقا و يك خط بینادر دریای اژه . تمام این بندر مساحتی برابر با ۱۰۱۰ هکتار را اشغال میکنند . در سال ۱۹۳۵ در بندر گدینیا ۹۵۵۰ کشتی بظرفیت ۷۴۷۴۴۴ تن محمولات وجود داشت .

جمعیت شهرها و قصبات

در کشور لهستان چندین هزار قصبه و در حدود شصت شهر هست . اکنون ما فهرست آماری که در اول ژانویه ۱۹۳۹ منتشر شده و در آن شهرهایی را که بیش از صد هزار نفر جمعیت دارند نشان میدهد بنظر خوانندگان میرسانیم :

شهر ورشو دارای ۱۲۸۹۰۰۰ نفر جمعیت



این شهر در قرن سیزدهم تورهای ماهی گیری در مرز دریای « بالتیک »

پیدا شده و در سال ۱۵۹۶ بعنوان پایتخت لهستان انتخاب شده است . کلیسیاها و قصرهای بیشمار آن تا با امروز هم باقی هستند ویران شدن این کلیساها و قصرها در جنگ کنونی بتوسط وحشیگران آلمانی نمونه بارزی از قربانی شدن و قهرمانی فوق العاده ملت لهستان است . در طی ۲۸ روز پایداری در مقابل ارتش مهیب آلمان فقط در شهر ورشو ۱۹۵۶ عمارت بکلی ویران و ۸۴۷۲ عمارت آسیب دید و در این

عمارت ۴۴۸۵۰ مساکن و مراکز شغل ویران شدند . دانشگاه شهر ورشو در سال ۱۸۱۷ تأسیس گردیده ، و دارای شعب زیر است .

دانشکده پلی تکنیک - آموزشگاه عالی کشاورزی - آموزشگاه عالی بازرگانی و غیره نیز ویران شدند .

شهر لودز (Lodz) با ۶۷۲ هزار نفر جمعیت

این شهر از طرف اهالی لهستان بنام منچستر لهستان خوانده میشود و مرکز صنعت بافندگی لهستان است .

شهر لوو (Lwow) با ۴۱۸ هزار نفر جمعیت

شهر مهمی است واقع در جنوب خاوری لهستان ، دانشگاه این شهر در سال ۱۶۶۸ تأسیس شده و دارای شعب زیر است .

دانشکده پلی تکنیک - مؤسسه دامپزشکی - آموزشگاه عالی بازرگانی خارجی و بسیار قسمتهای دیگر .

شهر پوزنان (Poznan) با ۲۷۲ هزار نفر جمعیت

درین مهمترین شهرهای لهستان این شهر از همه شهرها غربی تر است و در کنار رود وارتا (Warta) واقع شده است این شهر در مسافتی کمتر از پنجاه کیلومتر از مرز آلمان قرار گرفته است .

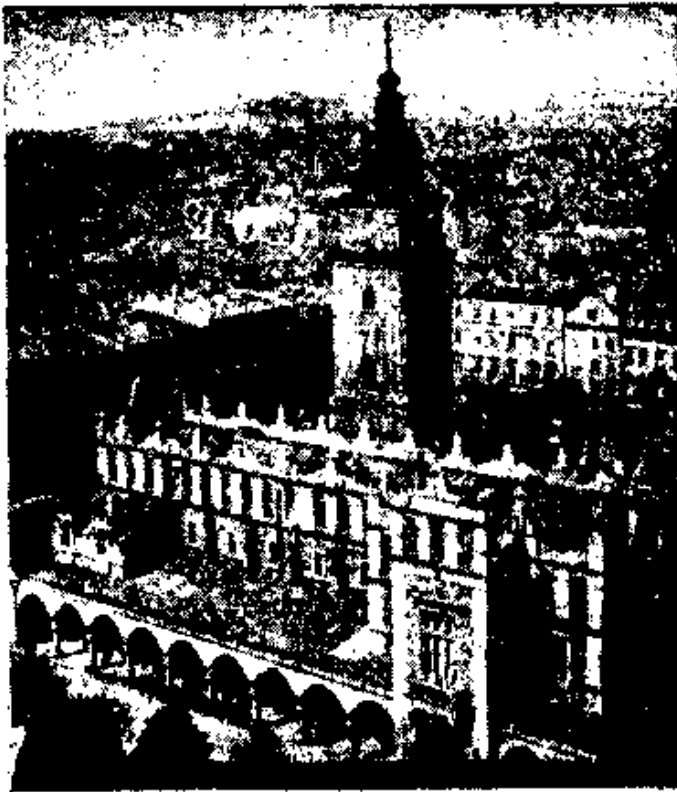
شهر پوزنان یکی از قدیمیترین شهرهای لهستان است و دانشگاهی دارد که در سال ۱۹۱۹ تأسیس گردیده است و از این گذشته آموزشگاههای زیادی دارد .

شهر کراکوف (Krakow) با ۲۵۹ هزار نفر جمعیت

دانشگاه این شهر در سال ۱۳۶۴ تأسیس شده است و دارای قسمتهای زیادی منجمله دانشکده کان شناسی - آکادمی هنرهای زیبا و غیره میباشد . از ابتدای تاریخ لهستان تا پایان قرن شانزدهم کراکوف پایتخت لهستان بوده است .

در صومعه قدیمی و در سلطنتی واول (Wawel) مقبره های عده زیادی از پادشاهان

لهستان و قهرمانان ملی و پیشوایان روحی قرار دارند .



شهرداری «کراکوف»

شهر ویلنو (Wilno) با ۲۰۹ هزار نفر جمعیت

دانشگاه این شهر نیز در سال ۱۵۷۸ تأسیس شده است و همچنین آموزشگاههای زیاد دیگری هم دارد این شهر پایتخت قدیمی دوك نشین لیتوانی بوده که در سال ۱۳۸۶ با لهستان متحد شدند.

شهر بیدگوشچ (Bydgoszcz) با ۱۴۱ هزار نفر جمعیت

از نکته نظر ساختن ماشینهای چاپ و صنعت کاغذ سازی یکی از بزرگترین مراکز صنعتی لهستان بشمار میرود و درباختر لهستان واقع شده است.

شهر چستوخووا (Czestochowa) با ۱۳۸ هزار نفر جمعیت

شهر کاتوویتسه (Katowice) با ۱۳۴ هزار نفر جمعیت

این شهر پایتخت سیلزی علیا است و مرکز کانی و صنعت فولاد سازی مهمی بشمار میرود.

شهر سوسنویتس (Sosnowiec) با ۱۳۰ هزار نفر جمعیت

مرکز کانی مهی بشمار میآید.

شهر لوبلین (Lublin) با ۱۲۲ هزار نفر جمعیت

دانشگاهی دارد که برای انجام عمل تاریخی اتحاد کشورهای لهستان و لیتوانی در سال ۱۵۶۹ شهرت زیادی کسب نموده است.

شهر گدینیا (Gdynia) با ۱۲۰ هزار نفر جمعیت

این شهر در سال ۱۹۲۲ بیلاق ماهیکیری ۳۰۰ نفر اهالی آنجا بود ولی اکنون بندر تازه سازی است که اهمیت زیادی دارد.

شهر خوژو (Chorzow) با ۱۱۰ هزار نفر جمعیت

از نکته نظر شیمی شهر صنعتی مهمی بشمار میآید .

شهر بیالستوک (Bialystok) با ۱۰۷ هزار نفر جمعیت

این شهر در خاور لهستان واقع شده و مرکز ریسندگی و بافندگی معروفی است .
گذشته از این شهرهاییکه در بالا شرحی از آنان داده شد در لهستان شهرهای
قدیمی و مهم دیگری نیز وجود دارند که عبارتند از .

تورون (Torun) با ۶۲ هزار نفر جمعیت

کیلتسه (Kielce) با ۵۸ » »

ولوتسلاوک (Wloclawek) با ۵۶ هزار نفر جمعیت

گروچیوندز (Grudziadz) با ۵۴ » » »

پشمیشل (Przemysl) با ۵۱ » » »

شهر بزشچ (Brzese nad Bugiem) که بر روی رود بوگ بناشد با ۵۱ هزار نفر جمعیت

گرودنو (Grodno) با ۵۰ هزار نفر جمعیت

بوریسلاو (Boryslaw) ۴۳ هزار نفر جمعیت (این شهر دارای کانهای زیاد نفت است)

روونو (Rowno) با ۴۲ هزار نفر جمعیت

لوتسک (Luck) با ۳۵ » » »

تارنوپل (Tarnopol) با ۳۴ هزار نفر جمعیت

دروخوبیچ (Drohobycz) با ۳۲ هزار نفر جمعیت

پینسک (Pinsk) با ۳۲ هزار نفر جمعیت

کنیزنو (Oniezno) با ۳۰ هزار نفر جمعیت .

چی یشین (Cieszyn) با ۲۸ » » »

کول (Kowel) با ۲۹ » » »

و بسیاری شهرهای دیگر .

نظر اجمالی بتاریخ

ده قرن لهستان از زمانهای باستانی تا کنون



آغاز تاریخ - ادوار باستانی و تاریخی کشور لهستان مانند ادوار تاریخی بسیاری از ملل تمدن روی زمین (از جمله ایران) آمیخته بافسانه وقصص وحکایات اغراق آمیز وشکفت انگیز است .

بنا بر اسناد قطعی ومطمئن آغاز تاریخ کشور ملت لهستان را باید از نیمه اول قرن ۱۰ میلادی (قرن ۴ هجری) محسوب داشت بنابراین ملاحظه میشود که بامقایسه باتاریخ ایران از آغاز زمامداری هخامنشیان تاریخ لهستان مدت پانزده قرن جوانتر و جدیر تر است .

مدت ده قرن پیش بعضی از اقوام اسلاو مانند پولانها و ویسلانها وسیلزینها در تحت فشار اقوام ژرمنی نژاد از مساکن اصلی خود رانده شده در کناره های رودهای وارتا و ویستول وادر سکنی اختیار نموده وهسته مرکزی دولت لهستان را برای مقابله با اقوام مهاجم و متعرض تشکیل دادند .

تشکیل دولت سلسله پیاست ها (Dynastia Piastow) قرن دهم تا ۱۳۸۶ .

اولین خاندان سلطنتی تاریخی لهستان خاندان پیاست میباشد که مانند خاندان تاریخی هخامنشیان در ایران اساس حکومت و تشکیل دولت لهستان بتوسط آن بنیان نهاده شد این خاندان مدت چهارصد سال یعنی از قرن دهم تا ۱۳۷۰ میلادی درخاندان مستقیم و سپس تا سال ۱۳۸۶ در نتیجه زناشوئی در لهستان پادشاهی نمودند .

مهمترین وقایع خاندان . پادشاهی می یشکو اول (MIESZKO . 1.) ۹۹۲-۹۶۰ .

مهمترین وقایع در آغاز تاریخ کشور لهستان گرویدن می یشکو ورعایای وی بآئین مسیحی است همین امر سبب گردید که ملت لهستان در آتیه بنیان زندگی خود را در روی تمدن مغرب زمین استوار ساخته وسرنوشت خود را در این طرف جستجو نماید .

بولسلاو اول (Boleslaw) ۹۹۲-۱۰۲۵ و بولسلاو سوم ۱۱۰۲-۱۱۴۸ جانشین میشکو اول .

در میان جانشینان بلا فصل می‌یشکو اول بولسلاو کبیر را باید بشمار آورد . این پادشاه که از سال ۹۹۲ تا ۱۰۲۵ میلادی سلطنت کرد مانند داریوش کبیر اساس دولت و حکومت لهستان را با وضع قوانین و ایجاد سازمان جدید ریخته و بدان سر و صورتی اساسی داد . در زمان این پادشاه مرزهای کشور لهستان از سمت شمال به دریای بالتیک و از طرف جنوب به کوههای کارپات (و گاهی بیاوراء این کوهها) و از باختر به رود الب و از خاور به رود بوگ کشیده شد . با احداث و ایجاد حوزه‌های روحانیت و کلیساها و صومعه‌ها و آموزشگاههای مذهبی تمدن و آموزش و پرورش را در سراسر کشور مستقر ساخته و با تعقیب روش سیاست متینی قدرت دولت آتیه را محرز و روشن ساخت . این پادشاه اولین کسی است که در سال ۱۰۳۵ در گنیزنو (Gniezno) در لهستان بزرگ تاج پادشاهی بر سر نهاد .

ولی صد سال پس از مرگش یکی از جانشینانش بنام بولسلاو سوم (۱۱۰۲-۱۱۳۸) بموجب عادات اسلاوهای آن زمان کشورش را بین فرزنداناش تقسیم کرد ولی حق اولویت و ارشدیت و بالاخره حکومت مرکزی را به فرزندی که مهمترین قسمت لهستان یعنی کراکوف را داشت واگذار نمود .

کشور لهستان باستانهای مختلف تقسیم میشود (۱۱۴۸-۱۴۰۶)

کشور لهستان پس از این تقسیم میدان اختلاف و نزاع شاهزادگان قرار گرفته و مدت يك قرن و نیم اغتشاش و هرج و مرج در آن حکمفرما گردید . همین امر باعث شد که اقوام همسایه خاوری و باختری بدان هجوم آورده اراضی بسیاری را از آن مجزا نمایند و اتفاقاً در جریان همین زمان است (قرن سیزدهم) که حادثات ناگواری برای ملت لهستان روی میدهد که در آتیه آن بسیار مؤثر واقع میشود . از جمله ایجاد منطقه نفوذ شوالیه‌های توتونیک است که در سال ۱۲۲۳ در کناره‌های سفلی رودخانه‌های ویستول و نیمن سکنی اختیار کرده بتدریج پومرانی متعلق

بلهستان و شهر دانزیک را اشغال (۱۳۰۸) کرده بدین ترتیب دست لهستان را از دریا کوتاه نمودند. دیگر هجوم تاتارها ۱۲۸۷-۱۲۵۹-۱۲۴۱ بود که پس از اینکه بیشتر از آسیا از جمله ایران را بباد غارت و کشتار دادند بقره اروپا هجوم آورده کشور لهستان را در زیر سم ستوران خود گرفتند.

این تهاجم که ملت لهستان در کمال رشادت در برابر آن ایستادگی کرد و استقلال خود را محفوظ داشت وسیله شد که اختلاف زندگی را با اراضی روس نشین و بخصوص نواحی که بوسیله تاتارها نامدت چندین قرن اشغال شده و تمدن آن با تمدن آنها آمیخته شده بود واضحتر و مبرهن تر نموده در حفظ مراسم و تمدن اجدادی خود کوشا تر نماید.

تشکیل وحدت لهستان در زمان پادشاهی آخرین خاندان پیاست.

در لهستان (مانند ایران) با وجود پیش آمدن دوره های ملوک الطوائفی و تجزیه کشور معذلك عوامل و عناصری که بنیان آن در روی اساس تئادی و تمدنی بنانهاده شده بود موجود بود که پس از استقرار آرامش کشور را بجانب وحدت و مرکزیت قوی سوق میداد بخصوص که عوامل مزبور در میان جامعه ای حکمفرما بود که از نظر وحدت زبانی و عادات و اخلاق يك سان و اختلافی در بین نبود.

در میان خاندان پیاست با وجود اختلافات داخلی که در آن بود کسانی بظهور رسیدند که سرانجام توانستند ملوک الطوائفی را از میان برده و تمام قوای تجزیه شده را جمع آوری نموده و بحکومت مرکزیت بدهند (از جمله هانری اول معروف به ریشو و هانری چهارم معروف به درستکار و شاهزادگان سیلزی) با ایجاد سازمان واحد مذهبی در تمام لهستان در زیر اداره يك نفر رئیس روحانی که در شهر گینزنو (Gniezno) بود بالاخره با استنباط اینکه پیوسته از خارج کشور مورد تهدید است ملت لهستان موفق شد در زیر سرپرستی زمامداران خود وحدت ملی و حکومت خود را باز آورده و برپایه محکمی بنانهد.

وحدت کامل لهستان در زمان سلطنت آخرین پادشاهان خاندان پیاست از جمله ولادیسلاو لوکیتهک (Władysław Łokietek) مشهور به سنگدل که در اتحاد کامل با دولت هنگری بود (۱۳۳۳-۱۳۰۶) و پسرش کازیمیر کبیر عملی گردید.

کازیمیر کبیر (سوم) ۱۳۳۳-۱۳۷۰

کازیمیر کبیر پس از جلوس تخت پادشاهی موفق شد بعضی از نواحی که از دولت مرکزی مجزاشده بود مانند روتنی قرمر (Rus Czerwona) و شهرهای هالیچ (Halicz) و پژه میشل (Przemysl) و لووف (Lwow) در سال ۱۳۴۰ بتصرف درآورده ولی اشغال سایر نواحی را (مانند پومرانی) برای موقع بسیار مناسب گذاشت کازیمیر کبیر را که باید پادشاه عباس بزرگ مقایسه نمود در اداره امور داخلی و حسن سیاست و تدبیر مهارت کاملی بخرج داده کشور را از اوضاع معشوش رهایی داده چرخهای تمام شئون زندگی کشور را بحال عادی و آرامش بازآورد کازیمیر بخصوص در امور اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ملت لهستان نظر مخصوصی داشته در ترقی آنها سعی و کوشش کرد تنها پادشاهی است که يك پول واحد و يك دسته قوانین قضائی و يك سازمان واحد اداری در سراسر کشور معمول داشته در آبادانی و عمرانی شهرها جهدی بلیغ نمود در زمان زمامداریش اقتصاد و بازرگانی در پیشرفت و ترقی افتاد چنانکه گفته اند کازیمیر چون پادشاهی رسید بنای کشور را باچوب دید چون درگذشت بنیان آن از سنگ نهاده شده بود.

کازیمیر کبیر بیش از هر چیز در رفاه حال و آسایش کشاورزان و فلاحان که بیشتر و اکثر ملت لهستان را تشکیل میدادند سعی کرد و بهمین جهت او را «پادشاه کشاورزان» لقب داده اند.

یهودیه که تا آن زمان نسبت بآنها بدرفتاری میشد و حتی بخارج از لهستان رانده شده بودند در تحت مراقبت و مهربانیهای کازیمیر مجدداً بلهستان بازگشته و مانند سایرین در تحت يك رشته قوانین مخصوصی بزندگانی مشغول شدند.

بسط فرهنگ و آموزش و پرورش در زمان این پادشاه به حد اَکمل رسید بر شماره آموزشگاههایی که در زیر اداره کلیساها و صومعهها بودند روز بروز افزوده شد در زمان همین پادشاه بود که ده دانشگاه کرا کوو ۱۳۶۴ که با دانشگاههای پراگ و وین دم از رقابت میزد و با آنها قدیمترین دانشگاههای اروپای مرکزی ر تشکیل میداد ایجاد گردید .

ترقی و پیشرفت اوضاع اجتماعی و فرهنگی در زمان کازیمیر کبیر .

اوضاع اجتماعی و فرهنگی لهستان در آخر پادشاهی کازیمیر کبیر بسیار خوب و مراحل درخشانی را می پیمود و روز بروز بر سعادت و رفاه حال طبقات مختلفه کشور افزوده میگردد . تمام طبقات اجتماعی مانند روحانیان و اشراف (Szlachta) و بورژواها و کشاورزان و پیشه وران در فعالیت بوده و قدرت سلطنت و حکومت مانند محور و اهرمی تعادل و توازن را میان آنها برقرار نموده و استوار میداشت صنعت معماری که در قرون ۱۲ و ۱۳ چندان رونقی نداشت و جز چند بنائی که بسبک رومی ساخته شده بود بنائی دیگر وجود نداشت ولی از قرن ۱۴ این صنعت رو بترقی گذاشته در اندک مدتی کاخها و کلیساهای عظیم و باشکوهی بسبک گوتیک و خانههای زیبائی در سراسر لهستان بخصوص در کرا کوو و لووو بنا گردید علوم و ادبیات قرن ۱۴ میلادی لهستان البته با اهمیت و درجه آنها در ایران نبوده و اشخاصی هم مانند رشیدالدین فضل الله مورخ و پزشک و خواجه حافظ شاعر بزرگ در لهستان وجود نداشت ولی با این تفصیل ملت لهستان میتواند بوجود مورخی لهستانی در قرن ۱۲ مانند گالا انونیم (Galla anonima) و دانشمندی در اوایل قرن ۱۳ مانند وینسنتی کادلویک (Wincenty Kadlubek) که اول کسی است که در تاریخ خود از پادشاهان قدیم ایران (کورش و داریوش) صحبت کرده است و مورخ دیگری در قرن ۱۴ مانند (Jan z Czarnkowa) یان چارنکوو که وقایع سلطنت کازیمیر کبیر را برشته تحریر آورده است و نیز بفیزیکدان مشهور می مانند ویتلیون چیولک (Witelion Ciolek) افتخار

و مباحثات کند .

در این زمان در جهان ادبیات شرح حال مقدسین بزبان لاتین جانشین رمان و افسانه نویسی شده بود . این گونه ادبیات از مدتها پیش بزبان لهستانی در دعاها و سرودهای مذهبی رواج داشت و در همین زبان بوده است که در جنگها سرودهای جنگی بنام یوگو روجیدزا (Bogurodzica) خوانده میشده آغاز این سبک را باید بزمان بولسلاو کبیر (اول) منتسب دانست .

لهستان دولت بزرگ و معظم اروپائی .

سلسله خاندان یاگیلون (Jagielloni) ۱۳۸۶-۱۵۷۲ .

در حدود پانزده سال پس از مرگ کازیمیر کبیر چون فرزندی از او باقی نمانده بود یگانه نوه دختریش ملکه جوان یادویگا (Jadwiga) در سال ۱۳۸۶ با (Jagiello) یاگیلو شاهزاده لیتوانی که بمذهب کاتولیکی با تمام رعایایش گرویده بودند ازدواج کرد یاگیلو بمناسبت اینکه شوهر شاهزاده خانم لهستانی بود و چون وارث دیگری برای تخت سلطنت نبود پیادشاهی لهستان انتخاب گردید و با او سلطنت خاندان یاگیلو آغاز شد .

این خاندان مدت چندین قرن در کشور لهستان زمام امور را در دست داشت و در زمان همین خاندان است که موضوع لیتوانی و سیاست شرق بطور کلی در تاریخ لهستان آغاز میگردد . خاندان یاگیلو در لهستان عامل مؤثری بوده و میتواند عمل و تأثیر آنرا با خاندانهای ساسانیان و صفویه در ایران مقایسه نمود عصر زمامداری این سلسله را باید در تاریخ لهستان از مهمترین و درخشانترین ادوار تاریخی این کشور محسوب داشت .

اتحاد دو خاندان سلطنتی لهستان و لیتوانی از لحاظ مقاومت با تعرض خارجی و همسایگان در آغاز امر بسیار مفید و عملی بنظر آمد . چنانکه یاگیلو اولین پادشاه این خاندان

**اتحاد لهستان
ولیتوانی**

جنگ گرون ولد (Grunwald) در سال ۱۴۱۰ ضربت مهلکی بدولت ژرمانی شوالیه های نوتونیک وارد آورد و کازیمیر چهارم فرزند و جانشینش در سال ۱۴۶۶ پومرانی و نواحی دهانه ویستول با دانزیک بتصرف آورد. از طرف دیگر لیتوانیها با استفاده از این قدرت میتوانستند در برابر حکومت تزاری مسکوی که روز بروز در حال پیشرفت بود مقابله نمایند. در روی همین اصل بتدریج دولت لهستان و لیتوانی بتدریج بیکدیگر نزدیک شده و ملت لیتوانی با اقتباس تمدن و روش سیاسی لهستان که در روی اصول دموکراسی برقرار بود نزدیکی خود را با همسایه اش بیشتر ثابت و محرز داشت در زمان سیگیسموند اگوست دوم در سال ۱۵۶۹ آخرین خاندان یاگیلون مجلس شورای لوبلن تصمیم گرفت که از دو دولت لهستان و لیتوانی یک حکومت جمهوری واحد در زیر سرپرستی یک پادشاه و یک مجلس شورای که باتفاق آراء دولت انتخاب شوند تشکیل گردد در ضمن مقرر گردید که هر یک از دو قسمت این جمهوری برای خود حکومتی جداگانه با خزانه و ارتش مخصوص تشکیل داده و طبق قوانین موضوعه داخلی خود اداره شوند.

یکی از وقایع مهمه تاریخ لهستان (و همچنین لیتوانی) محسوب
اتحاد لوبلن
 میشود که در ضمن بزرگترین قابلیت روش ائتلافی ملت
 لهستان را که نتیجه فکر عالی و بزرگ خاندان یاگیلون میباشد نشان میدهد.

مسائل دیگر علاوه بر مسائل روابط با لیتوانی اولین تغییر مهمی که در
در زمان یاگیلونها اوضاع سیاست داخلی لهستان بمیان آمد دموکرات شدن
 طبقه اشراف و بسط فکر و روش مشروطه بصورت تشکیل و ایجاد مجالس شوراهائی
 ایالتی و عمومی در سراسر کشور بود که بدین ترتیب پادشاه تمام اختیارات قانونگذاری
 خود را از دست داد (۱۴۵۴)

روش حکومت مشروطه و پارلمانتاریسم که اساسش از قرن پانزدهم ریخته

شده در سال ۱۰۰۵ تثبیت گردید قانون نی هیل نوی (Nihil novi) از این زمان است که لهستان بمعیت انگلیس و هنگری از دولتهای نادری شدند که در اروپا با روش حکومت مشروطه اداره میشدند.

در زمان همین خاندان یا کیلون است که با وضع قوانینی مانند «Neminem Captivabimus» آزادی افراد محرز شده و هیچ قومای مگر قوای قضائی حق زندانی کردن اشخاص را نداشت (۱۴۳۳)

در این زمان تمام شهرهای بزرگ - کراکوی، لودوف و دانزدیک و پوزنان و ویلنو از اختیارات داخلی و آزادی خود برخوردار شده و اصول حقوق ماکدبورگ را در قراین حقوقی خود بکار میبردند و مرزهای لهستان و لیتوانی که بصورت مرز واحدی در آمده بود روز بروز وسعت گرفته و دو ملت از قدرت مادی و معنوی یکدیگر بهره ور شده در پیشرفت آن سعی و کوشش و افری داشتند.

عصر طلایی در زمان پادشاهی سیگیزموند ها - اوضاع سیاسی

زمان پادشاهی دوفر آخرین خاندان یا کیلون یعنی سیگیزموند دوم مشهور به آوگوست و نیز زمامداری جانشینان بلا فصل آنها را باید از نظر سیاسی و ترقی و بسط علوم و فرهنگ و تمدن ازمهمترین و درخشانترین ادوار تاریخی کشور لهستان دانست کشور لهستان در این زمان دست کاملی بدریا داشت تمام نواحی پومرانی و دهانه رود ویستول و پروس شرقی در دهانه رود نیمن و دهانه رود دوینا (۱۵۶۱) و کورلاندی و نواحی تاخلیج فنلاند تابع دولت ویا ضمیمه خاك لهستان بود.

عصر طلایی - اوضاع در قرن پانزدهم میلادی در لهستان دانشمندان بسیاری در **فرهنگی** حوزه دانشگاهی کراکوی که در سال ۱۴۰۰ در زیر مراقبت

و همراهیهای ملکه یا دویگا و شوهرش یا کیلون باوج ترقی رسید میزیستند. از همین زمان است که دانشگاه این شهر بنام «دانشگاه یا کیلون» معروف گردید. ملت لهستان بوجود مورخ بزرگی در قرن پانزدهم مانند یان دلوگش (Jan Dlugosz)



اوبلین - دروازه اتحاد اوبلین

(متوفی در ۱۴۸۰) و قاضی
مشهوری مانند یان استروروک
(Jan Ostrorog) (متوفی در
۱۵۰۵) و نیز بشر دوستانی مانند
گرکوار دوسانوک و فیلیپ
کالیماخ و غیره مفتخر است .
در قرن شانزدهم ترقی ادبیات
بمنتها درجه رسید و امر قابل
ملاحظه این بود که این ترقی
ادبیات بیشتر در زبان لهستانی
بود تا در لاتین موضوع دیگر
شایان اهمیت در این زمان



دانتریک

همردیف شدن نمایندگان طبقه سوم با اشراف بود.

در این عصر نویسندگان و شعرای مشهور چندی از جمله نیکلاری (Mikolaj Rej) (۱۵۰۵-۱۵۶۹) بظهور رسید شاهکار این نویسنده تشریح مراسم و اخلاق و عادات لهستانیها بود و نیز شاعر معروف دراماتیک و اپیک ژان کوهانوسکی (Jan Kochanowski) (۱۵۳۰-۱۵۸۴) که در غزل سرائی و لطافت اشعار و احساسات شاعرانه ویرا باید حافظ لهستان نامید.

نثر نیز در این زمان مقام ارجمندی را دارا شد در میان نویسندگان مشهور این دوره باید اندره فریچ موژوسکی (Frycz Modrzewski) را نام برد این نویسنده بزرگ

معتقد بود که عظمت و قدرت دولت را باید در روی اساس خصائل فردی بنیاد نهاد و پیوسته با هر گونه امتیازات طبقاتی و عدم تساوی در مقابل قانون مخالفت میورزید.

روحانی پی براسکارکا (Piotr Skarga) (۱۵۳۶-۱۶۱۲) اولین رئیس دانشگاه ویلنو که پس از مرگ سیکسموند بزرگ تأسیس گردید خدمات بزرگی به عالم روحانیت و بخصوص اخلاقیات کرده و در مجالس وعظ و خطابه اش اثر عجیبی در شنوندگان خود میگرد. در



کوپر نیک منجم لهستانی

جهان علوم باید دانشمند مشهور و ستاره شناس معروف نیکولا کپرنیک (Mikolaj Kopernik) را (۱۴۷۳-۱۵۴۳) نام برد این دانشمند تحصیلات خود را در دانشگاه یا کیلونها بایان رسانید مهمترین اثرش که در موقع مرگ وی منتشر شد کتاب مشهور «حرکت اجسام آسمانی» میباشد. روابط فرهنگی میان لهستان و اروپا در این زمان بمنتهی درجه خود رسید بسیاری از دانشجویان لهستان در ایتالیا و فرانسه و نیز بمقدار کم در هلند و آلمان برای ادامه تحصیلات خود در رفت و آمد بودند. ادبیات کلاسیک نتایج رنسانس و اثرات بسیار عمیقی در اجتماعات و عادات و اخلاق و صنایع بالاخره در تمدن لهستان کرده و آنها را در راه ترقی و پیشرفت انداخت و در نتیجه همین امر است که آثار و ابنیه چندی بسبب رنسانس در سراسر کشور لهستان ساخته شد از آن جمله است کاخ پادشاهی و اول در کراکو. کلیسای سیگسموند که از حیث اهمیت مانند یکی از شاهکارهای بناهای دوره رنسانس در کشورهای ماوراء آلپ میباشد.

پادشاهان انتخابی (۱۵۷۳ - ۱۷۹۵)

پس از مرگ سیگسموند اوگوست دوم (۱۵۷۲) مقام پادشاهی را که از زمان یا کیلونها معمول گردیده بود مبنای قانون اساسی لهستان قرار داد. این بدعت و قانون تا زمان تقسیم لهستان در این کشور باقی بود و بدان عمل میشد. در میان منتخبین ده نفر بودند که از هر حیث شایان اهمیت می باشند ولی با این تفصیل قانون انتخابی شاه بزرگترین وسیله برای ضعف اساسی حکومت و نیز سبب تسهیل نفوذ بیگانگان در امور داخلی گردید و در روی همین اصل بود که چندین بار زمامداران در صدد برآمدند که قانون انتخابی را تغییر داده و سلطنت را ارنی نمایند ولی این امر تا اواخر قرن ۱۸ بطول انجامید تا اینکه مجلس شورای بزرگ در این زمان موفق بحل آن گردید.

لهستان - جمهوری دموکراسی و اشرافی

یکی از شرایطی که به هائری دووالوا (Henryk Waleziusz) (برادر شارل نهم پادشاه فرانسه) که برای اولین بار با انتخابات آزاد پادشاهی رسید تحمیل گردید.

اصول و روش جمهوری بود که بر طبق آن هر پادشاه منتخبی مجبور بود بحفظ آن سوگند یاد نماید و نیز پذیرفتن بعضی موارد و تضمینات دیگری بود بنام «پاکتا کونوانتا» (pacta conventa). از همین زمان است که آزادی انتخابات و مذهب و حق فرا خواندن و تشکیل مجلس شورا و حق «نی هیل نوی» و آزادیهای دیگر اجتماعی اساس زندگی سیاسی و اجتماعی جمهوری گردید و زمانی که پادشاهی از اطاعت و اجرای مراتب فوق الذکر سربلندی میگرد ملت لهستان حق داشت بوی اطاعت نکرده و مجبور بکناره گیری نماید.



نمای پادشاهی و اول در کراکوی

قوانین و حقوق مزبور اساس بسط و پیشرفت دموکراسی اشرافی و وسیله ترقی و ازدیاد امتیازات سیاسی و اجتماعی اشراف کوچک که این طبقه بشماره زیاد (بیش از سایر کشورها) در لهستان وجود دارند گردید. در انگلیس قبل از تجدید نظر در قانون انتخابات در سال ۱۸۳۲ در هر ۱۶۰ میل زمین فقط ۱٪ سکنه حق

انتخاب کردن داشتند در حالی که در لهستان در اواخر قرن ۱۶ بیش از ۳۰ و در قرن ۱۸ بیش از ۱۰٪ و حتی به ۱۲٪ هم رسید.

حکومت لهستان تا قرن ۱۶ حکومتی جمهوری دموکراسی بود که در رأس آن پادشاهی انتخابی قرار داشت و عامل مؤثر و قطعی در تاریخ این کشور داده و افکار عمومی اجتماعی بودند نه میل و اراده یک شخص و یا یک دسته بخصوص و ممتاز.

این روش با اینکه پیوسته عامل مؤثر برای ضعیف شدن ارکان حکومت بود ولی در مقابل روح پاک و صلحجویانه ملت لهستان را ثابت مینماید.

لهستان در زمان اولین پادشاهان انتخابی (آخر قرن ۱۶ و نیمه اول قرن ۱۷)

در زمان حکومت اولین پادشاهان انتخابی لهستان، هنوز دارای قدرت و توانایی قدیمی خود بوده. بخصوص در مدت ده سال سلطنت شاهزاده هنگری ترانسیلوانی یعنی استفان باتوری (Stefan Batory) (۱۵۷۶-۱۵۸۶) کشور از هر حیث در ترقی و تعالی سرمیکرد جنگها و فتوحات وی بر علیه ایوان مخوف تزار مسکوی بر سر سرزمین امروزی لتونی او را نزد عموم محبوب قلمداد کرد.



پادشاه لهستان - استفان باتوری

این پادشاه با تجدید نظر در قوانین دادگستری (ایجاد دادگاههای عالی) و ارتش (تشکیلات پیاده نظام) و بسط و ترقی تعلیمات عمومی (ایجاد دانشگاه ویلنو) که با دانشگاه یا کیلون در تاریخ فرهنگ لهستان بی نظیر است نام پرافتخار و نیکی از خود باقی گذاشت بی مناسبت نیست که حکومت ویرا با حکومت شاه عباس کبیر مقایسه نمود.

پادشاه باتوری با دولت ایران در ارتباط دوستانه داخل شده

و هیئتی سیاسی در زمان سلطان محمد خدا بنده (۱۰۷۸-۱۵۸۷) پادشاه صفویه بایران

فرستاد، کشور لهستان با وجود سرگرمی که در جنگ‌هایی که بر علیه سوئد و عثمانی و مسکوی داشت معذلتک توانائی و اهمیت خود را از دست نداده در ردیف کشورهای مقتدر اروپائی قرار داشت. در زمان پادشاهی سیگیسموند سوم و بعد از او پسرش ولادیسلاو چهارم در اوایل قرن ۱۷ کشور لهستان بمنت‌های بسط ارضی خود رسید مرزهای آن از سمت شمال به انفلانیت و استونی و فنلاند و از جنوب به کاریات و مولداوی (رومانی) و از سمت مشرق بـمـاوراء رود دنیپر بطرف اسمولنسک و پولتاوا و از سمت باختر به وارتا میرسد مساحت این کشور به ۱۰۱۷۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ میشد.

این نکته را باید متوجه شد که بمناسبت دشمنی میان لهستان و امپراتوری عثمانی و خطری که از آن طرف متوجه لهستان بود روابط دیپلماتی میان ایران و لهستان هیچگاه قطع نمیشد بعلاوه روابط اقتصادی و بازرگانی نیز در کار بود چنانکه بازرگانان لهستانی که بیشتر آنها ارمنی‌های لووو بودند بهترین پارچه‌ها و قالیها و اسلحه‌های مرصع ایران را که طرف توجه عموم بود بـلهـستان آورده و در بازارهای آن با بهای خوب بفروش میرساندند.

در همین ضمن در لهستان توجه خاصی نسبت بـادبیات ایرانی ملحوظ میگردد در سال ۱۶۱۰ دبیر مخصوص سیگیسموند سوم برای اولین بار کتاب گلستان سعدی را به لهستانی ترجمه کرد و این اولین ترجمه ییکی از زبانهای اروپائی بود.

انحطاط و ضعف لهستان در نیمه دوم قرن هفدهم و اوایل قرن هیجدهم (۱۶۵۰ - ۱۷۵۰)

پس از دوره درخشانی که مدت آن نیم قرن (نیمه دوم قرن ۱۶ م) بطول انجامید از زمانی که ایران هنوز در تحت سرپرستی خاندان صفویه بهترین ادوار تاریخی خود را می‌گذرانید در کشور لهستان دوره تاریک و ضعف و انحطاطی شروع گردید آغاز این دوره را که باید در زمان پادشاهی ژان دوم کازیمیر (۱۶۴۸-۱۶۹۸) دانست کشور از هر طرف مورد تاخت و تاز مهاجمین قرار گرفته و بتعبیر یکی از نویسندگان قرن ۱۹ لهستان بنام سینکیویچ (Henryk Sienkiewicz) که قسمتی از

نوشته های او بفارسی در تحت عنوان « آتش و آهن » ترجمه شده و بعضی از ایرانیان به متن آن آشنائی دارند کشور در آتش و آهن غرق شده و گرفتار آتش سوزی و کشتار گردید .

قبل از همه جنگجویان قزاق در زیر فرماندهی بودان همیلنیچکین (Bohdan Chmielnicki) متحد تاتارهای کریمه بلهستان حمله برد ولی در سال ۱۶۵۴ فرمانده مذکور مطیع دربار تزاری مسکوشده بدینوسیله سیاهیان تزار آلکسی میخائیلویچ (Aleksy Michajlowicz) را بجانب جمهوری لهستان سوق داده و آنرا بجانب جنگهای طولانی با آن کشور کشانید . در جریان این جنگها نزدیک يك سوم خاک لهستان مورد تاخت و تاز واقع شده و خراب گردید . اتفاقاً در همین زمان بود که کشور از طرف شمال هم مورد تهاجم سوئدیهها که در زیر فرماندهی شارل دهم گوستاو پادشاهشان بودند واقع شده باستانهای شهر لووو و اطرافش که دلیرانه استقامت کرد سراسر خاک لهستان بدست بیگانگان افتاد . ژان کازیمیر که از تخت و تاجش رانده شده بود مجبور گردید کشور را ترك و به خارج پناه ببرد با این حادثات و پیش آمدها بنظر رسید که دیگر لهستان روی آزادی بخود ندیده و در زیر طوفان مهیب روبه نیستی رفته است . ولی چنین نبود پس از دفاع رشیدانه و جسورانه چنتوهوا (Czestochowa) که کلیسای آن هنوز باقی و (مانند قم در ایران که زیارتگاه است) عبادتگاه میهن پرستان لهستانی است کشور از وجود بیگانگان پاک شده و استقلال خود را از نو باز آورد .

در این گیرودار و کشمکش لهستان بسیاری از اراضی خود را از دست داد . سرزمین پروس که تا آن زمان جزئی از خاک لهستان را تشکیل میداد استقلال خود را اعلام داشته و بکشور براندبورگ ملحق گردید و با آن وسیله خطری را برای لهستان در سواحل بالتیک تشکیل داد از طرف دیگر دولت سوئد جزئی از انفالانت (لتونی و استونی) را با شهر ریگا ضمیمه خاک خود نمود . دولت مسکوی هم اراضی وسیع دیگری را در ماوراء رود دنی پیر با شهر اسمولنسک و قسمتی از اوکرائی را در طرف چپ

کیف بخاک خود ملحق نمود . بدین ترتیب خاک لهستان به ۷۳۶۵۰۰ کیلومتر مربع تقلیل یافت و بهمین نحو باقی ماند تا تقسیم مجدد آن در قرن ۱۸ . از همین زمان است که لهستان دیگر نتوانست سر بلند کند .

در زمان پادشاهی ژان سوم سوبی یسکی (Jan III Sobieski)
ژان سوم سوبی یسکی ملت لهستان تنها توانست در جنگ وین بر علیه عثمانیها
 (۱۶۹۶-۱۶۷۴)
 (۱۶۸۳) تا اندازه ای رشادت و حیثیت خود را محرز داشته و از
 ضعف و انحطاط خود جلوگیری نماید ولی نتوانست کاملاً از زیر بار و سنگینی آن
 شانه خالی کند .

مسئله ای که در اینجا مورد دقت است اینست که در تمام مدتی که لهستان
 با عثمانیها مشغول نرم کردن دست و پنجه بودند ایرانیها هم در زیر فرمانروائی خاندان
 صفویه با ملت مزبور در حال جنگ و اختلاف بودند و همین امر سبب افتتاح ابواب
 ارتباط میان این دو دولت گردیده بود اتفاقاً در زمان پادشاهی ژان سوم سوبی یسکی بوده
 کتاب لغتی در چهار جلد در زیر عنوان « گنجینه زبانهای شرقی ترکی و عربی و ایرانی »
 (Thesaurus Linguarum Orientalium) بتوسط دانشمند زبان شناس لهستانی فرانسوا
 منینسکی (Franciszek Meninski) منتشر گردید (۱۶۸۷) که در آن زبانهای مذکور
 به لاتینی و آلمانی و فرانسه و لهستانی تعبیر و تفسیر و ترجمه شده است . این کتاب گنجینه
 پربهائی است که برای خاور شناسان و بخصوص ایران شناسان بسیار نافع و مفید است
 نکته دیگر اینکه دولت ایران در قرون ۱۷ و ۱۸ م لهستان را مانند حامی و پشتیبان
 مسیحیان می شناخته است و در روی همین اصل هم روابط میان دو کشور پیوسته در
 کار بوده است نفوذ قابل ملاحظه صنایع و فرهنگ ایران در صنایع لهستان بخصوص
 در قالی بافی و نقاشی و رنگ آمیزی و نقوش در آنها خود بزرگترین دلیل این نزدیکی
 می باشد .

اوضاع اقتصادی و تمدن لهستان در اواخر قرن ۱۷ میلادی

حادثات و اتفاقات تاریخی ایران بخوبی ثابت میدارد که اثرات حملات و هجومهای بیگانگان بزودی از چهره تمدن ملی محو نشده و آثاری کم و بیش غم انگیز از خود بر جای میگذارند که ممکن است مدتها زدوده نشود هجوم اعراب و مغولها و اثراتی که از این طوایف در تمدن باستانی ایران باقی ماند بزرگترین شاهد این مدعی می باشد. لهستان نیز مانند ایران گرفتار همین تحولات و تغییرات فاحش گردید شکستهای پی در پی و ضعف و انحطاطی که در نتیجه «طوفان» گریبانگیر آن شد نتایج وخیم و تاریکی را برای آینده ببار آورد. در زمان ژان سوم اوضاع داخلی روبه بودی گذاشته و اقتصاد قدری از حال رکود وجود خارج شد ولی بهیچوجه بپایه و مقام اولیه خود نرسید. خطرناکترین و مهلکترین ضربت و لطمه به فرهنگ ملی و عمومی وارد آمد. آموزش بحال انحطاط افتاد از شماره آموزشگاهها بطور قابل ملاحظه ای کاسته گردید علوم و ادبیات در بوته اجهال افتاده مانند سابق نمایندگان مشهور و قابلی نداشت. کجی سلیقه و بدی ذائقه در نظم و نشر ظاهر شده لطافت و احساسات شاعرانه از آنها رخت بر بست زبان از عمق افتاده اصطلاحات سنگین و غیر قابل تحمل در آن داخل گردید البته در طی این دوره شعرائی مانند ساموئل تواردوسکی (Samuel Twardowski) و انس لاویوتوسکی (Wacław Potocki) و سپازین کوخوفسکی (Wespazjan Kochowski) بظهور رسیدند ولی بهیچوجه مقام شعرای ادوار سابق را نداشتند.

کلیساها و بناهای متعدد و بی شماری که در شهرهای فقیر و خراب ساخته شدند شکوه و جاه و جلال دوره رنسانس را از دست داده باسبک و تزئیناتی بکلی خارج از سلیقه جلوه گر گردیدند.

نیمه اول قرن هیجدهم - دوره ساکسون (۱۶۹۶-۱۷۶۳)

پس از سوبی یسکی تخت پادشاهی لهستان بترتیب بتوسط دو نفر از خاندان ساکسون اشغال گردید. اکوست دوم (۱۶۹۷-۱۷۳۳) و اکوست سوم (۱۷۳۵-۱۷۶۳)

و بهمین دلیل است که این دوره را که مصادف با دوره انحطاط خاندان صفویه و هجوم افغانه بایران است دوره ساکسون میگویند.

این دوره غم انگیزترین ادوار تاریخی کشور لهستان است. زیرا در این زمان است که لهستان در جنگهایی که میان دو دولت سوئد و روسیه (۱۷۰۰-۱۷۱۷) اتفاق افتاد داخل شده و در سال ۱۷۱۷ مجبور شد که قوای ارتشی خود را تقلیل داده و نیز تابع مقررات معاهده و تصمیمهایی که میان سه دولت اتریش و پروس و روسیه در برلن گرفته شد بشود که طبق آن مقرر شده بود که سه دولت مزبور در تمام امور داخلی و خارجی لهستان نظارت کرده و حق نخواهند داد که ملت لهستان بکوچکترین عملی که مربوط بامور داخلی آن میشود دست بزند. بدین ترتیب ملاحظه میشود که ملت لهستان سرنوشت آینده خود را در آینده تقدیر چگونه مشاهده نمود. در اثر همین امر و نیز تصادفات و جنگهای پی در پی جامعه لهستان عموماً خسته و فرسوده شده به تنبلی و بیکاری عادت کردند. در بارهای خارجی هم از موقع استفاده کرده ببهانه‌های مختلف نیروی نظامی خود را در داخل کشور آورده و آنرا اشغال نمودند.

اصل موهن و خطرناک که مجلس شوری (دیت) قوانین را باید با اتفاق آراء و نه با اکثریت تصویب نماید میدان را برای تحریکات داخلی و خارجی باز گذاشته و اثر قوه مقننه را از مجلس لهستان بکلی سلب نمود. این امر با جلوگیری از آزادی افکار و تشمت اجتماعی دست بدست داده اوضاع داخلی را بکلی رو بهرج و مرج اغتشاش سوق داد.

خوشبختانه این دوره ضعف و اغتشاش مدت زمانی کوتاه بیش طول نکشید زیرا دسته‌ای از نویسندگان در آخر این دوره بظهور رسیدند که با نوشته‌ها و آثار آتشین خود لزوم رستاخیزی را در تمام شئون زندگی اجتماعی گوشزد نمودند. از میان این دسته باید پادشاه استالانسیلا و لشیچینسکی (Stanislaw Leszczynski) که دوران زمامداری

او بیش از پنج سال طول نکشید (۱۷۰۴ - ۱۷۰۹) نامبرد. در زمان این پادشاه آموزشگاه‌های چندی ایجاد گردید که مشهورترین آنها آموزشگاه کولگیم نوبیلیوم (Collegium nobilium) ورشو بود که بتوسط روحانی بنام استانیسلاو کونارسکی (Stanislaw Konarski) تأسیس گردید. در همین زمان بود که بنگاه‌های علمی چندی مانند کتابخانه مشهور برادران زالوسکی (Bracia Zaluscy) در ورشو ایجاد شده بدینوسیله زندگی علمی و فرهنگی از حال رکود و خمودگی رهائی یافت.

در جریان این دوره ایران شناس مشهور لهستانی یعنی تاده ژودا کروسینسکی (Judas Kruzinski) (متولد در ۱۶۷۵ و متوفی در ۱۷۴۶) که از طریق زوئیت بود زندگانی مینمود. این شخص سالهای متمادی در ایران و اصفهان مانده و در طی اقامت خود آشنائی کاملی بزبان فارسی و زندگی ایرانیان یافت و کتابهای چندی نیز راجع بایران از خود باقی گذاشت

دوران ترقی و

انحطاط

پادشاهی آخرین شاه
لهستانی استانیسلاو
اگوست (۱۷۹۵-۱۷۶۴)

علائم ظهور رستاخیز
و لزوم جنبش در تمام
شئون زندگانی اجتماعی
در زمان سلطنت آخرین
پادشاه جمهوری قدیمی
لهستان یعنی در زمان
استانیسلاو اگوست



نصر پادشاهی قدیمی لازنکی در ورشو

پونیاتوسکی (Stanislaw August Poniatowski) در نیمه دوم قرن ۱۸ بخوبی واضع و آشکار گردید.

با اینکه جنبش های اولیه برای رستاخیز اجتماعی در داخله کشور که بتوسط خاندان نیرومند سلطنتی چارتوریسکی شروع شده بود بزودی خاموش گردید و نیز با اینکه اقدامات مسلحانه که در مدت چهار سال بتوسط هیئت ائتلافی بار (هیئت ائتلافی میهن پرستان که در شهر باروویل دویو دولی تشکیل شده بود) برای اخراج



اوبرای ورشو

بیگانگان و باز آوردن استقلال گذشته به نتیجه مثبت و عملی منجر نگردید. معذک ملت لهستان پیوسته در صدد بود که خود را از زیر بار هرج و مرج و آشوب بیرون آورده سرو صورتی بکارهای خود بدهد.

اولین تقسیم لهستان (۱۷۷۳)

پس از سقوط ائتلاف باردزسال ۱۷۷۳ سه دولت همسایه پروس و اتریش و روسیه که بر طبق معاهده ای بنام «سه عقاب سیاه» با یکدیگر در اتحاد بودند از ضعف لهستان

استفاده کرده آنرا بین خود تقسیم کردند که با این تقسیم ۷۳۳۰۰۰ کیلو متر مربع مساحت و یازده ملیون ونیم نفر جمعیتی که از سابق مانده بود بیش از ۲۰۰۰۰۰ کیلو متر مربع و ۴ ملیون نفر را از دست داد .

دولتی که اراضی لهستان را بین خود تقسیم کردند معتقد بودند چون اوضاع داخلی و هرج و مرج آن برای سیاست لهستان خطرناک است بدین عمل متشبث شده اند در ضمن برای باقیمانده اراضی حقی برای خود قائل شده و آنرا نیز در زیر نفوذ و اختیار خویش در آورند .

دولتهای اروپائی با وجود اعتراض شدید پادشاه و ملت لهستان نسبت باین عمل سه دولت مزبور بی اعتنا مانده و صلح را بر دخالت در این کار ترجیح دادند .

اوضاع لهستان پس چنین پیش آمد ناگواری ملت لهستان را بسختی تکان داده و **از تقسیم اول** آنرا برای رهائی بفعالیت شدیدی انداخت .

تاریخ لهستان پس از تقسیم اراضی آن یکی از بهترین نمونه های جنبش های ملی و رهائی از زیر بار ضعف و انحطاط و تجدید حیات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را نشان میدهد . تمایل رستاخیز با وجود اقدامات شدید و فعالیت زیاد بیگانگان بر علیه آن روز بروز در میان ملت لهستان افزون میگردد . حتی یکی از مجلس های شورای (دیتها) در زمان حکومت استانیسلاو اگوست بکار خود خاتمه نداده دست از فعالیت برداشته .

کشاورزی و صنعت رو بشکامل و ترقی میرفت شهرها با آبادانی و عمران خود پرداختند دامنه بازرگانی و سمع گرفت جاده ها و کانالها احداث گردید . رفاه و آسایش عمومی روز افزون شد . شرایط زندگانی کشاورزان و فلاحان بتدریج در راه بهبودی افتاده و موجودی خزانه دولتی هر روز اضافه شد و توانست احتیاجات دولتی را با سرمایه خود مرتفع نماید .

تأثیر پادشاهی بسط و پیشرفت فرهنگی در این دوره بخوبی محسوس گردید
استانیسلاو اگوست و کمیسیون فرهنگ عمومی که در سال ۱۷۷۳ تأسیس یافته
 در زندگانی فرهنگی بود خدمات زیادی بجهان علم و ادب در این زمان کرد این
 کمیسیون که باید آنرا وزارت فرهنگ و اولین موسسه‌ای در این زمینه در دنیای
 آن زمان نامید در بسط علوم و ادبیات و بالا آوردن سطح معلومات و هدایت و پرورش
 افکار عمومی قدمهای بلندی برداشته در روش افکار عمومی ملت لهستان خدمات
 شایانی نمود.

ادبیات و فرهنگ ادبیات لهستانی در این زمان که در زیر نفوذ سبک راسیونالیسم
 در زمان استانیسلاو فرانسه قرار گرفته بود بطریق شکفت آوری و ترقی گذاشت
اگوست از یک طرف رنگ رستاخیز و تجدید حیات فرهنگ عمومی
 و عمق زندگی معنوی اجتماعی را بخود گرفته بود از جانب دیگر نمایشی از ظهور
 پیشرفت و ترقی علم و ادب در میان توده لهستانی بود.

در میان تمام مراحل رستاخیز فکری و فرهنگی باید در مرتبه اول وسعت
 و بسط ادبیات سیاسی را در نظر گرفت که در این زمان بعد اکثر قدرت خود رسیده
 بود در این زمینه باید قبل از هر کس نام شخصی را که در رستاخیز تربیت ملی در لهستان
 زحمت کشیده است بردوان روحانی معروف استانیسلاو کونارسکی (Stanislaw Konarski)
 میباشد این شخص کتابی بنام «روش عملی و موثر شوراها» در سال ۱۷۱۳ برشته
 تألیف در آورده که در سبک ادبیات سیاسی سر مشق نویسندگان بعدی قرار گرفت.
 چندی بعد نویسندگان دیگری در این سبک بظهور رسیدند که از مشهورترین آنها
 باید استانیسلاو استاشیتز (Stanislaw Staszic) و هوگو کولونتائی (Hugo Kollontaj) را
 نام برد که هر دو از نویسندگان مشهور سیاسی و اجتماعی و میهن پرست میباشند.
 بازار شعر نیز در این زمان رواج کامل یافت اینیاس کراسیک (Ignacy Krasicki)

که ویرا «شاهزاده شعرای لهستانی» مینامند یکی از بزرگترین شعران راسیونالیست این زمان میباشد. اشعار دراماتیک کمدی فرانسوا زابلوژکی (F. Zablocki) و غیره خواهان و شائق بسیار داشت. ثناتر هر روز بر رونقش افزوده میگردد غزلسرائی و اشعار احساساتی دامنه‌اش وسعت میگرفت و با اینکه در این قسمت بسیار مبالغه گردید ولی برای تقویت سبک رمانتیسیم که بعدها بظهور میرسد فوق العاده مؤثر و لازم بشمار آمد.

دربار پادشاهی ورشو بواسطه تشویق استانیسلاو اگوست مرکز و کانون نویسندگان و شعرای مشهور گردید که با وجود اوضاع وخیم هر یک بفرخور حال خویش از مراحم و الطاف وی برخوردار میشدند و بهمین واسطه بود که علم و صنعت و نقاشی و صنایع مستظرفه روز بروز بر دامنه ترقیش افزوده میگردد. فرانسوا سموگلویچ (F. Smuglewicz) و با کچیارلی (Bacciarelli) و کانالتو (Canaletto) و ژان نوربلن (Jan Norblin) از نقاشان معروف دربار اگوست بودند.

معماری نیز مرهون خدمات و حمایت و تشویقهای اگوست میباشد از مشهورترین و باشکوهترین و مجللترین بناهایی که در این زمان ساخته شده است بدون شك باید کاخ لازینکی (Lazienki) را در ورشو اسم برد. از همین زمان است که اصطلاح ورشو «پاریس شمال» آغاز و بتدریج مشهور گردید.

بزرگان و اعیان و اشراف و شاهزادگان در سراسر کشور بتقلید از پادشاه خود هر یک بتشویق و کمک نویسندگان و شعرای صنعتگران و ارباب هنر پرداخته کاخهای خود را مرکز این قبیل اشخاص نمودند.

مجلس شورای چهار در تعقیب فرمان ضمانتی که بزور از طرف امپراطریس کاترین ساله (۱۷۸۸) (دیت) دوم بلهستان تحمیل گردید هرگونه تجدید نظری در اصلاح **قانون اساسی ۹۳** امور داخلی برای لهستانیها تا سالها غیر ممکن بنظر می آمد ولی زمانیکه دولت تزاری در سالهای میان ۱۷۸۷-۱۸۹۲ سرگرم جنگ با دولت عثمانی

گردید و اوضاع عمومی اروپا تا اندازه‌ای ترمیم گردید مجلس شورای چهار ساله (دب) که باید آنرا «مجلس شورای کبیر» نامید از موقع استفاده کرده بتجدید نظر در قوانین و اصلاحات عمومی بخصوص در باره کشاورزان و ملاحان پرداخت. نتیجه این عمل تصویب و انتشار «قانون اساسی ۳ مه» بود که باتفاق آرا و در میان تمامی نمایندگان بتصویب رسیده سپس باهضا و تصدیق شاه نیز رسید. این قانون مقرر داشته بود که قدرت مطلقه و تام با ملت خواهد بود و این قانون اساسی که مبنای اصول دموکراسی میباشد حدفاصلی میان رسوم قدیمی لهستان و اصول جدید انقلابی فرانسه قرار گرفت تصویب این قانون برای همیشه در تاریخ پرافتخار لهستان ثبت گردید.

جنگ روسیه و لهستان کاترین دوم ملکه روسیه بلافاصله پس از ختم دوره جنگهای در ۱۷۹۲ تقسیم دوم با عثمانیها نظر خود را برای ازمیان بردن «قانون اساسی ۳ مه» لهستان در ۱۷۹۳ و سایر اصلاحاتی که در نتیجه اقدامات میهن پرستان «توطئه ورشو» شده بود معطوف داشت و با اتکاء بطرفداری هیئت اسمی «میهن پرستان لهستان» که در زیر عنوان «ائتلاف» تارگوویترا - (Targowica) بدور یکدیگر گرد آمده بودند به نیروی نظامی خود فرمانداد تا وارد خاک لهستان بشود لهستانیها در تحت فرماندهی و سرپرستی ژنرال بزرك تاده کوستیوشکو (Kosciuszko) (که در جنگهای استقلال کشورهای متحده امریکا همدوش ژرژ واشنگتون جنگیده بود) و شاهزاده ژوزف پونیاتوسکی (Ks. Jozef Poniatowski) برادرزاده شاه دلیرانه در مقابل مهاجمین پایداری کردند ولی تاب مقاومت نیاورده سر تسلیم فرود آوردند دولتین روسیه و پروس از موقع استفاده کرده بعنوان از میان برداشتن افکار انقلابی فرانسه که در لهستان ریشه دوانده و صلح اروپا را بمخاطره انداخته است برای بار دوم لهستان را میان خود تقسیم کردند سپس از مجلس شورای گردنو (Grodno) آخرین اثر جمهوری قدیمی لهستان خواستند تا اعمالشان را تصدیق و تصویب نماید (۱۷۹۳) تصویب و تصدیق این عمل با محاصره تالار مجلس از طرف نیروی روس و دخول سربازان روسی در آن و توقیف

مخالفین بدین ترتیب انجام گرفت که نمایندگان مدت دوازده ساعت خاموش در جای خود نشسته و از اظهار هرگونه سخنی خودداری کردند. متحدین این خاموشی را دلیل بر تصدیق و تصویب مجلس مزبور کرده عمل خود را قانونی اعلام داشتند. از این تقسیم فقط مقدار ۲۵۴۰۰۰ کیلومتر مربع برای خود لهستان باقی ماند که بدینقرار دولتی نیمه مستقل در این وسعت کم تشکیل گردید.

انقلاب کوستیوشکو ملت لهستان در زیر سرپرستی و به پیشوائی ژنرال تاده کوستیوشکو سابق الذکر در سال ۱۷۹۴ یعنی یکسال پس از تقسیم برای پس گرفتن استقلال خود سربشورش برداشت. در این انقلاب و جنبش که در عین حال در دو جبهه بر علیه پروس و روسیه زبانه کشید کشاورزان نیز شرکت کردند و این امر یکی از اختصاصات انقلاب مزبور بشمار رفت. ژنرال کوستیوشکو پیشوای ملی توانست با مهارت کشاورزان و ملاحان را بسوی خود جلب کرده و در اعلامیه مشهوری که بنام اونیورسل (Universal) در ۷ مه ۱۷۹۴ منتشر ساخت طبقه زارع و فلاح را کاملاً و قطعاً آزاد معرفی نمود و این عمل برخلاف آنچه که در پروس و روسیه آن زمان معمول بود یعنی این طبقه در حال بردگی سر میگردید بود.

انقلاب مزبور با وجود جنگهای خونین ورشیدانه در نتیجه شکستی که نیروی کوستیوشکو در ماچیه یوویسه (Maciejowice) نصیبش گردید و خود وی نیز مجروح و اسیر گردید، ازمیان رفته و آتش آن در زیر خاکستر پنهان گردید و کمی بعد (نوامبر ۱۷۹۴) سوروو (Suworow) در نتیجه کشتاری که در پراگا در حومه ورشو کرد بالاخره بر ورشو مرکز و قلب کشور دست یافت در حالیکه هنوز شاه در آن شهر بسر میبرد. در نتیجه توافق نظر بین دولتهای پروس و اطریش و روسیه **سومین و آخرین تقسیم لهستان ۱۷۹۵** آخرین تقسیم لهستان انجام گرفت در این تقسیم دولتهای مزبور لازم ندیدند که عمل خود را نیز بتصدیق و تصویب ملت

لهستان رسانده و آنرا طبق فرمانی رسمی اعلام نمایند.

در ۲۵ نوامبر ۱۷۹۵ پادشاه استانیسلاو کوست فرمان استعفاى خود را در گرو دنو (Grodno) امضاء کرد و این آخرین فرمان دولتی بود که منتشر شد. از این پس دولت لهستان متحد با دولت لیتوانی که در تحت يك جمهوری واحد بود از میان رفته از نقشه سیاسى جهان محو گردید.

قضاوت عمومى در تقسیم‌های پی در پی لهستان بوجود دولتی لهستانی که مدت **خصوص سقوط دولت** مدت ده قرن متمادی در نهایت قدرت بسر برده و عمل عمده‌ای **لهستان و نتایج آن** را با تشکیل اتحادیه‌ها و ائتلافهائی با همسایگان بعهدہ گرفته



Kosciuszko

کشچوشکو

بود خاتمه داد. دولت لهستان دوره نسبتاً کوتاهی را بسر برد که در این دوره که مدت آن از صد سال تجاوز کرد (نیمه آخر قرن ۱۷ و نیمه اول قرن ۱۸) در حالت ضعف سیاسى و فرهنگى و انحطاط و رخوت اجتماعى بسر میبرد همین دوره است که برای آن آینده خطرناك و تاریكى را در پیش پا گذاشت بخصوص که اوضاع جغرافىائى و قدرت روز افزون همسایگانش در این مراحل بآن کمکهای زیادى نمود ملت لهستان در نیمه دوم قرن ۱۸ یعنی حد فاصل

میان تقسیمها در خود قوت و توانائى

شدیدی را درباره بدست آوردن استقلال و حیثیت مشاهده کرد ولی نمى توانست آنرا بحد اکمل بکار انداخته و از آن استفاده نماید.

تقسیم‌های پی در پی لهستان که بابتی اعتنائی و رضایت تام ملل اروپائی انجام یافت ملت صلحجوی بی‌طرفی را از استقلال و حیثیت محروم کرده نگذاشت در راه طبیعی و عادی خود قدم بگذارد و سر در گریبان زندگانی خویش باشد. آنچه را که برخلاف اخلاق این عمل را ثابت میدارد خبط سیاسی است که اثرات آن بتدریج در تاریخ اروپا بظهور رسید و با اینکه لهستان از وجود دولتی مستقل عاری گردید ولی وقایع و حادثات ناگوار نتوانست زندگی و احساسات و فکر و فعالیت و طلب حق را از ملت لهستان سلب نماید.

تاریخ ملت لهستان پس از تقسیمهای سه‌گانه (۱۷۹۵ - ۱۹۱۸)

اختصاصات عمومی سه خاصیت در تاریخ لهستان در جریان این دوره بدین قرار **این دوره** مشاهده میشود

A. از جانب نیروهای مسلط میل از میان بردن و مستهلك کردن زبان و عادات و اخلاق ملی

B. تمایل بیاز بدست آوردن استقلال داخلی و تصرف خاک از دست رفته

C. فعالیت شدید ملی در تمام مراحل و شئون اجتماعی بدون داشتن هیچگونه کمکی از طرف دولتهای پروس و روسیه و اطریش و حتی اغلب برضد خود آنها با وجود مخالفت‌های خونینی که از طرف آنها میشد. این فعالیت و اظهار حیات ملت لهستان با وجود موانع بی‌شمار قابل تقدیر و در تاریخ آن ملت باخط برجسته ثبت است. این عمل را میتوان با فداکاریهایی که ایرانیها در طی قرون متمادی در مقابل هجوم بیگانگان و مقاومتی که در برابر آنان بخرج دادند و نگذاشتند حیثیت و استقلالشان از دست رفته و در دریای متلاطم نفوذ دیگران مستغرق شوند باید مقایسه کرد.

اولین نهضت ملی برای بدست آوردن استقلال

دستجاب ۱۷۹۷ - تقریباً در فردای روز سومین تقسیم و سقوط دولت جمهوری **دوشه ورشو** لهستان نهضتها و جنبش‌های ملی برای باز بدست آوردن

آزادی و استقلال آغاز گردید که مهمترین این جنبشها بدست ژنرال هانری دمبروسکی (Henryk Dombrowski) (متوفی در ۱۸۱۸) عملی گردید. این ژنرال سعی کرد که موضوع لهستان را با فرانسه انقلابی آمیخته نماید که در نتیجه از آن شورش کوستیوشکو و سقوط دولت لهستان حاصل شده و نظر سه دولت پروس و روسیه و اطریش را بخود معطوف داشت دستجات نظامی که بتوسط دمبروسکی در سال ۱۷۹۷ در ایتالیا تشکیل گردید اسباب افتخار جنگجویان لهستانی در دوره ناپلئونی و امید لهستانیهایی که باین کشورشان نظر داشتند گردید و در سرودی که دستجات مزبور برای خود تهیه دیده بودند و بعداً سرود ملی ملت لهستان گردید و در سرلوحه آن این جمله مذکور است «لهستان هنوز از میان نرفته است» احساسات و فکرمیهن پرستان بخوبی آشکار بود.

لهستانیها با شرکت در جنگهای خونین ناپلئون امپراتور فرانسه را وادار نمود برای جبران خدمات آنها دوشه ورشو را از خاک پروس (۱۸۰۷-۱۸۱۳) جدا کرده بدست لهستانیها بسپارد باین ترتیب توانستند برای مدت کوتاهی جزئی استقلال بدست آورند ولی آنهم با شکست لایبزیگ بزودی از بین رفت ارتش لهستان در نهایت فداکاری در زیر فرماندهی شاهزاده ژزف پوناوسکی دوش بدوش سربازان ناپلئون می جنگیدند این شاهزاده دریکی از جنگها جان خود را فدا کرد و باین جمله «خدا حفاظت شرافت لهستانیها را بمن سپرده است تنها بقادر متعال است که این مأموریت را می سپارم» بدرود زندگانی گفت (۱۸۱۳)

پس از کنگره وین در کنگره وین (۱۸۱۴-۱۸۱۵) که پس از سقوط ناپلئون تشکیل گردید موضوع تقسیم لهستان یکی از موارد بحث نمایندگان سیاسی قرار گرفته و بر سران اختلافاتی در میان نمایندگان در کنگره بظهور رسید.

در این کنگره پس از حل موضوع «دوشه ورشو» بالاخره تصمیم بتقسیم مجددی

به پنج قطعه گرفته شد بدینقرار :

۱ - از يك قسمت از دوشه ورشو سرزمینی بوسعت ۱۲۵۰۰۰ كيلومتر مربع جدا و کشور لهستانی با پایتختی ورشو ایجاد کردند و سلطنت و حکومت آنرا با عنوان «پادشاه لهستان» به الکساندر اول تزار روسیه دادند . الکساندر وظیفه داشت سازمان مخصوصی برای حوزه حکومتی جدید خود وضع کرده بدینقرار آنرا با اتحاد خانواده سلطنتی ضمیمه سرزمین وسیع روسیه بنماید .

۲ - قسمتی دیگر از اراضی لهستان با شهرهای کونوف . ویلنو . گرونو . این بیالستوک . مینسک . ژیتومیر . لوك . کاینزپوولسک رسماً ضمیمه خاک روسیه باشد اراضی و شهرها دارای هیچگونه آزادی و سازمان بخصوصی نبودند .

۳ - مابقی دوشه ورشو بیروس تعلق گرفت و این قسمت شامل لهستان بزرگ با شهر پوزنان و پومرانی لهستان با شهرهای تورون و دانزیک بود بعلاوه بسیاری از لهستانیهای که در خاک سیلزی پروسی اقامت داشتند در تحت اختیار دولت پروس درآمدند .

۴ - گالیسی با شهر لووو و سیلزی چشین (Slask Cieszynski) ضمیمه امپراتوری اطریش گردید .

۵ - چون دولتهای تقسیم کننده نتوانستند برای کراکوو و نواحی اطراف آن تصمیم بگیرند و در آن توافق نظر حاصل کنند ناحیه کوچك مستقلی را در زیر نظر هر سه دولت بنام « جمهوری کراکوو » و معادن نمك و یلیچکاو بوهنیا تشکیل داد ولی پس از سال ۱۸۴۶ این جمهوری نیز ضمیمه اطریش گردید . درکنگره وین حتی یکنفر هم نماینده لهستانی وجود نداشت و این چهارمین تقسیمی بود که از لهستان شد تنها از میان دولتهای امضاکننده دولت عثمانی معاهده تقسیم را امضاء و تصدیق نکرد .

اوضاع عمومی در مدت پانزده سال کشور کوچکی که بدست الکساندر اول پس از کنگره وین سپرده شده بود بواسطه ایجاد سازمان اساسی و وضع قوانینی (۱۸۱۵ - ۱۸۳۰) که مبنای آن تا اندازه‌ای بر روی آزادی بود اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن رو به بهبودی رفته و سه ملیون جمعیت آن پیوسته آرزومند رسیدن بآزادی فکری و استقلال بودند ولی وجود چنین دولتی که مصنوعاً از مجموعه اراضی لهستان شرقی جدا شده و بزحمت بنواحی بوك (Bug) و نیمن (Niemen) میرسید و الحاق خانوادگی سلطنتی آن بحکومت روسیه تضادی منطقی را در برداشت که اصولاً اساس آن ناپایدار و دیر یازود اسباب عدم رضایت طرفین را فراهم میساخت در اثر این امر اختلافات نظر روز بروز بظهور رسیده و رو بشدت میگذاشت (بخصوص که اراضی وسیع الحاقی آن طرف بوگ دارای هیچگونه سازمان اداری با پایه و اصول محکمی هم نبود) و پس از بسلطنت رسیدن نیکلای اول (۱۸۲۵ - ۱۸۵۵) بواسطه بی اعتنائی بقوانین و مقررات جاریه شدت گرفته و اسباب انقلاب و انفجار شدیدی را پیش بینی کرده و تسهیل مینمود.

انقلاب نوامبر در ۲۹ نوامبر ۱۸۳۰ آتش انقلاب و نهضت زبانه کشید این انقلاب در آغاز بصورت نهضتی نظامی که بتوسط اهالی ورشو کمک میشد آغاز گردید مجلس شوری آنرا نهضتی ملی معرفی کرده و در ۲۵ ژانویه ۱۸۳۱ خلع نیکلای اول و رومانوف هارا از سلطنت و فرمانروائی لهستان اعلام داشت جنگ لهستان و روسیه در سال ۱۸۳۱ سر اسر آمیخته است بر شادتها و فداکاریهای ملت لهستان و دامنه آن بزودی بر زمین های لیتوانی و لتونی کشیده شد ولی بهیچوجه از طرف ملل اروپائی که بدیده تحسین باین فداکاریهای نگر بستند کوچکترین اقدامی هم برای کمک و همراهی نشد و لهستان ضعیف و کوچک در مقابل حکومت عظیم تزاری بکه و تنها ماند.

سرانجام ورشو از طرف ژنرال باسکیویچ که در همان زمان اربوان را در قفقاز

از تصرف دولت ایران خارج کرده و مأمور سرکوبی انقلابیون لهستان شده بود فتح گردید و پس از يك سلسله اقدامات جنگی و خونریزها بشکست انقلابیون در اکتبر ۱۸۳۱ خاتمه یافت .

دوام و طولانی شدن مدت خوابانیدن آتش انقلاب بتوسط نیروی نظامی روسیه در لهستان با وجود شکست لهستانیها وسیله شد که نیکلای اول با وجود پیروزی خود در جبهه قفقاز و آذربایجان (ترکمن چای ۱۸۲۸) و نیز با وجود تحصیل صلح بدولت عثمانی (۱۸۲۹) نتواند قوای خود را بر علیه اروپای انقلابی بکار بیندازد . بدینقرار انقلاب ۱۸۳۰ با اینکه منجر بعدم موفقیت گردید نه تنها ضامن آزادی لهستان بلکه ضامن آزادی تمام ملل دیگر اروپائی شد . این جنگ حکومت سلطنتی را که در ژوئیه در فرانسه اعلان گردیده بود و نیز آزادی و استقلال بلژیک (برخلاف مفاد مقررات کنسره وینه) و اساس جدید آزادی خواهی را در آلمان از خطر و تهدید رهایی بخشید ولی در مقابل بدبختی ها و نافرادی های تازه ای را برای ملت لهستانی وسیله گردید .

مهاجر بزرگ پس از عدم موفقیت و شکست تمام کسانی که اعم از کشوری پس از ۱۸۳۰-۱۸۳۱ و لشکری در این نهضت شرکت کرده بودند از ترس تعقیب و زجر از لهستان بخارج مهاجرت کردند . در میان این دسته از مهاجرین بسیاری از برگزیدگان علم و ادب بودند که در پاریس برای خود مرکزی تشکیل دادند ولی بسیاری هم به اطراف و اکناف روی زمین پراکنده گردیدند .

از میان این برگزیدگان و دانشمندان مسکیوویچ (Mickiewicz) (۱۷۹۸ - ۱۸۵۰) سلوواتسکی (Słowacki) (۱۸۰۹ - ۱۸۴۹) و کراسینسکی (Krasinski) که از بزرگترین و مشهورترین شعرای لهستان بودند و نیز لولول (Lelewel) مورخ معروف و شوپن (Szopen) موسیقی دان مشهور را باید نام برد . در پاریس شاهزاده چارتوریسکی (Czartoryski) متوسل بیک رشته اقدامات گردید بلکه بتواند انتظار

عمومی جهانیان را بجانب بدبختیهای لهستان معطوف دارد و در این راه هم زحمات فوق‌الطافه‌ای را متحمل گردید .

دو نفر از ژنرال‌های انقلابی لهستان بنام اسکشینزکی (Skrzynecki) و کروشوسکی (Kruszewski) در بلژیک در تنظیم ارتش آن کشور پرداختند . بم (Bem) و دمبینسکی (Dembinski) در نهضت‌های ملی هنگری و در جنگ‌های هشانوسکی (Chrzanowski) شرکت جسته و ایتالیائیها را در تشکیل وحدت خود و جنگ بر علیه اطریشی‌ها کمک‌های شایانی نمودند .

ژنرال ایزید و ربوروسکی (Izydor Borowski) با بسیاری دیگر از لهستانیها که تشخیص داده بودند برای بازیدست آوردن استقلال لهستان باید با ایرانیها همکاری کنند در خدمت ارتش ایران داخل شوند این ژنرال در جنگ هرات که در سال ۱۸۳۸ اتفاق افتاد در موقعیکه در نیروی ایران خدمت میکرد کشته شد (۱)

اتفاقاً در موقع مهاجرت ۱۸۳۰-۱۸۳۱ بود که تخم اصول عقاید و افکار قرن معاصر پاشیده شد و بتدریج ریشه دوانید این مهاجرت برخلاف سایر مهاجرتها که برای نزاعهای داخلی و یا احتیاجات مادی دیگر انجام میگرفت هنوز بلکه بزرگترین وسیله و اسباب برای باز شدن افکار عمومی ملت لهستان و معتقد شدن با اصول آزادی و ملی درمان مؤثری برای دردهای اجتماعی این ملت گردید (۲)

(۱) در نزدیکی کلبسای ارمنی کاتولیک در جلفای اصفهان این عبارات در روی قبر ژنرال ایزیدور منقوش است .

آرامگاه

بوروسکی ایزیدور . سر تیپ

که در زمان محاصره هرات از طرف نیروی نظامی ایران در ۲۸ ژوئن ۱۸۳۸ کشته شد
بفرمان اعلیحضرت محمد شاه جسد وی بجلفا منتقل و در ۳۰ مه ۱۸۳۹ با تمام افتخارات
نظامی بخاک سپرده شد

(۲) جزئیات ترقی و پیشرفت ادبیات لهستان در جریان این مدت در فصلی که در تحت عنوان «نظر
اجالی بادبیات لهستان در قرون ۱۹ و ۲۰» در صفات بعد خواهد آمد تذکر داده میشود .

جنگ ملت لهستان انقلاب ۱۸۳۰-۱۸۳۱ آخرین نهضت ملت لهستان برای بدست
برای بدست آوردن آوردن آزادی و استقلال بود اوضاع پیچیده و قابل ترحم داخلی
استقلال در قرن و فشارها و تمذیباتی که بتوسط سه حکومت امپراطوری بیگانه
نوزدهم اعمال میشد و تمایل شدید بآزادی و رهائی از دست بیگانگان



سرلشکر آنتوان بوروسکی وفات ۱۸۹۸ فرزند
سرلشکر ایزیدور بوروسکی

واقدمات و تشبثات مهاجرین
در خارج از کشور برای تشویق
هم میهنان خود وسیله مؤثری
برای ایجاد انقلابات و نهضت‌های
محلی شد ولی پیوسته این
انقلابات از طرف نیروی سه
دولت مزبور بشدت جلوگیری
میکردید.

مهمترین این جنبشها
آنهاست هستند که ده سال پس
از ۱۸۳۱ اتفاق افتاد بدینقرار:
۱ - انقلاب کراکوو در
سال ۱۸۴۶ که با کشتار اهالی
کالیسی خاتمه یافت

۲ - در سال ۱۸۴۸ (سال جلوس ناصرالدین شاه بتخت سلطنت ایران) در این
سال در بسیاری از کشورها ملت‌ها برای گرفتن آزادی بانقلاباتی متوسل شدند و در این
سال که آنرا باید «بهار آزادی» نامید ملت لهستان نیز قیام کرده و در بسیاری از نقاط
بخصوص در پوزنانی ناحیه متصرفی پروس آتش انقلاب زبانه کشید.

۳ - در سالهای ۱۸۵۴-۱۸۵۵ یعنی در زمان جنگ کریمه که در آن دولتهای فرانسه و انگلیس برای دفاع از آزادی امپراتوری عثمانی و برای جلوگیری از نفوذ نیکلای اول اسلحه بدست گرفته بودند ملت لهستان نیز با اقدامات چندی متوسل گردید. آدام میژکیویچ (Adam Mickiewicz) شاعر لهستانی در عثمانی به کمک متفقین برخاست ولی عمرش کفاف نداده در استانبول درگذشت.

انقلاب ژانویه ۱۸۶۳ خونین ترین انقلابی که در لهستان بظهور رسید در ناحیه متصرفی روسیه در ژانویه ۱۸۶۳ بود که تا سال ۱۸۶۵ دامنه آن کشیده شد. این انقلاب در اثر امیدی بود که ملت لهستان در نتیجه کمکهای که ناپلئون سوم امپراطور فرانسه در تشکیل وحدت ایتالیا کرده بود و نیز افکار شاعرانه‌ای که ایمان و عقیده را برای گذشتن از موانع و دشواریها برتر از قوه و قدرت میدانست حکومت انقلابی تمام اراضی را میان کشاورزان تقسیم کرده و عموم افراد ملت را آزاد و مساوی در حقوق اعلام داشت.

آتش انقلاب بسختی و شدت هر چه تمامتر که در تاریخ تقسیم کشور نظیر آن دیده نشده بود خاموش گردید.

اوضاع عمومی این مدت بخصوص در سرزمین اشغالی از طرف تزارهای روسیه **کشور در میان** برای ملت لهستان دشوار و با مرارت و سختی گذشت. کشور **سالهای ۱۸۶۳-۱۹۱۴** پادشاهی قدیمی لهستان از پس از سال ۱۸۳۱ قانون اساسی و سازمان خود را از دست داد و از پس از سال ۱۸۶۳ آن نیز محو شده و بعنوان «کشور ویتول» ضمیمه امپراطوری روسیه گردید. باقیمانده استقلال نیز از میان برداشته شده و روش استبدادی در آن حکمفرما گردید. آموزش و پرورش بسبب روسیه اعمال و هرگونه سازمانی تربیتی و آموزشی مخصوص اکیداً غدن شد. بخش‌های ارضی بکشاورزان که از طرف حکومت انقلابی اعلام شده بود طوری بمورد عمل گذاشته شد که بزودی اختلاف شدیدی را میان ملاکین بزرگ و کشاورزان ایجاد نمود.

اوضاع اجتماعی روز بروز رو به وخامت میرفت لهستانیها در ردیف طبقات پائین محسوب شده از حق خریداری ارضی و استعمال زبان ملی خود و نیز دخول در کارهای عمومی ممنوع گردیدند. کلیسای کاتولیک بعنوان خطرناك برای اخلاق عمومی بشدت مورد تعقیب قرار گرفت.

این حال باقی بود تا زمان جنگ روسیه و ژاپون در سال ۱۹۰۴ و انقلابی که يك سال پس از آن در لهستان بظهور رسید که در نتیجه دولت تزاری مجبور شد در روش خود تجدید نظر کرده و از سختگیریهای گذشته صرف نظر نماید در همین زمان مجلس شورا^۱ی بنام «دوما» ایجاد گردید.

اوضاع ناحیه متصرفی در ناحیه اشغالی بتوسط امپراتوری پروس پس از اعلان قانون پروس در نیمه دوم اساسی سال ۱۸۴۸ و بیست سالی که از این تاریخ گذشت اوضاع قرن ۱۹ تا سال ۱۹۱۴ تا اندازه ای قابل تحمل بود ولی پس از اینکه بیزمارك بعنوان صدراعظمی زمام امور امپراتوری پروس را در دست گرفت بواسطه دشمنی که با لهستانیها داشت و مایل بود که لهستان رسماً ضمیمه خاک پروس باشد اوضاع دیگرگون گردید. پس از پیروزی پروسها در جنگ با فرانسه^۲ (۱۸۷۰) بعضی از احزاب آلمانی دوره کشتار و زجری را بعنوان از میان بردن قطعی عناصر لهستانی آغاز کردند ولی کوچ دادن لهستانیها از سرزمین اصلی خود و مستعمره کردن آن نواحی و از میان بردن زبان لهستانی و برقرار نمودن زبان آلمانی بجای آن حتی در دعاها و آموزشگاهها نهضت ملی و مقاومت شدیدی را در داخله کشور ایجاد نمود. اتفاقاً در همین زمان بود که لهستانیهای تابع پروس در بسط و ترقی اقتصادی ناحیه خود کوشیده و از این راه خدمات شایان نمودند.

ناحیه متصرفی در ناحیه متصرفی اطریشها در گالیسی با شهرهای لودوگراکو و اطریش (۳۱۱۰۰۰) پس از تجدید نظر در قانون اساسی کشور (۱۸۶۷) و تغییران بيك حکومت با اصول پارلمانی اطریشی و هنگری و استقلال داخلی نواحی الحاقی

اوضاع عمومی وزندگانی لهستانیها بهتر از سایر نواحی بود در ناحیه گالیسی اهالی استقلال داخلی داشته وزبان لهستانی در تمام شئون اجتماعی از طرف حکومت اطریش برسمیت شناخته شده بود. دانشگاههای (کراکولوو) در پیشرفت علوم ومراحل آموزش و پرورش آزادی کامل یافته و هیچگونه ممانعتی در آزادی آنها بعمل نمی آمد.

مهاجرت در نیمه دوم قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در جریان این مدت چندین ملیون از لهستانیها که از اوضاع داخلی کشور خود ناراضی بوده و یا از سرزمینهای اصل خود رانده شده و از حق دخول در کارهای عمومی محروم شده بودند

از لهستان خارج شده بدستجات کم و بیش متعدد در سراسر جهان بخصوص در روسیه و در آلمان و در اطریش پراکنده شدند بدین طریق بالغ بر یک ملیون نفر لهستانی در امپراتوری عظیم روسیه در اروپا و در آسیا مهاجرت کرده و یا در آلمان (در رنانی و وستفالی) و یا در فرانسه در معادن و کارخانهها بکار مشغول گردیدند ولی مهمترین دسته مهاجر لهستان در امریکا و در برزیل (در ناحیه پارانا) و در کانادا و بخصوص در کشورهای متحده امریکا تشکیل شد در سال ۱۹۱۳ بالغ بر ۳ میلیون لهستانی در کشورهای متحده امریکا زندگی میکردند که ۳۰۰ هزار نفر آن فقط در شهر شیکاگو (دومین شهر پس از ورشو) اقامت داشتند.

اوضاع روحی و تمدنی لهستان در این دوره پس از برافتادن انقلاب سال ۱۸۶۳ که بیشتر علت آن بواسطه نفوذ افکار رمانتیک بود که حقیقت را در زندگانی روزمره از نظر بازداشته بود بتدریج افکار و عقاید بادیانت در تمام شئون

زندگی اجتماعی رخنه کرده و انقلاب و هرگونه جنبشی را امری غیرعاقلانه قلمداد کرد بانفوذ عالم تخیلات وشاعرانه در زندگانی عمومی مخالفت سخت آغاز گردیده و روش گذشته مورد انتقاد قرار گرفت.

این جریان مخالفت بارمانتیسیم عنوان «پوزی تیویسم» (فلسفه مادی) بخود

گرفته و بزودی در جهان ادبیات لهستان با وجود شرایط سخت و دشوار ملت ریشه دوانید و نمایندگانی در این قسمت در ادبیات بخصوص در نثر نویسی بظهور رسیدند که مهمترین آنها را بدینقرار باید نامبرد :

بولسلاس پروس (Boleslaw Prus) الیزا اوژسکووا (Eliza Orzeszkowa) الکساندر اسوین توهوسکی (Aleksander Swientochowski) هانری سینکیویچ (Henryk Sienkiewicz) شعرای این دوره پیرو فلسفه مادی عبارتند از آدام آسنیک (Adam Asnyk) و ماری کونوینیرکا (Maria Konopnicka) در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در لهستان نثر نویسان مشهوری بظهور رسیدند که از میان آنها ولادیسلاور مون (Wladyslaw Reymont) و برنده جایزه نوبل هانری سینکیویچ نویسنده کتاب رمان « کشاورزان » و اتین ژرمسکی (Stefan Zeromski) مشهور و معروفند .

پس از دوره تحول یعنی دوره « لهستان جوان » که در این دوره کسانی مانند استانیسلاس پشی بیشوسکی (S. Przybyszewski) و کازیمیر تتامایر (Kazimierz Tetmajer) و ژان کاسپروویچ (Jan Kaspruwicz) و لئوپلدشتاف (Leopold Staff) را باید نام برد که در این دوره بوجود میآیند . در این دوره نقاش و شاعر دراماتیک مشهوری مانند استانیسلاس ویسپیانسکی (S. Wyspianski) بظهور میرسد که با قطعه درام معروف خود « عروسی » نفوذ سبک رمانتیسم جدید را در اشعار لهستان بخوبی ثابت میدارد صنایع ظریفه نیز در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ در لهستان در پیشرفت و ترقی بوده است :

نقاشی بمنتهای ترقی خود میرسد که بزرگترین نمونه های این ترقی را در تابلوهای ارتور گروتگر (Artur Grottger) نقاش دوره انقلاب سال ۱۸۶۳ و ژان ماتیکو (Jan Matejko) (متوفی در ۱۸۹۳) و هانری سیمیراژکی (H. Siemiradzki) و ژاک مالچوسکی (Jacek Malczewski) باید مشاهده نمود .

در موسیقی پس از شوپن موسیقی دان معروف استانیسلاس مونوشکو (S. Moniuszko) موجد اپرای ملی و میسیسلاس کارلویچ (Karłowicz) و ژلنسکی

(Zelenski) ونوسکوسکی (Noskowski) و وینیاوسکی (Wieniawski) و بسیاری دیگر را در جهان موسیقی باید مذکور داشت.

در حجاری نمایندگان مانند برودزکی (Brodzki) و سوسنوسکی (Sosnowski) و ولونسکی (Welonski) و گودبسکی (Godebski) و مادیسکی (Madejski) و لاشچکا (Laszczka) بظهور رسیدند.

در قسمت تحقیقات تاریخی کسانی مانند شوئسکی (Szujski) و کالینکا (Kalinka) کرزن (Korzon) بوژنیسکی (Bobrzynski) آسکنازی (Askenazy) و در فلسفه چیشکوسکی (Czykowski) ولیبلت (Libelt) و ستروو (Struwe) و در زیانشناسی بودوئن کورتنی (Baudoin de Courtenay) و روژوادوسکی (Rozwadowski) و ژان کارلویچ (Jan Karłowicz) و در ایرانشناسی الکساندر خودزکو (A. Chodzko) (متوفی در ۱۸۹۱) نویسنده کتاب معروف دستور زبان فارسی و بسیاری دیگر از این قبیل را باید نامبرد.

در قسمت علوم فیزیک و ریاضی دانشمندانی نیز پیدا شدند که معروفترین آنها بدینقرارند: وربلوسکی (Wroblewski) و الشوسکی (Olszewski) که دانشمند اولی در سال ۱۸۸۳ موفق بمایع کردن گازها شد و نیز ماری کوری (Marie - Curie) و اسکلودوسکا (Skłodowska) و بسیاری دیگر را باید در ترقی علوم پیشقدم دانست. **اوضاع و جریانهای درموقع آغاز جنگ بینالمللی ۱۹۱۴** موضوع لهستان و سیاسی قبل از ۱۹۱۴ سیاست آن بکلی در محافل آزادخواه اروپا فراموش شده و دیگر نامی از آن نبود مراسم و تمدن قدیمی لهستان اصولاً در بونه فراموشی افتاده بود ملل اروپائی بوقایعی که در شهرهای لهستان مانند ورشو و کراکوو و پلنو و پوزنان میگذشت بطور کلی بیاعتنا مانده بودند بالاخره بنظر میرسید که نام لهستان از صفحه تاریخ اروپا محو شده است ولی در زیر این خاکستر فراموشی هنوز آتشی باقیمانده بود و ملت و مین پرستان لهستانی در پی فرصت می گشتند تا روزی رسد بلکه بتوانند

حقوق حقه خود را باز بدست آورند. تمام دستجات و احزاب سیاسی آن زمان لهستان سعی میکردند موقع مناسبی فرا رسد که بتوانند بمقصود خویش نایل آیند و تنها اختلاف نظر در میان آنها وسایل رسیدن بدین آرزو بود.

در جریان این مدت سکنه سه قسمت الحاقی لهستان چون جنگ و ستیز را با دولتهای بیگانه بی فایده می دیدند روش صلح و آشتی را پدیده خود قرار داده برای جبران گم شده و خونریزی بهائی که شده بود بوسایلی متشبث میشدند که از جمله باید ایجاد حزب سوسیالیست را متذکر گردید که بوسیله یکی از اسیران لهستانی که بسیبویه تبعید شده بود بنام ژرف پیلسودسکی (Jozef Pilsudski) ایجاد و تاسیس گردید. جنبش ملی که بتوسط رمان دموسکی (Roman Dmowski) در میان حزب ملی بظهور رسید تأثیر عمده ای در تمام قسمتهای الحاقی کرده با عمل حزب ملی که بتوسط وینسنتی ویتوس (Wincenty Witos) در گالیسی ایجاد شده بود دست بیکی نموده در آتیه سیاست لهستان رل مهمی را بازی کرده اثرات فوق العاده ای در آن بخشیدند.

جنگ بین المللی در سال ۱۹۱۴ دولتهائی که بتوافق نظر یکدیگر کشور لهستان را میان خود تقسیم کرده بودند بجان یکدیگر افتاده آتش **۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ تجدید** جنگ در میان آنها زبانه کشید در طی جنگ بیشتر درگیرها **استقلال و حیات لهستان** در خاک لهستان اتفاق افتاده سراسران میدان نبرد واقع گردید در نتیجه حکومت سلطنتی اطریش و هنگری سقوط کرده با برافتادن نیکلای دوم و حکومت تزاری روسیه تغییر رژیم داده روش کمونیزم را اختیار و دوران جدیدی را در تاریخ خود آغاز نهاد. آلمانها و پروسیها نیز در معرکه مغلوب شده و بحالت زاری افتادند. در همین زمان بود که کمیته ملی که در رأس آن دموسکی و اینیاس پادروسکی (Ignacy Paderewski) قرار داشت و مرکز آن در پاریس بود ایجاد يك دولت مستقل لهستانی را در سرزمین اصلی آن خواستار شده به تشکیل يك ارتش منظم در فرانسه پرداختند. از طرف دیگر پیلسودسکی از آغاز جنگ دستجات منظمی

برای باز بدست آوردن استقلال در داخله کشور تهیه دیده با اقدامات چندی متوسل شده بود تا اینکه سرانجام متفقین پیمان ورسای و چهارده اصل ویلسون رئیس جمهور کشورهای امریکا را با آلمانها تحمیل کرده با ایجاد کشورهایائی نوین نظم و عدالت آتیه را تضمین نمودند .

اصل سیزدهم پیمان ورسای شامل ایجاد يك کشور و دولت مستقل لهستان بادست داشتن بدریا بود .

در نوامبر ۱۹۱۸ پس از مراجعت پیلسودسکی از زندان آلمانی در ماگدبورگ و پس از خلع سلاح آلمانها در ورشو بوسیله دستجات نظامی و اعضای احزاب جنگجو و بتوسط جوانان لهستانی از نو استقلال خود را بدست آورده زندگانی سیاسی و اجتماعی خویش را آغاز نهاد .



مجسمه پادشاه یان سوبی یسکی در ورشو

لهستان جدید

برگشت لهستان بزندگی جدید

دولت جدید و جوان لهستان پس از تشکیل بیک دسته دشواریها و اشکالات چندی برخورد که در نظر اول از میان برداشتن آنها کار بس دشواری بود سراسر کشور بواسطه جنگ خراب و مردم آن خسته و فرسوده شده بودند دولت و خزانه ارتش باید از نو تشکیل شده سازمانی برای خود تهیه به بینند از طرف دیگر هنوز مرزهای قطعی کشور تعیین نشده بود و بیش از هر چیز باید برای این کار با اقدامات مجدانه متوسل گردید.

بکرمک و یاری خدا بتدریج تمام اراضی و شهرهای سابق مانند کراکو و پوزنانی و لودو و گالیسی شرقی و ویلنو و پومرانی از دست بیگانگان رهائی یافته در آغوش مادر وطن جای گرفتند. باوجود حملات نظامی دولت شوروی (۱۹۲۰) مرزهای قطعی بتدریج تعیین و تکلیف این قسمت نیز برای دولت و ملت لهستان معین گردید.

ملت لهستان در این گیر و دار و حوادث تاریخی نه تنها فداکاری و شهامت خود را ثابت نمود بلکه اتحاد و اتفاق ملی و قابلیت و ژرف بینی خویش را در استقرار و ایجاد تشکیلات صحیح و منظمی ظاهر ساخت.

دولت لهستان پس از یک رشته اقدامات و مذاکرات سرانجام توانست با وساطت ها و عقد پیمانها (پیمان ریگا بادولت جواهر شوروی در ۱۸ مارس ۱۹۲۱) و مراجعه به آراء عمومی (در سبزی علیا در ۲۰ مارس ۱۹۲۱) و تصمیم شوراها و سفیران (مسئله مرزهای خاوری لهستان و ویلنو در ۱۵ مارس ۱۹۲۳) مرزهای خاوری خود را بادولت جواهر شوروی و باختری را با آلمان و بندر آزاد دانزیک و بالتوانی و لتونی و جمهوری چکوسلواکی و رومانی تثبیت و حل و فصل نماید.

وسعت و جمعیت لهستان جدید
 پس از سال ۱۹۲۱ وسعت خاک لهستان فقط شامل ۳۸۸۶۳۴ کیلومتر مربع شد که بامقایسه با مساحت این کشور در قرن هفدهم (۱۶۱۷۰۰۰ کیلومتر مربع) بیش از یک سوم نمیشد.
 وسعت خاک لهستان با وجود این تغییرات در اروپا مرتبه ششم را پس از جاپان، شوروی روسیه و آلمان و فرانسه و اسپانیا و سوئد دارا میباشد و بامقایسه با مساحت ایران نصف از آنرا شامل است.

جمعیت لهستان در سال ۱۹۲۱ در حدود ۲۸ میلیون و در سال ۱۹۳۵ بالغ بر ۳۵ میلیون یعنی دو برابر جمعیت ایران است از این مقدار $\frac{69}{100}$ لهستانی خالص و $\frac{13}{100}$ اوکراینی و $\frac{8}{100}$ یهودی و $\frac{3}{100}$ بیولو روتنی میباشد.

جمعیت نسبی لهستان نیز مانند ایران در نقاط مختلفه متغیر است که قسمت اعظم آن در نواحی باختری (بخصوص در سیلزی) و مقدار کم آن در پولزی (Polesie) میباشد.
 تقسیمات کشوری - خاک لهستان به شانزده ویو و تستو مانند استان (Wojewodstwo) تقسیم میشود که مهمترین آنها ورشو بایک میلیون جمعیت میباشد و میتوان آنرا از نظر تقسیم بندی یک استان دانست.
 استانها هابه ۲۶۴ پوویات (powiat) (شهرستان) و مقدار زیادی دهستان تقسیم میشوند.

لهستانیها در خارج از کشور
 در سال ۱۹۳۹ بیش از ۸ میلیون لهستانی در کشورهای مختلفه اروپائی و خارج از آن زندگانی میکردند. از این مقدار ۴ میلیون فقط در کشورهای متحده امریکا (۳۰۰۰۰۰ نفر در شیکاگو که با این شماره سومین شهر پس از ورشو و لندون و نیویورک (۱۶۰ هزار نفر) از حیث سکنه لهستانی محسوب میشود) سکونت دارند.

در آلمان با وجود اقدامات و فعالیتهای ضد لهستانی و انتشار آمار غلط ۱۳۰۰۰۰۰ نفر لهستانی (۶۰۰۰۰۰ نفر در سیلزی مابقی در پروس خاوری و باختر مرزهای لهستان

در وستفالی) سکونت دارند.

قبل از سال ۱۹۳۹ بالغ بر ۹۰۰۰۰۰ نفر در روسیه شوروی و ۶۰۰۰۰۰ هزار نفر کارگر در فرانسه بودند در برزیل (استان پارانا) بیش از ۲۵۰ هزار نفر در جمهوری لیتوانی با وجود سختگیریهای زیاد با تبعاع لهستانی ۲۰۰۰۰۰ هزار نفر لهستانی زندگانی مینمایند ولی در سایر کشورهای روی زمین شماره مهاجرین لهستانی بسیار کم و قابل ملاحظه نمیباشد.

در ایران قبل از جنگ ۱۹۳۹ شماره لهستانی طبق آمار سفارت لهستان در تهران بیش از دویست نفر نبود که نصف این مقدار در تهران بکار مشغول بودند.

تجدید نظر و تثبیت قانون اساسی در لهستان مستقل و جدید (۱۹۱۹-۱۹۳۹)

قانون اساسی که در ۱۷ مارس ۱۹۲۱ با اتفاق آراء در مجلس شورای ملی (دیت) لهستان بتصویب رسید اساس و بنیان ساختمان سازمان کشوری و دولتی گردید. قانون اساسی مزبور مساوات مطلق را در میان تمام افراد جامعه محرز داشته و دولت را در مقابل مجلس که نمایندگان آن با آراء عمومی و مستقیم و نسبی و مخفی بدون در نظر گرفتن مرد و زن انتخاب میشود مسؤول قرارداد تعیین حدود اختیارات و حفظ اصول دموکراسی جمهوری و آزادی تمام افراد جامعه در اختیار مجلس شورای گذاشته شد و رئیس جمهور تنها نماینده ملت و مجلس معرفی گردید.

پیلوسودسکی یکی از موجدین اصلی استقلال لهستان (به همراهی دمووسکی) (Dmowski) و پادروسکی (Paderewski) و سیکورسکی (Sikorski) این قانون اساسی را که بنام «قانون اساسی مارس» معروف است پذیرفته و پس از اینکه از قبول شغل ریاست جمهور سرباز زد کناره گیری کرده و چندین سال در گوشه نشینی گذرانید.

در ۱۲ مه ۱۹۲۶ یعنی ششماه پس از جلوس رضا شاه پهلوی بتخت پادشاهی ایران اصول زندگانی لهستان با کودتائی نظامی که بتوسط ژوزف پیلوسودسکی

و هندستان او با اتکاء به سوسیالیست ها ایجاد گردید (کودتای مه) برو ریخت پرفسور ایگناس موشیتسکی (Ignacy Moscicki) بریاست جمهور انتخاب و تا سال ۱۹۳۹ پی در پی هر دفعه انتخاب شده و در این کار باقی ماند پیلسودسکی با اینکه اسماً مقام وزارت جنگ را داشت (تازمان مرگش ۱۲ مه ۱۹۳۵) ولی رسماً در تمام امور دخالت کرده و آراء و عقایدش حتمی الاجراء بود عموم افراد جامعه لهستانی باستثنای مخالفین سیاست جاریه ویرا با نظر احترام نگریسته و دوستش میداشتند.

مجلس شوری پیوسته وجود داشت در ۲۳ آوریل ۱۹۳۵ قانون اساسی جدیدی بتصویب رسانید که بر طبق آن حدود اختیارات رئیس جمهور را وسیعتر کرده و نخست وزیر را در مقابل وی مسئول قرار داد و نیز انحلال مجلس را با اختیار رئیس جمهور وا گذاشت در مواقع بسیار خارق العاده رئیس جمهور حق داشت برای خود تعیین جانشین نماید و در روی همین اصل است که امروز رئیس جمهور لهستان ولادیسلاس راککیویچ (Władysław Raczkiewicz) عمل کرده دولت با وجود شکست سال ۱۹۳۹ از روش سابق خود طبق قانون موضوعه اساسی دست برنداشته است.

سیاست خارجی لهستان مستقل دولت جدید لهستان با وجود از دست دادن قسمت مهمی از اراضی خود و با وجود اینکه مجبور بوده است زندگانی خود را طبق واکنش سیاست گذشته اش منظم نماید معذک دست از سیاست صلحجویانه برنداشته با تمام قوی در حفظ آن کوشیده است. دولت لهستان در طی دوره بیست ساله پس از جنگ گذشته پیوسته سعی کرده و مایل بوده است سیاست خود را در همکاری و دوستی با دولتهای خارجی بسر برده و بخصوص با همسایگان در نزدیکی و ارتباط دوستانه باشد در سال ۱۹۲۱ (۵ فوریه) و کمی بعد با عقد پیمانهای نزدیکی و دوستی خود را با فرانسه و رومانی ثابت کرد. ارتباط لهستان با دولت جواهر شوروی پیوسته در روی اساس دوستی بوده و معاهده عدم تعرض در ۲۵ ژوئیه

۱۹۳۱ امضاء گردید و تا سال ۱۹۴۵ ادامه یافت خود بزرگترین دلیل این دوستی و حسن ارتباط میباشد.

با اینکه پیوسته از طرف آلمانها مورد تهدید بود و با وجود در میان بودن موضوع دانزیک معذلك دولت لهستان پس از اینکه با عقد قرارداد سال ۱۹۳۲ از طرف خاور آسوده خاطر گردید در ۲۶ ژانویه ۱۹۳۴ چنین پیمانی با دولت آلمان امضاء کرد که ماده‌ای برای تحدید سلاح که بنظر چندان خطرناك نمی آمد در آن مذکور شده بود. ولی دولت لهستان برای چندین بار (که آخرین آن در ۱۹۳۸ بود) پیشنهاد دولت آلمان را که مبنی بر اتحاد نظامی بر ضد دولت شوروی روسیه بود رسماً و جدا رد کرده زیر این بار نرفت.

دولت لهستان سعی داشت که ارتباط خود را با نزدیکترین همسایگانش مانند جمهوری جوان لیتوانی بر روی اساس دوستی استوار سازد ولی موضوع ویلنو از این کار مانع می شد تا اینکه سرانجام در سال ۱۹۳۸ این امر هم حل و فصل گردید روابط طبیعی سیاسی و دیپلماسی دولت لهستان با بسیاری از کشورهای روی زمین از سابق برقرار بود چنانکه در سال ۱۹۲۵ دولت لهستان سفیری در دربار پادشاه ایران در تهران داشته و دولت ایران هم در ورشو سفیر کبیری داشت. بنابراین باید گفت که دولت لهستان اولین دولتی است از میان دولتهای اروپائی که با دولت ایران معاهده دوجانبه دوستی در روی اساس مساوات امضاء کرده است.

در ضمن عملیات دیپلماسی دولت و ملت لهستان در استقرار

جریان اوضاع داخلی
لهستان در میان
سالهای ۱۹۱۹-۱۹۳۹
 امور و اوضاع داخلی کوشیده در بسط و ترقی تمام شئون اجتماعی از هیچگونه فداکاری و کوشش خودداری نکردند چنانکه

جریان حوادث این بیست سال بزرگترین شاهد و دلیل بر این

مدعی میباشد با وجود تنزل موقتی پول و با وجود كمك و پشتیبانی بسیاری جزئی سرمایه های خارجی که بواسطه مصالح سیاسی ترجیح میدادند که سرمایه ها در

کشورهای اروپای مرکزی بخصوص در آلمان و چکوسلواکی باشد و با وجود بحران اقتصادی سالهای ۱۹۳۰-۱۹۳۳ معذک لهستان نه تنها از نظر اقتصادی و سیاست و تربیت عمومی ضعیف نشد بلکه در امور کشاورزی و صنایع و زندگانی اجتماعی ترقیات سریع نمود و بهمین واسطه توانست اثرات شوم ادوار گذشته را از صفحات تاریخ جدیدش پاک نماید.

ایجاد راه آهن و طرق شوسه و جاده های آبی و فوائد عامه سرلوحه برنامه تمام دولتهائی بود که در این مدت بیست سال روی کار آمدند سطح عمومی تمدن و آسایش عامه روز بروز در ترقی بخصوص در قسمت خاوری کشور که بیشتر در جنگها و کشمکشهای بادولت تزاری زیان دیده بود محسوس گردید رستاخیز در محیط کشاورزی و فلاحه بکلی اساس و بنیان زندگی لهستان را تغییر داده آنرا در شاهراه ترقی و تعالی انداخت.

اوضاع عمومی آموزش و پرورش

لهستان جدید با جدی هر چه تمامتر در ترمیم اوضاع آموزش خود که بتوسط دولتهای غالب شکست فاحشی بدان وارد شده بود و در بر انداختن بی سوادی کوشید. در این موضوع نتیجه ای

آموزش ابتدائی و متوسطه

که از آن عاید گردید بسیار قابل ملاحظه بود چنانکه شماره بی سوادان که در سال ۱۹۲۱ به ۳۳٪ میرسید در ده سال بعد ۲۳٪ تقلیل یافت و از این ببعد روز بروز هم از شماره مزبور کاسته میگردد در برنامه تعلیمات عمومی تجدید نظر مؤثری شده و طبق قانونی تعلیمات اجباری در سراسر کشور مقرر گردید. برای مقایسه با سایر کشورها از نظر شماره بی سوادان ۲۷٪ و اسپانیا ۴۷٪ ملاحظه میشود که لهستان تا چه اندازه در این موضوع پیشرفت کرده است. از طرف دیگر در باختر لهستان شماره بی سوادان نسبت بخاور آن بسیار ناچیز بنظر می آید در سال ۱۹۳۱ ۱۵٪ در سیلزی و ۱۵٪ در پوزنانی و ۲۸٪ در پومرانی عده بی سوادان بوده در حالیکه

در نواحی خاوری شماره آن فوق العاده و دولت ناچار بوده است با تمام قوی در برانداختن آن جهد و کوشش بخرج دهد.

در سال ۱۹۲۱ که هنوز چندی از تجدید استقلال لهستان نمی گذشت ۲۵ هزار آموزشگاه در این کشور بوده است در سال ۱۹۳۹ این شماره به ۲۸۸۸۱ آموزشگاه و دو برابر دانش آموز بالغ گردید (۲۲۷۱۶۰۰ در سال ۱۹۲۱ به ۴۹۵۳۰۰۰ در سالهای ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ رسید) و ترقی و پیشرفت آموزش و پرورش را میتوان از شماره آموزشگاهها و نوع ساختمان آنها درك و استنباط نمود.

اقلیت ها نیز در لهستان هریک برای خود دارای آموزشگاههای اختصاصی میباشد اقلیت آلمانی (از سایرین بیشتر) که شماره جمعیت آن بالغ بر ۷۴۱۰۰۰ یعنی ۲۳٪ میباشد دارای ۲۰۳ آموزشگاه لهستانی و آلمانی بوده و دارای ۳۶۵۰۰ دانش آموز و ۳۹۹ آموزشگاه آلمانی با ۳۶۳۰۰ دانش آموز بود.

سایر اقلیتهای مانند اوکراینها و بی یلوروتنی و یهودیها و حتی لیتوانی ها هریک دارای آموزشگاههایی میباشد که شماره دانش آموزان آنها به ۳۶۳۰۰ نفر میرسد. در قبال آموزشگاهها دبیرستانها نیز در لهستان در راه پیشرفت و توسعه افتادند در سال ۱۹۳۶ تا ۱۹۳۷ لهستان دارای ۷۶۰ دبیرستان (لهستانی اوکراینی آلمانی یهودی و غیره) با ۲۰۰۴۰۰ دانش آموز بوده است که باید باین مقدار سایر دبیرستانهای اختصاصی را با ۱۸۰۰۰۰ نفر دانش آموز افزود.

در سال ۱۹۳۸/۹ لهستان دارای ۲۸ مدرسه عالی بوده که از این
آموزش عالی
علوم و ادبیات
 میان باید دانشگاههای کراکو و ویلنو و لورو و ورشو و پوزنانی
 و دانشگاههای کاتولیک لوبلن و دو دارالفنون ورشو و لورو
 و اکادمی معادن کراکو و چهار مدرسه عالی کشاورزی و بازرگانی و در کادمی
 هنرهای زیبا را بشمار آورد.

در ۱۹۳۸/۹ هیئت کارکنان آموزشی دانشگاهها (استاد، اکرژه، دانشیار،

دستیار) بالغ بر ۲۴۶۰ نفر بوده که از این میان ۸۲۴ استاد بوده اند شماره دانشجویان دختر و پسر در دانشگاهها به بیش از ۵۰۰۰۰ نفر میرسد است .

بطور کلی جوانان لهستانی بیشتر بتعلیمات نظری و ادبی تابکارهای فنی و اجتماعی و اختصاصی اهمیت میدهند گرچه این عیب را باید مربوط بروش تعلیماتی دانشگاهها دانست ولی روز بروز بقسمت دیگر عطف توجهی شده و توازنی میان این دو موضوع ایجاد میگردد .

سازمان کارهای

علمی علوم و تعلیم

و تربیت

یقین و طبیعی است که مراکز دانشگاهی خود موجد کارها

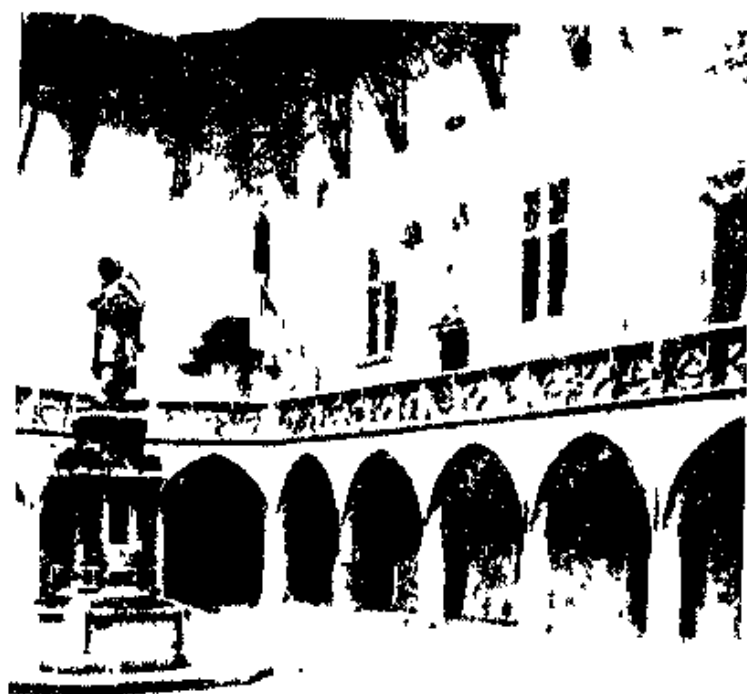
و تحقیقات علمی و بسط و ترقی آموزش و پرورش مواردین

فکری میباشد کتابخانهها و آزمایشگاههای بی شماری در تمام

دانشگاهها موجود میباشد و رشو دارای بزرگترین کتابخانههای

کشور است (کتابخانه دانشگاه کتابخانه ملی) دارای یک میلیون کتاب میباشد

در کراکوف و کتابخانه یا گیلونها از نظر اهمیت کتابهایش مشهور است . کتابخانه دانشگاه



ویلنو ۶۰۰۰۰ مجلد کتاب

وارد کتابخانه های شهرهای

دیگر مانند لور (کتابخانه

اسلینسکی (Ossolinski)

معروف و مشهورند مجموعاً در

لهستان ۹۴۵۲ کتابخانه عمومی

و سی هزار کتابخانه کوچک

عمومی و متعلق بمدارس وجود

دارد .

موزه ها بطور کلی متعدد

و ثروتمند میباشد .

صحن دانشگاه در کراکوف

در مراکز بزرگ و پراهمیت اجتماعات و انجمنهای علمی و آموزش و پرورش وجود دارد که عموماً در زیر اواصر و دستورهای فرهنگستان علوم در کراکوف اداره میشوند. انجمنهای علمی ورشو و لووونو و پلوزک و انجمنهای دوستداران علوم در یوزنای و یلنو لوبلن تارنوپول (Tarnopol) نیز مشهورند. از سال ۱۹۳۵ انجمن ایران و لهستان که موجد نمایشگاه صنایع ایرانی در ورشو بود بفعالیت خود افزوده و موفقیتهای شایانی نصیبش گردیده است.

نمایندگان علوم و ادبیات و هنرهای زیبا در این دوره

ملت لهستان که در نهادش علم و ادب جایگزین است در این **علوم** راه دارای نمایندگان است که در بسط و پیشرفت فرهنگ عمومی خدمات شایانی کرده و در این دوره بیست ساله آثار گرانبهایی از خود باقی گذاشته اند.

در علوم مخصوص در قسمت ریاضی لهستان دارای نمایندگان مشهوری است که از آن میان باید این اشخاص را نام برد زارمبا (Zaremba) و رودزکی (Rudzki) و ژوراوسکی (Zurawski) و دیکشتاین (Dikstein) شهر ورشو با وجود اسناد سیرپینسکی (Sierpinski) و «بنگاه ریاضی» (Fundamenta mathematicae) مهمترین مراکز ریاضی جهانی بشمار میآید. باناهویچ (Banahiewicz) و ویلک (Wilk) و دژیوولسکی (Dziwulski) از هیئت دانان و بیالوژسکی (Bialobrzski) فیزیکدان و اولشوسکی (Olszewski) شیمی دای وایگل (Weigel) میکربشناس که واکسن تیفوس را کشف نمود افتخار علم بشمار می آیند.

تواردوسکی (Twardowski) مکتب مخصوصی برای فلسفه ایجاد کرد. لوتوسلاوسکی (Lutoslawski) بواسطه آرا و عقاید مخصوص در فلسفه معروف است. ژیلینسکی (Zielinski) و ویتکوسکی (Witkowski) و استرباخ (Sternbah) در زبانشناسی کلاسیک انتونیویچ (Antoniewicz) و کوسچوسکی (Kostrzewski) و

سولی میرسکی (Sulimirski) در باستانشناسی تخصص داشته و معروفند و آنتروپولوگ تالکو - خرنیویچ (Talko - Hryniewicz) و چکانوسکی (Czekanowski) در موضوع تاریخ و تاریخ تعلیم و تربیت دانشمندان و متخصصین نیز وجود دارند مانند بالتزر (Balcer) و فینکیل (Finkiel) کوچبا (Kutrzeba) و آشکنازی (Aszkenazy) و اسمولنسکی (Smolenski) و توکاش (Tokarz) هالتسکی (Halecki) و کوت (Kot) و زاکچوسکی (Zakrzewski) و دیگران در تحقیقات ادبی باید نام بروکسر (Bruckner) و خشانوسکی (Chrzanowski) و پیگوت (Pigon) و کلاچکوسکی (Kolaczowski) و تریونیسکی (Cywinski) و کلاینر (Kleiner) بود .

در قسمت اقتصاد این دانشمندان شهرت دارند و لادیسلاس گرابسکی (Władysław Grabski) زاواژکی (Zawadzki) میلوسکی (Milewski) و سایرین .

در زبانشناسی رژوادوسکی (Rozwadowski) و بودوژن دوکورتنسی (Baudouin de Courtenay) نیچ (Nitz) و اترمبسکی (Otrembski) متخصص و مشهورند در میان خاورشناسان لهستانی بسیاری بودند که بخصوص در مسائل و موضوعهای مخصوص بایران کار کرده و بدانها دلبستگی داشتند از این میان بودند کوالسکی (Kowalski) اتی بن پشورسکی (S. Przeworski) تاده مانکوسکی (Mankowski) بسیاری از این دانشمندان در زندان و زندانهای جنگی مرده و یا قربانی جنگ شده و یا در گوشه و کنار روی زمین پراکنده شده اند .

بعلاوه بسیاری از نویسندگانی که قبل از سال ۱۹۱۴ وجود

ادبیات

داشتند بسیاری دیگر از نویسندگان مانند کوساک اشچوژکا

(Kossak Szezucka) فالكوسكا (Falkowska) و دمبروسكا (Dombrowska) و کونژویچوا

(Kuncewiczowa) و گیتل (Getel) و کادت باندروسکی (Kaden Bandrowski) و

نواکوسکی (Nowakowski) و پازاندوسکی (Parandowski) و درامنویس رستورفسکی

(Roatworowski) و نواچینسکی (Nowaczynski) و شانیاوسکی (Szaniawski)

و شاعر لهون (Lechon) و نوویم (Tuwim) و پاولسی کوسکاو (Pawlikowska) و ویرینسکی (Wierzynski) و ایواشکیویچ (Iwaszkiewicz) و مترجم از شاهکار های ادبیات فرانسه بوی - ژلنسکی (Boy Zelenski) بظهور رسیدند . بسیاری از این دانشمندان هنوز در قید زندگانی هستند .

موسیقی از مشهورترین موسیقی دانان لهستانی ایگناس پادروسکی

(Ignacy Paderewski) که در فن پیانوسرآمد است این شخص

بعلاوه در وطن پرستی و مهارت در سیاست مشهور بوده است مرگ او در امریکا در سال ۱۹۴۱ اتفاق افتاده است دیگر از موسیقی دانان باید شارل شیمانوسکی (Karol Szymanowski) و روژیتزکی (Rozycki) و میخالووسکی (Michalowski) و مالچوژینسکی (Malczuzynski) و ژرژ (Cetner) را نام برد ژان کیپورا (Jan Kiepura) که در فن آواز خوانی نه تنها در لهستان بلکه در تمام روی زمین معروف است دیگر از مشهورین آواز خوانان بانو باندروسکا تورسکا (Bandrowska-Turska) میباشد .

نقاشی پروشکوسکی (Pruszkowski) و اسکوچیلان (Skoczylas)

و مجسمه سازی و استری نیسکا (Stryjenska) و کوساک (Kossak) و نوربلن

(Norblin) و روشچیتز (Ruszczyc) و اسلندژیسکی (Slendzinski) و بسیاری دیگر

در نقاشی و دونی کووسکی (Dunikowski) و هادیسکی (Madejski) و شیمانوسکی

(Szymanowski) و کونا و ویتیگ (Wittig) و زاموئیسکی (Zamoyski) در مجسمه

سازی و نوآکوسکی (Noakowski) و لاله ویچ (Lalewicz) و سوسنوسکی

(Sosnowski) و ولادیسلاس لشک هورودتزکی (Wladyslaw Horodecki) (استاد سابق

دارالفنون کیف که در تهران در سال ۱۹۳۱ بدرود زندگانی گفت) در فن معماری

سرآمد هنروران لهستان میباشند .

قبل از طوفان سال موحش و مهیب ۱۹۳۹ فرا رسید . پس از الحاق اطریش

مهیب سال ۱۹۳۹ و بوهیم بتوسط هیتلر و پس از تشکیل يك دولت مستقل در

اسلواکی در زیر نفوذ آلمان کشور لهستان که در طول ۷۰۰ کیلومتر با این دولت هم مرز بود مورد تهدید و خطر واقع گردید دولت لهستان چون با وضع وخیم خود آگاهی یافت از دولت و ملت انگلیس که بتدریج بایدش آمد چنین خطری خود و دموکراسی و آزادی روی زمین را در تهدید دیدند کمک و یاری طلبید اعلامیه کمک متقابل انگلیس و لهستان در ۳۱ مارس و ۶ آوریل ۱۹۳۹ منتشر و پس از امضای قراردادی رسمی در ۲۵ اوت ۱۹۳۹ تصدیق و محرز گردید.

دولت لهستان خواهان صلح و حاضر برای هر گونه مذاکره ای برای حل مسائل بود ولی بهیچوجه با ازدست دادن کوچکترین قطعه ای از خاک خود و یا ازدست دادن شرافت ملی و استقلال خویش یعنی متن و اصل پیشنهادات دولت آلمان هیتلری روی موافقت نشان نداد آراء و عقاید ملت لهستان در این خصوص متحد و یکسان بود بنا بر نصیحت دولت بریتانیای کبیر که در صدد از میان بردن خطر جنگ بود دولت لهستان برای اینکه هیچگونه بهانه ای در دست طرف ندهد از تجهیز جنگ و ارتش خود تا آخرین دقیقه خودداری نمود زیرا حتی تا روز ۳۱ سپتامبر نظرمی آمد که خطر جنگ مرتفع شده است ولی در سپیده دم روز اول سپتامبر ناگهان بدون هیچگونه اعلان جنگ تمام میدانهای هوایی و راه آهن و خطوط تقاطع جاده ها و سکنه غیر نظامی شهرهای لهستان مانند ورشو مورد بمباران شدید هواپیماهای آلمانی قرار گرفته و نیروی موتوریزه آلمانی از چندین نقطه وارد خاک لهستان شدند.

موحشترین جنگی که انسان تا کنون شناخته است آغاز گردید.

جنگ ۱۹۳۹

لهستان اولین کشوری بود که با تسلط جهانی آلمان راز میان رفتن آزادی بشر مخالفت کرده و مقاومت نمود. با وجود اختلاف

زیاد نیرو میان طرفین و با وجود بودن در موقعی بسیار دشوار دولت و ملت لهستان یکه و تنها جسورانه در برابر دشمن توانائی ایستادگی کردند. آرتور گرینوود (Artur Greenwood) لیدر «لابور پارتنی» (Labour Party) در ۵ سپتامبر ۱۹۳۹ در پارلمان

انگلستان در این خصوص چنین گفت: «یکه و تنها در مقابل دروازه تمدن بشریت چون پاسبانی ایستادگی کرده تمام ملل آزاد روی زمین و حتی ما را مدافع گردید آنها از آنچه که نزد ما عزیز و گرامی است دفاع کردند بهمین واسطه است که ما هم بنوبه خود وارد میدان کارزار میشویم» آری ملت لهستان در مقابل این طوفان هولناك ایستادگی کرد و آنقدر مقاومت بخرج داد تا دوستانش بکمکش شتافتند.

در روز ۳ سپتامبر انگلستان و پس از آن فرانسه بدولت آلمان اعلان جنگ دادند این تصمیم ملت لهستان را غرق در شادی و خورسند نمود ولی بدبختانه این دو متحد هنوز کاملاً برای جنگ حاضر نبوده و عملیات نظامی که در جبهه باختر اتفاق افتاد نتوانست كمك مؤثری برای لهستان بشود. حوادث ویدیش آمدهای نظامی برای لهستان بسیار ناگوار و نامساعد شد با تمام این تفاسیل سربازان لهستان در مقابل دشمن نبرو مند ایستادگی کردند جنگهایی که در وسترپلات در دانزیک و در زیر لازو کوتنو در جنوب اتفاق افتاد و بخصوص دفاع شهر ورشو که از هر طرف در محاصره افتاده و از حیث شماره افراد و اسلحه ضعیف بود از افتخارات ملت لهستان بشمار می آید. لشکرهای مغلوب دست از نبرد نکشیده مجدداً سر و صورتی بخود داده و حملات را آغاز میکردند در همین موقع بود که بدون هیچگونه خبر قبلی نیروی نظامی اتحاد جماهیر شوروی که در مرزها متمرکز بود ناگهان وارد خاک لهستان شد.

هیئت دولت و رئیس جمهور لهستان که در این ایام در جنوب خاوری کشور بودند خود را در خطر افتادن در دست ارتش روسیه دیدند. موسیژکی رئیس جمهور با موافقت مجلس از شغل خود استعفا کرد و لادیسلاور اچکیویچ (Władysław Raczkiewicz) رئیس سابق مجلس سنا را بجانشینی انتخاب کرد رئیس جمهور جدید هم پس از گذشتن از مرز رومانی از شغل خود مستعفی گردید.

با تمام این تفاسیل جنگ تا ماه اکتبر در خاک لهستان ادامه داشت ورشو شهر کاملاً آزاد از صبح تا شام مدت چند هفته در زیر آتش گلوله های توپهای سنگین

و بمبهای هواپیماهای آلمانی می سوخت و لی دست از مقاومت و پایداری نمی کشید این مقاومت تا ۲۸ سپتامبر بطول انجامید تا اینکه سرانجام آلمانها در اول اکتبر توانستند در شهر رخنه کرده آنرا بتصرف خویش در آورند. جنگ هنوز در بسیاری از نقاط کشور در گیر بود. ژنرال کلیبرک (Kleberg) بایک سپاه که بعجله جمع آوری کرده بود در ولین (Wolyn) و پولزی (Polesie) تا روز ۴ و ۵ اکتبر می جنگید آخرین جنگ با آلمانها در ناحیه کوئسک (Kock) اتفاق افتاد بدینقرار ملاحظه میشود که مقاومت و جنگ با آلمانها مدت شش هفته بطول انجامید این موضوع را اگر با سقوط سریع فرانسه در سال ۱۹۴۰ مقایسه نمائیم بی مناسبت نیست.

پایداری لهستانیها بهترین وسیله برای مهیا شدن انگلیس و فرانسه برای جنگی که بتوسط آلمانها، دانها تحمیل شده بود گردید.

فعالیت دولت لهستان

رئیس جمهور را چدیویچ پس از رسیدن بیاریس در ۲۰ سپتامبر استعفای هیئت وزیران را پذیرفت. هیئت وزیران جدید در تحت ریاست ژنرال ولادیسلاس سیکورسکی از میان مبرزترین لهستانیهای که در فرانسه بودند انتخاب گردید. در همین ضمن هیئت مشاوره ای (شورای ملی) بریاست پادروسکی تشکیل شد که معرف سیاست و افکار لهستانی بود. ژنرال سیکورسکی علاوه بر شغل نخست وزیری فرماندهی عالی قوی در دست گرفته بمنظور مقاومت بایجاد ارتش منظمی از لهستانیها در فرانسه مشغول شد. هزاران لهستانی از گوشه و کنار روی زمین حتی با وجود مخاطرات زیاد بواسطه گذشتن از مرزهای ممنوعه بدورش کرد آمده حاضر برای جانفشانی شدند.

لهستان مقاومت را ادامه میدهد

ارتش جدیدی که از لهستانیها در فرانسه تشکیل گردید مرکب بود از چهار لشکر که در دفاع از فرانسه و در جنگهای زمینی و هوایی دریائی کمکهای مؤثری نمود پس از سقوط فرانسه.

در ۱۷ ژوئن ۱۹۴۰ رئیس جمهور و هیئت وزیران و شورای ملی ب انگلیس رفته و

متحداً تصمیم بمقاومت و ادامه جنگ گرفتند در انگلیس لهستانیهای که توانستند جان سلامت از دست دشمن بدربرند بدور یکدیگر گرد آمده از این پس در تمام عملیات نظامی شرکت جستند بخصوص در هوالهستانیها اولین ملت متحدی هستند که برای دفاع از انگلیس دامن همت بکمر زدند. خون ملت لهستان برای دفاع از آزادی در نروژ و در افریقا (در غزاله و در طبروك) و در تمام جبهه های جنگ ریخته شد. تنها فکر و آرزوی هرسرباز لهستانی در این گیر و دار رسیدن بآزادی و برگشت بخاك مادری بود.

جنگ آلمان و روسیه

آغاز جنگ آلمان و روسیه (۲۲ ژوئن ۱۹۴۲) مجدداً روزنه امیدی برای ملت لهستان شده آنرا در این فکر که روزی حیثیت و استقلال گذشته را با اتحاد با بریتانیای کبیر و کشورهای متحده امریکا بدست خواهد آورد مصرتر و پابرجاتر نمود در نتیجه پیش آمد جدید و تغییر اوضاع دولت ژنرال سیکورسکی پیمانی در لندن در روز ۳۰ ژوئیه ۱۹۴۱ بادولت جواهر شوروی امضاء نمود. این پیمان قرارداد آلمان و روسیه را ملغی ساخته و امکان يك ائتلاف و توافق نظر را میان روسیه و لهستان مثبت نمود. طبق این پیمان لهستانیهای که در خاك روسیه در زندان و یادر زندانهای نظامی بودند آزاد شده و ابجاد يك ارتش لهستانی را در اتحاد جواهر شوروی مورد بحث قرار داد.

دوره جدید در تاریخ جنگ (۱۹۴۱-۱۹۴۳) و مهاجرت

قرارداد روسیه و لهستان دوره جدیدی را در تاریخ جنگ کنونی برای لهستان آزاد در خارج از کشورش آغاز نمود ارتش جدیدی در کشورهای خاور از لهستانیهای مهاجر تشکیل گردید. این ارتش پس از اینکه برای تکمیل تجهیزات خود خاك روسیه را ترك گفت و از خاك ایران گذشته در نقاط دیگر خاور میانه در تحت اوامر فرماندهی عالی که مقررش در لندن بود منتظر ادامه جنگ شد. دوماهزار نفر پیره مرد و زن و کودک که خاك شوروی را ترك گفته بودند برای

تجدید قوا در خاک مهماندوست ایران اقامت کردند در این مدت اقامت ایرانیها از هیچگونه محبت و مهماندوستی کوتاهی نکردند و زمانی که لهستانیها ایران را ترك گفتند در دل با آرزوی رسیدن بآزادی محبت ایران و ایرانی را جای دادند.

هنوز صدها هزار نفر لهستانی که از خاک اصلی و میهن خود رانده شده اند منتظر روزهایی هستند که فرشته صلح بالهای خود را بری جهانیان بگشاید و در انتظار برگشت بسرزمین اصلی خود میباشند و برای رسیدن باین مقصود در تمام جبهه های جنگ به پیکار پرداخته و خون خود را فدا مینمایند هر يك كه سر بخاك می نهد دیگری جایگزین او میشود. آنقدر خواهند جنگید و خون خود را فدا خواهند کرد تا بآرزوی دل رسیده و خاک میهن را برای دیگر در آغوش بگیرند.

اگر نظری بتاریخ ده قرن گذشته ملت لهستان بیفکنیم شباهت

آخرین سخن

نامی با تاریخ ملت ایران خواهیم دید. لهستان مانند ایران

در طی ادوار تاریخی خود پیوسته گرفتار تهدید و هجوم و حملات اقوام بیگانه بوده است چنانکه نویسندگای انگلیس گفته است این دو کشور بواسطه موقع جغرافیاییشان پیوسته محاصره بحملات و تهاجمات بیگانگان و دادن قربانیهای زیاد بوده اند.

بسیار اتفاق افتاده است که لهستان نه تنها مورد تهاجم واقع شده بلکه تجزیه شده و استقلال خود را از دست داده است با همه این تفصیل نه ملت لهستان و نه ملت ایران حاضر به از دست دادن استقلال و حیثیت خود نبوده در عمل جد و کوشش ملل مهاجم و بیگانه را در خود مستهزل نموده سرانجام از زیر بار نفوذ آنان شانه خالی کرده و زندگانی اصلی خویش را از سر گرفته اند. این دو ملت با وجود تحمل زحمات و مشقات تمدن آراء و عقاید و میهن پرستی خود را حفظ کرده نگذاشته اند دیگران بر آنها حکومت نموده و مسلط باشند. پشت یا بردشمنی و سوء قصد دیگران زده باظهار عقیده و آراء سوء نویسندگان و مورخین مغرض که از گذشته درخشان این دو ملت چشم پوشیده و ادوار تاریك را سند قرار داده بدیده بی اعتنائی نگریسته

و آنها را بقضوت نویسندگان و مورخین منصف و حوادث و پیش آمدهای ایام واگذار کرده اند .

نابلیون امپراطور فرانسه لهستان و مسائل سیاسی مربوط بدان را «کلید» سیاست اروپا میدانست بدون اینکه این عقیده را در تمام مسائل سیاسی اروپا عمومیت بدهیم باید اذعان کرد که لهستان و استقلال و آزادی آن اساس حقیقی موجودیت استقلال و آزادی و امنیت ملل همسایه میباشد و حتی روسیه شوروی زمانی مورد تعرض و تهاجم ارتش هیتلری شد و ارتش عظیم شوروی با آن روبرو گردید که با استقلال لهستان لطمه وارد آمد

در حقیقت تاریخ بطریقی تأثر آورده و وحش ثابت کرد که آزادی و امنیت نه تنها ملت لهستان بلکه بسیاری دیگر از ملل در روی اساس قدرت و فعالیت و سر نیزه و اسلحه ملت لهستان استوار میباشد و این موضوعی است که شاید نزد بسیاری مجهول مانده و حتی خود ملت لهستان از آن بی خبر مانده است .

جریان حوادث ثابت کرد که لهستان مانند همیشه سنگ اصلی بنای توازن بین المللی را تشکیل میدهد و لطمه بآزادی و منع از دست داشتن بدربار و عدم امنیت مرزهای آن ممکن است بزرگترین خطرات جهانی را سبب شود بنابراین باید گفت که حافظ آزادی و احترام بشرو افراد و اجتماعات و حقوق بین المللی و روح دموکراسی و فکر ائتلاف که پیوسته در طی تاریخ بوسیله ملت لهستان از آنها دفاع شده است میتوانند شرافت و صلح جهانی را ضامن باشد .

ولتر نویسنده بزرگ فرانسه در انجمنی اعلام داشت که «عشق بآزادی در ملت لهستان بعد افراط وجود دارد ممکن است زمانی این ملت منکوب و مغلوب شده حتی کارش ببردگی بگردد ولی بزودی یوغ اسارت را از گردن افکنده آزادی را از سر میگيرد میتوان آنرا بشاخه کوچکی تشبیه کرد که در مقابل طوفانی خورد شود ولی بزودی سر از ریشه بدر آورد و رشد و نمو کرده و میوه بدهد» این عقیده ولتر هیچگاه تازگی

خود را از دست نداده است و در تمام حوادث و پیش آمده‌های تاریخی در باره ملت لهستان صادق می‌باشد. روزولت رئیس جمهور کشورهای متحده امریکا دیرزمانی نیست که در این خصوص اعلام داشته است «لهستان وحی و الهام جهانی است» و نیز پیشوای روحانی انگلیس هینسلی Hinsley که بتازگی درگذشت در این خصوص گفته است «لهستان وجدان و وظیفه جهانی است» و معتقد بود که آینده لهستان که اولین ملتی بود که در مقابل اسارت آزادی قد علم کرده بود و مظهر پاکی و تقوی که دنیا برای آن می‌جنگد خواهد شد «بخوبی مشاهده می‌شود که ملت لهستان با وجود هزاران مشقت و تعب و رنج و عذاب که تاریخ امثال آنرا فقط در دوره پادشاهان آسور و بابل و فراعنه مصر سراغ دارد باز عظمت گذشته و شهامت و رشادت و عشق بآزادی را از دست نخواهد داد

منابعی که این تاریخ مختصر از آن استفاده شده است بقرار زیر می‌باشد

Halecki Oskar La Pologne (de 963 à 1914) essai de synthèse par O. Halecki, professeur a l'Université de Varsovie de l'Academie des Sciences et des Lettres. Preface d' Alfred Coville, membre de l'Institut Bibliothèque d'histoire contemporaine. Librairie Felix Alcan, Paris 1933, page XV, 348.

Gorka Olgierd: Outline of Polish History-past and present. Printed in Palestine by A. Mozes, Printing Press, Tel—Aviv, 1942, page 102, carte.

W.R. History of Poland (an analitical summary by. . . .) Istanbul, (1943). Printed in Turkey by Kagit ve Basim Isleri, 1943, page 36, carte.

نظر اجمالی بادبیات لهستان

در قرون ۲۰ و ۱۹ میلادی



پس از اینکه در سال ۱۷۹۵ برای سومین بار کشور لهستان در میان سه دولت همسایه تقسیم گردید اوضاع اجتماعی و ملی در داخله کشور رو بضعف و انحطاط رفت و لسی بعکس در خارج از آن روح ملی روز بروز تقویت شده بر قوت آن افزوده میگردد ملت لهستان هیچگاه سیاست تقسیم را نپذیرفته و هیچ زمان بر غالبین سر تسلیم فرود نیاورد و پیوسته برای بیرون آمدن از زیر بار انقیاد و بدست آوردن آزادی می کوشید این فعالیت بیشتر در زمان ناپلئون اول امپراطور فرانسه رو بشدت گذاشت و در همین زمان است که اشعار نغز و زیبای لژیونهای لهستانی سروده شد و نیز در همین تاریخ است که (Józef Wybicki) اشعاری بنام «مازورکا دومروسکی» را سرود. پس از چندین نسل همین اشعار بتوسط میهن پرستان لهستانی در جنگها خوانده شد تا اینکه پس از رهایی رسماً سرود ملی لهستان قرار گرفت.

سبک «رمانتیسیم» که در زیر نفوذ انقلاب کبیر فرانسه تقویت شده و اساس روش آزادیخواهی قرار گرفته بود بتدریج در لهستان ریشه دوانده و قوت میگرفت در روی همین اصل بود که کتابها و شاهکارهایی نوشته شده و بظهور رسید که نه تنها اهمیت ادبی بخود گرفت بلکه از نظر «ایدالوژی» و معانی و توسعه افکار قدرنی بسزا پیدا کرد. در اشعار سه شاعر بزرگ رمانتیست میتسکیویچ (Mickiewicz) و اسلوانسکی (Słowacki) و کراسینسکی دو دوره اصلی و متمایز از یکدیگر مشاهده میشود یکی قبل از سال ۱۸۳۱ یعنی دوره پیش از باز آمدن استقلال و دیگری



منتسکوویچ

پس از شکست نیروی ارتشی
لهستان

اختصاص دوره اول بواسطه
ظهور غزلیات کاملاً شخصی
میباشد که در آنها بیشتر جنبه
و سبک اشعار «بایرونی» دیده
میشود در این قبیل اشعار
بیشتر صحبت از زن و تجربیات
شخصی و خصوصی زندگی و
سایر مراحلی که چنانکه بعد
از سراینده‌گان آن سخن رانده
خواهد شد به‌چوچه شباهتی
با روح زندگانی لهستان ندارد
یکی از منقدین مشهور درباره

اشعار (Słowacki) گفته است مانند «کامسائی است که ارحمت معماری و حجارانی مانند
ندارد ولی خدا در آن وجود ندارد» وای با او! تفصیل باید استثنائی در اشعار
ولطیف منتسکوویچ (Mickiewicz) که راسته «انجمن مقاومت‌ها» میباشد و آن
کردند این اشعار در جزء برنامه انجمن مربوط که توسط دانشجویان دانشگاه
ویلنو ایجاد شده بود منظور گردید و مقصود آن رسد حذر روح ملی لهستان بوسیله
یک‌نوع پرورشی بود که اخلاقیات افراد را تقویت کرده و پاک‌کرده نماید

افکار ملی مبنی بر مسائل جنگ‌جوئی و براف برای دریافت آزادی و پیش‌دانی
کردن برای ترتیب زندگانی آینده از پس سال ۱۸۳۱ ظهور رسد، عمل مهم شعر

در این زمان که عبارت از روشن کردن فکر و تقویت روح میهن پرستی و نیز معرفی شعرا مانند مربیان بزرگ روحی ملت اساس شعر در لهستان آن زمان قرار گرفته بود. از این جنگ ادبی که مقصود آن حکومت بر ارواح بود روشن فکری نتیجه گردید که ملت لهستان توانست عمل مهم ملی خود را در میان سایر ملل بخوبی انجام دهد. در روی این اصل میسکیویچ (Mickiewicz) و کراشینسکی (Krasinski) باین نتیجه رسیدند که باید ملت لهستان را « مسیح ملل دیگر » نامید بنا بر این مانند وی ملت لهستان بی گناه مورد زجر و عقاب قرار گرفت و مانند وی زمانی زنده شده و در یادش زجرهای خود گناهان دیگران را خواهد شست از همان زمان است که فکر « مسیحیت » بظهور رسید. اسلوانسکی (Słowacki) که ملت لهستان را بیشتر بانظر انتقاد مینگریست جرأت اینکه لهستان را بنام « مسیح » بخواند نکرد بلکه تنها آنرا بعنوان وینکلرید (Winkelried) نامید این شخص بانظر آزادیخواهی و دموکراسی معتقد بود که ملت لهستان تنها از راه اتحاد و کوشش میتواند بمقصد خویش برسد روح مسالمت و صلحجویی آنرا از مرحله و مقصود دور خواهد برد. با نشان دادن روش زندگی و فعالیت انهلی (Anielli) قهرمان بکی از معروفترین اشعار خود بملت لهستان فرماید که برای حفظ آزادی و استقلال خود باید بکار و کوشش و فعالیت متوسل شود تمام شاهکارهای معروف شعرای بزرگ مانند (Księgi narodu i pielgrzymstwa polskiego) جردی (Dziady) جلد سوم و کتب ملی و زیارت لهستان کردیان (Kordjan) و آنهلی (Anielli) و ایریدیون (Irydion) سحر (Przedswit) و « سرودهای آیننده » در مهاجرت نوشته شده است و نیز معروفترین اشعار ملی و اجتماعی در تحت عنوان آقای تادئوش (Pan Tadeusz) اثر میسکیویچ که در قلب هر میهن پرست لهستان جایگزین شده بود دور از ما در وطن و در مهاجرت سروده شده است شاعر در عالم خیال از پاریس به لیتوانی مسافرت کرده آنرا در عین زیبایی و شکوه و پرازمید جلوه گر ساخته است. اشعار این شاعر بزرگ بزودی از مرزهای کشور های بیگانه

گذشته در خاک لهستان قبل از طرف توجه درباریان و اشراف شد و طولی نکشید که با افراد جامعه و سایر طبقات سرایت کرده حتی در دهکده ها نیز آرامش خاطر کشاورزان و تشفی قلب آنان گردید .

در حقیقت باید گفت که سبک رمانتیسیم روح ملت امروزی لهستان را لطیف و باز کرده و آنرا در عالمی دیگر غیر از آنچه را که داشت کشانید این سبک مانند حلقه ای بود که گذشته را بحال متصل کرده آنرا وسیله حفظ مراسم ملی و زبان مادری و بالاخره جنگ برای آزادی قرار داد . ولی زمانی که انقلاب سال ۱۸۳۱ بشکست منجر گردید به جستجوی باعث و مسبب این شکست برآمدند و سرانجام گناهکار اصلی را سبک رمانتیسیم دریافتند . بالاخره جریان حادثات و پست و بلندیهایی زندگانی فکر و خیال و تصور را از حقیقت دور کرد و وسیله شد " که باید نیرو و توانائی را پس از طرح نقشه اندازه گرفت و معیار قرار داد و نه نقشه را بر حسب نیرو و توانائی " و نیز محیطی ایجاد کرد که در آن ثابت نمود که باید اسلحه را بدون در نظر گرفتن مورد اصلی و حقیقی استعمال آن و نیز توانائی دشمن در دست گرفت و بکار برد .

پس از بمیان آمدن دوره های زجر و عذاب و کشت و کشتار رمانتیسیم و طرفداران آنرا مورد ملامت و سرزنش قرار داده و از این پس تصمیم گرفتند که حقایق را عریان و بدون پرده مورد نمایش قرار دهند . لهستانیها آرزو مند ادبیاتی بودند که حقایق زندگانی روزانه را برای آنها ب معرض نمایش بگذارد . رمان نویسی برای ملت لهستان بیش از هر چیزی مورد توجه بود و این همان سبکی بود که در زمان " پوزیتیویسم " ب ظهور رسید . بطوریکه طولی نکشید که رمان نویسی بر شعر و شاعری سبقت جست و بتدریج آئینه افکار و احساسات توده مردم و جامعه قرار گرفت .

رمانهای کرنیورسکی (Korniewicz) و کراسوسکی (Kraszewski) بزرگترین نشانه این پیش آمد ولی در حقیقت باید گفت که رمان نویسی و نشر نویسی در دوره ظهور " پوزیتیویسم " بعد از اعلای ترقی خود رسید . برای روشن شدن مطلب بذکر بعضی

ازرمان نویسه‌ها می‌پردازیم از جمله (Prus Boleslaw) نویسنده ماموریت (Placowka) و عروسک (Lalka) و آزاد شدگان (Emancypantki) و فرعون (Faraon) میباشد موضوع رمان اولی را بیشتر شرایط و نوع زندگی در لهستان قرار میدهد. نویسنده بیشتر جنبه پوزیتیویسم و اثبات گرفته سعی کرده است تابلوئی از وضع زندگی و اخلاق و عادات آن زمان ملت لهستان را نمایش دهد. در رمان «فرعون» نویسنده خواننده را به مصر زمان رامسس سیزدهم هدایت مینماید. این نویسنده در انشاء رمانهای خود قدرت قلم فوق‌العاده‌ای بخرج داده در مطالب وی موضوعهای بی شماری آمیخته به احساسات و عشق بشر دوستی. مورد بحث قرار گرفته و در این مورد اخیر باندازه‌ای کوشیده است که ویرا «دوست بشر» نامیده‌اند.

رمانهای الیزا اورشکوا (Eliza Orzeszkowa) دارای موضوعهای چندی است که بیشتر در آن وقایع روزانه دخالت کرده است این نویسنده بیشتر جنبه اثبات و پوزیتیویسم را مانند «آزادی زنان» و موضوعهای مربوط به یهودیها را گرفته از مشهورترین رمانهای او در بالای رودخانه نِمن (Nad Niemnem) است که در آنها مناظری از لیتوانی و زیبائی زندگی روزانه را بخوبی تشریح کرده است. این را باید پیشوای ادبیات دوره استقلال لهستان محسوب داشت.

اشعار ماریا کونوپنیکا (Marja Konopnicka) از ادبیات دوره پوزیتیویسم از نظر غزل سرائی و حماسه سرائی دارای اهمیت شایانی است.

دیگر از نویسندگان که در ایران نیز بواسطه ترجمه بعضی از رمانهایش مانند کجا میروی؟... (Quo Vadis?) (Ogniem i mieczem) (با آتش و شمشیر) مشهور است هانری سینکویچ (Henryk Sienkiewicz) میباشد این نویسنده شهرت بسزائی در لهستان و حتی در تمام اروپا دارد یکی از نویسندگانی است که بگرفتن جایزه نوبل مفتخر شده است آثار وی بیشتر از زبانهای بیگانه ترجمه گردیده. هانری سینکویچ آغاز کار نویسندگی خود را بانوشتن اخبار شروع کرده بزودی بنوشتن رمان پرداخت و

باندازه‌ای در این کار قدرت یافت که از مشهورین رمان نویسان گردید. در زمان اسارت لهستان نوشته‌ها و آثار سینکیویچ مانند شربت مقوی گوارائی در قلوب لهستانیها اثر میکرد. نویسندگان بزرگ روح شهامت و بلندی روح ملت لهستان را در آثار خود مانند گرونوالد (Grunwald) و «شوالیه‌های صلیب» (Krzyzacy) بخوبی ثابت کرده و فهمانده است که هیچ قوه‌ای این ملت را نمیتواند از میان برده و آثارش را محو نماید. سینکیویچ در نوشته‌های خود مسائل اجتماعی را از نظر محو نکرده است. بهترین آثار وی در این خصوص فامیل پولانیسکی (Rodzina Polanieckich) و رمان دیگر وی بدون عقیده (Bez Dogmatu) مقام بسیار ارجمندی را در ادبیات لهستان دارا میباشد در این کتاب نویسندگان اوضاع روحی مردمی بی‌پشتیبانی را که ارشاد عقیده و مذهب و عشق میهن پرستی و کار را میکند نمایش میدهد. در کتاب کجا میروی (Quo Vadis?) نویسنده با مهارت روح اریستیک دوری امپراطوری نرن را در رم و اوضاع روحی دو دنیای مختلف بت پرستی و مسیحیت را شرح میدهد هیچیک از رمانهای لهستانی باندازه این رمان در جهان معروف نیست.

آدام اسنیک (Adam Asnyk) شاعر که در اوایل دوره پوزیتیویسم زندگانی میکرد برای جوانان این سبک چنین پیشگوئی میکند «ای جوانان فاتح ستاره‌های شما روزی در جهان تاریکی پنهان خواهند گردید» براستی پیشگوئی این شاعر بحقیقت رسیده در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم وزش جدیدی از جانب باختر بنای دمیدن را گذاشت بزودی اسامی جدیدی که بطور کلی آنها را «رمانتیسم جدید» یا «مدرنیسم» و در لهستان «لهستان جوان» گفته روی کار آمد. رمانتیسم جدید واکنشی بود بر ضد «رآلیسم» و «اوتیلی تاریسم» در صنعت. از این پس نویسندگان جوان در نوشته‌های خود پیرو این عقاید شدند «صنعت برای صنعت» «سمبولیسم» «روح بی‌آلایش» «بی‌اعتنائی بتمدن جدید» و «اعتنای به افتخارات در شخصیت اشخاص» در اشعار «تتمایر» (Tetmajer) که در کتابی بنام ملانکولی (Melancholia)

جمع آوری شده است و نیز در مجموعه اشعار «سرود خطاب به نیروانا» (Hymn do Nirvany) بیش از هر چیز شخصیت ظاهر و نمایان است. در آخر این قرن شخصیت پرستی بطور کامل در آثار استانیسلاو پشی بیشوسکی (Stanislaw Przybyszewski) از قبیل اعتراف (Confiteor) بخوبی آشکار است. این نویسنده مسبب جنبش ویداری ادبیات در لهستان میباشد. رمانهای «بچه‌های شیطان» (Dzieci Szatana) «انسان کامل» (Homo Sapiens) «و برای خوشبختی» (Dla szczescia) و «پشم طلائی» (Zlote runo) و «مادر» (Matka) و «برف» (Snieg) و «مجلس مهمانی زندگی» (Gody Zycia) از آثار مهم و درخشان این نویسنده بزرگ میباشد.

عنوانی که رمانتیسیم جدید در لهستان بنام «لهستان جوان» بخود گرفت بدون مناسبت نبود زیرا در وضع سیاسی که لهستان قرار داشت جایی برای ادبیاتی که فقط باید جنبه صنعتی داشته باشد چیزی باقی نبود. نویسندگانی در این دوره بظهور رسیدند که موضوعهائی انتخاب کردند که بیشتر جنبه ملی داشته و منظور از آنها آینده لهستان و بستگی آن بدوره شهادت و درخشان گذشته این کشور میباشد.

در سال ۱۹۰۰ میلادی برای اولین بار «عروسی» (Wesele) اثر استانیسلاو ویسپیانسکی (Stanislaw Wyspianski) بمعرض نمایش گذاشته شد. این درام افکار را بجنبش ولرزش در آورده و مرحله تازه‌ای را در تاریخ ادبیات لهستان آغاز کرد. پس از عروسی درام دیگری بنام «رهائی» (Wyzwolenie) نوشته شد که در آن نویسنده سعی کرده بود که رهائی بواسطه عمل و فعالیت را در مقابل و برضد رهائی بوسیله مرگ قرار دهد. این نویسنده درامهای دیگری مانند لژیون (Legjon) و دختر ورشوی (Warszawianka) و شب نوامبر (Noc listopadowa) از خود باقی گذاشته است در انتقادی که به هاملت شلسمپر نوشت خود را از بزرگترین درام نویسها معرفی کرد.

استفان زرمسکی (Stefan Zeromski) این نویسنده در جهان ادبیات بنام بیدار کننده وجدانها (Cor Cordium) معروف است زرمسکی در رمانهای خود زندگانی ملت

لهستان را آنطوریکه باحقیقت مطابقت دارد تشریح و سعی کرده آنرا بگذشته مربوط نماید. از آثار مشهور وی این کتابها را باید متذکر شد بوسیله کلاغ و زغن پاره خواهیم شد (Rozdziobia Nas Kruki - Wrony) و کارهای زیرین (Syzyfowe Prace) و خاکسترها (Popioły) رودخانه باوفا (Wierna Rzeka) و «سوکوسکی» يك درام (Sulkowki).

ژرمسکی بادیده حسرت و آتش درونی بدبختی و اسارت ملت لهستان را منتهی با دیدن اسلحه دردست آن برای آزادی خود مینگرد این نویسنده اوضاع اجتماعی و اخلاقی ملت خود را از نظر باز نداشته است و آنرا در کتابهایی مانند بدون پناهگاهمان (Ludzie Bezdomni) و تاریخ يك گناه (Dzieje Grzechu) بخوبی ظاهراً ساخته است. ژرمسکی در زمان جنگ گذشته و سالهای اولیه دوران استقلال را در فعالیت و نوشتن آثار دیگری باقی بوده است.

ولادیسلاوریمونت (Wladyslaw Reymont) نیز یکی از رمان نویسهای معروف میباشد. اولین رمانش تحت عنوان زن مسخره (Komedjantka) میباشد که پس از آن ماده انقلاب (Fermenty) را نوشته منتشر ساخت یکی دیگر از رمانهای ریمونت (Ziemia Obiecana) میباشد که در آن نویسنده شرایط و اوضاع زندگانی يك مرکز صنعتی را بخوبی و بطور وضوح تشریح کرده است ولی مهمترین رمانهای این نویسنده که بتوسط آن جایزه نوبل نصیبش گردید رمان کشاورزان (Chłopi) میباشد که در آن ریمونت با مهارت و قدرت قلمی مخصوص بخود اوضاع زندگانی کشاورزان را در چهار فصل سال در آخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم تشریح و جلوه گر ساخته است این نویسنده کتابی دیگر تاریخی بنام «سال ۱۷۹۴» از خود باقی گذاشته است.

دیگر از رمان نویسهای این دوره اشخاص ذیل را باید نامبرد و آنسلاو برنت (Waclaw Berent) مؤلف متخصص (Fachowiec) و متعفن شده (Prochno) و سنگهای زنده (Zywe Kamienie) میباشد و آنسلاو شیروسکی (Waclaw Sieroszewski) که بیشتر

موضوع کتابهای وی شرح زندگی در کشور های آسیای شرقی است از جمله ریشتاو (Risztan) و در دام (W matni) و رمانهای دیگر چینی بنام کورئا (Korea) و اولسونی کیسان (Ol - Son - I - Kissan) و غیره .

ژزف ویسنهوف (Jozef Weyssenhof) که کتابهای وی بیشتر جنبه اخلاقی دارد از جمله موضوع کارژان دولکا (Sprawa Dolegi) و زندگی و افکار سیژیسمونندپو فیلیپسکی (Podfilipski) و خرسپاه و مادموازل (Sobol i Panna) و جامعه (Gromada) گابریلا زاپولسکا (Gabriella Zapolska) از مشهورترین زنان نویسنده که در حقیقت نویسی از سایرین اختصاص دارد این نویسنده تابلوئی از اخلاقیات و ارتباط آن با زندگی اجتماعی ملت لهستان در کتابهای خود در تحت عنوان « انسان » و « زندگی برای تفریح و مزاح کردن » و غیره بمورد نمایش قرار داده است .

آثار و نوشته های ژان کاسپروویچ (Jan Kasprowiez) مقام بلند و ارجندی را در ادبیات دارد . تولد این نویسنده در خانه های رعیتی شده است . آغاز کاروی از سرودن اشعار که متضمن زندگی توده بوده شده است . کمی بعد در عالم شك و تردید افتاده رنج و زحمت بشر را احساس کرده مجموعه ای در تحت عنوان « سرودها » در این خصوص تنظیم کرد . سراسر اشعار وی پر است از جاویدان بودن روح و عشق و علاقه بپاکی آن . از نظر غزل سرائی این شاعر دارای اهمیت فراوان است بعدها کاسپروویچ اشعار خود را بنام « مشاجره و مباحثه دوستانه با خدا شناسی از بدبختی بشر » نامید . این دوره از تاریخ ادبیات لهستان باندازه ای مملو است از آثار نظم و نثر که غیر ممکن است در این مختصر بتوان بشرح هر يك از آنها جدا گانه پرداخته و آنها را بشمار آورد . بهر صورت ادبیات دوره اسارت ملت لهستان یکی از افتخارات آن بوده و شاهد است بر بلندی روح و فکر و لطافت طبع این ملت و باوجود زحمت و مشقاتی که در این دوره تاریخ متحمل شده است باز دست از میهن پرستی و استقلال خواهی

بر نداشته و بالاخره باچنین شاهکارهائی خدمات قابل توجهی به ادبیات جهانی کرده است .

جنگ بزرگ

۱۹۱۴-۱۹۱۸

بطور کلی در تاریخ و بالاخره در ادبیات بسیاری از وقایع و
حادثات و یاسبک و روشی ممکن است در طی قرون مختلفی
تکرار شده و یا بصورتی نزدیک آن جلوه گر شود لهستانها

در زمان فرمانروائی ناپلئون اول در لهستان باستناد اینکه تمام افراد آزاد انسانی
بایکدیگر برادر میباشند امیدواری کاملی بآزاد شدن استقلال گذشته خود داشتند .

در جریان وقایع سالهای ۱۹۱۴-۱۹۱۸ ملت لهستان امیدوار بود که در مذاکرات
صلحی که انجام میگرفت منافعتش زیر پا نرفته و حقوق حقه اش گرفته شود . ملت
لهستان میدانست که چون ملتی است اصولاً جنگجو باید حقوق خود را بزور اسلحه
بگیرد در روی همین اصل پیلسودسکی تشکیل دستجات نظامی مسلح داده آنها را در
جنگهائی که در جریان بود وارد میدان نمود . دستجات نظامی مزبور هر يك برای
خود سروردهائی مخصوص بخود که بیشتر جنبه جنگجوئی و وطن پرستی داشت تهیه
کردند در ضمن نامه ها و دفاتر خاطراتی که در جبهه های جنگ و یا در بیمارستانها
نوشته بودند بر جای باقی ماند . این گونه ادبیات با اینکه از حیث وزن و استحکام چندان
قابل ملاحظه نبود ولی از نظر سادگی و روح ملیت و وطن پرستی و شهادت و جنگجوئی
بسیار شایان اهمیت میباشند . فرامین و سخنرانیها و نوشتجات پیلسودسکی و بعضی
دیگر را مانند ژول کادنت باندروسکی (Kaden Bandrowski) و یوسف مونچکا
(Jozef Maczka) و اوژن مالچوسکی (Eugenjusz Malaczewski) را نیز باید جزء ادبیات
این دوره محسوب داشت .

زمانیکه جنگهای ۱۹۱۴-۱۹۱۸ خاتمه یافت و توپها از غرش افتادند ملت
لهستان توانست برای خدمت بخویش و کشور خود آزادانه شروع بکار نماید در تمام

مراحل و شئون زندگانی فعالیت آغاز شده افراد با قدمهای سریع و عزمی خلل ناپذیر برای جبران مافات کوشیدند ادبیات در این زمان سیر خود را در مراحل رئالیسم و حقیقت پیموده . از نظر فکری بیشتر جنبه خدمت به کشور را بخود گرفت . ماری دبروسکا (Maria Dabrowska) زیبایی زندگانی روزانه را در رمان خود در تحت عنوان « شبها و روزها » و ماری کونتسه ویچووا (Maria Kuncewiczowa) در کتاب خود « روزهای زندگانی آقا و خانم کووالسکی » بخوبی تشریح کرده نمایانده اند .

در این زمان بسیاری از نویسندگان از سिलزی در کتابهای خود سخن رانده اند از جمله سوفی کوساک اشچوتسکا (Zofja Kossak-Szczucka) در « کشورهای ناشناس » پولاکویا (Pola Gojawiczyńska) در « سرزمین الیزابت » و گوستاو مورچنیک (Gustaw Morcinek) در آفتاب شعله ور و کاون باندروسکی (Kaden Bandrowski) در « لئور » و « بالهای سیاه » موضوع دست یافتن بدریای بالتیک باندازه ای برای دولت و ملت لهستان مهم و شایان اهمیت بود که مورد بحث نویسندگان و موضوع کتابهای چندی قرار گرفت مانند ژروم مسکی (Zeromski) که در کتابهای خود « بادو دریا » و « ویستول » و « دماغه » از تاریخ جنگهایی که ملت لهستان برای حفاظت سرزمینهای کناره های دریا کرده اند سخن رانده است .

ملیکور و انکوویچ (Melhior Wankowicz) در کتاب خود در جاده های اسمتک (Smetek) خاطرات جنگهای لهستانیها را با آلمانیها برای مرزهای شمالی بیاد میآورد . واسیلوسکی (Wasilewski) نیز همین موضوع را در شاهکار خود « زمین باخا کستر توام است » مورد بحث قرار داده است .

اشکالات سرحدی از جانب مشرق طرف توجه نویسندگان مانند کوساک اشچوتسکا (Kossak Szczucka) در کتاب خود آتش سوزی (Pozoga) قرار گرفت این نویسنده در تشریح و بحث مسائل تاریخی در رمانهای خود از سایرین ممتاز است و بانوشتن کتابی بنام صلیبیون (Krzyzowcy) میتوان وی را همردیف نویسنده بزرگ سینکیویچ

قرار داد . استانیسلاو واسیلوسکی (Wasilewski) که یکی از نویسندگان است که در شناسائی ادوار گذشته بی مانند بوده حوادث آن ایام را در کتابها و نوشته های خود باطرزی دلفریب مورد بحث قرار داده است .

بوی ژلنسکی (Boy - Zelenski) در ترجمه کتابها و شاهکارهای ادبی فرانسه متخصص بوده است .

لطافت طبع و فوق لهستانی بتوسط نویسندگانی مانند کورنل ما کوژینسکی (Kornel Makuszyński) و زیگمونت نووا کووسکی (Zygmunt Nowakowski) بخوبی نمایانده شده است .

کارول هوبرت روستو و روسکی (Roztworowski) درام نویس که بامهارت زندگانی غم انگیز بشر را در کتابهای خود بنام ژودا ایسکاریوت (Judasz Iskariota) و نا گهان (Niespodzianka) بمرض نمایش گذاشته است در جهان ادبیات بسیاری از زنان که شماره آنها بسیار است مهارت و اختصاص خود را نشان داده اند معروفترین آنها بدینقرارند -

کوساک اشچوتسکا (Kossak Szczucka) دمبروسکا (Dambrowska) کونتسه ریچووا (Kunciewiczowa) گویاویچنیسکا (Gojawiczyńska) اواسلیبورک زارمبینا (Ewa Szelburg Zarembina) سوفی ریگیر نالکوسکا (Zofja Rygier Nalkowska) ماری ولسکا (Maria Wolska) و بیاتا اوبرتینسکا (Beata Obertynska) جنبش ادبی در دوره تجدید استقلال لهستان فوق العاده شدید شد و کتابها و انتشارات بی شمار بخصوص در شعر در این دوره نوشته و بطبع رسید در همین زمان است که فرهنگستان ادبیات ایجاد گردیده عمل عمده ای را در انجمنهای بین المللی یون کلوب (Pen Club) بمعده گرفت . سال ۱۹۳۹ یعنی آغاز جنگ کنونی تغییرات غم انگیز و مشومی را در اوضاع زندگانی ملت لهستان حاصل کرد . در زمانی که کشور بتوسط ارتش آلمان اشغال گردید در زیرزمینها کتابها و روزنامه هائی بمنظور جنگ باقوای غالب نوشته و منتشر

میشود. در خارج از کشور در مهاجرتها کتابها و اشعاری آزادانه نوشته و سروده میشود. نویسندگان و شعرائی مانند پاولیکوسکا (Pawlikowska) و بالینسکی (Balinski) اسلونیمسکی (Slonimski) و یادویگا چخوویچ (Jadwiga Czechowicz) و گونته ویچووا بکار نوشتن و سرودن اشعار مشغولند.

سراسر نوشته‌ها و اشعار آنها مملو است از عشق میهن پرستی و روح شهامت و شجاعت و بیداری برای گرفتن آزادی و استقلال و برای زنده کردن حیثیت ملی گذشته.



یکی از تزئینات کلبسای ویلنو

هنرهای ظریفه معماری



بناها و ساختمانهای چوبی که بوسیله سنگ و مله و گل محکم شده بودند تا قرن دهم در لهستان معمول و متداول بود ولی تغییراتی که بعداً در این کشور روی داد راه نفوذ باختریها را باز نمود.

تمام کلیساهایی که در قرون ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ ساخته شده اند و در بین آنها بعضی ها باسنگ ساخته بودند تأثیرات این نفوذ باختری را با ثبات می رساند. زیباترین ساختمانهای این عصر کلیساهای بزرگ و اول کرا کو میباشند.

معماری کوتیک لهستان در طی قرون ۱۳ و ۱۴ با حفاظت طرق عمومی سبک کلاسیک کوتیک، شخصانی منحصر بخودش دارد. عالیترین نمونه های این «کوتیک لهستانی» کلیسای سنت ماری کلیسای دومینیکانها و تالار لباس در کرا کو است که بسیار قابل توجه بوده و در نوع خود بینظیر میباشد.

این ساختمانها هنوز هم بخوبی حفاظت میشوند و منظره بسیار زیبایی دارند که هزاران سیاح و جهانگرد را ازاکناف عالم بسوی خود جلب میکنند. دژهای مستحکم زیادی همچنین متعلق باین عصر میباشد.

مشخصات ساختمانهای این دوره کلیساها و صومعه های مستحکمی میباشد که از بین آنان باید صومعه کوه روشنائی واقع در چنستووا را محسوب داشت.

در حدود اواخر قرن پانزدهم سبک (Renesans) (بلهستان نفوذ یافت که در طی قرن شانزدهم بعلمت نفوذ ریناشیمنتوی (Rinascimento) ایتالیا نشو و نمای بیشتری یافت.

منازل عالی زیادی که متعلق به خاندان پادشاهی و پامتعلق به نجبا بودند در همین دوره ساخته شدند .

قرن هفدهم دوره قدیمی معماری لهستان میباشد . به نفوذهای ایتالیائیها و هلندیها میتوان اشاره نمود . کاملترین نمونه معماری باروکو در لهستان قصر ویلانو منز لگه تابستانی پادشاهان سوویسکی را باید نام برد که در دوازده کیلومتری ورشو میباشد . امروز این قصر بهمان وضعیت اولیه خود باقی است و گذشته از اینکه در تابستان برای جشنها و ضیافتها بکار میرود خود بتنهائی يك موزه ملی میباشد .

در نیمه اول قرن هیجدهم سبك روکوکو (Rococo) زیاد متداول گردید . قصرهای ساکسون و بروهل (Bruhl) واقع در ورشو بوسیله پادشاهان ساکسون ساخته شده بودند و نمونه‌هایی مشخص از این سبك معماری در لهستان میباشند . در نیمه دوم قرن هیجدهم در زمان سلطنت استانیسلاو اوگوست آن حامی و عاشق بزرگ هنرهای زیبا هنرهای لهستان تکامل زیادی یافتند . دو نمونه ویژه و زیبای این عهد عبارتند از قصرهای کراسینسکی (Krasinski) و لازینسکی هر دو در شهر ورشو . قصر لازینسکی که فی الواقع يك جواهر معماری میباشد بیلاق تابستانی استانیسلاو اوگوست و منزل عزیر او بود که در آنجا در موقع جشنها و ضیافتهائی که ترتیب میداد جماعتی از برجسته‌ترین هنرپیشگان را نیز دعوت مینمود . امروزه این قصر برای پذیرائی از مهمانان بیگانه دولت لهستان بکار میرود .

سبك تفكيك و کنارگیری (Secession) که بوسیله عقاید انگلیسها و اهالی وین القاء شده بود اوائل قرن بیستم عمومیت یافت . این قرن همچنین مشخص است برای ایجاد يك نمونه جدیدی از معماری لهستان و این سبك جدید عبارت بود از اتفاق و اتحاد سبك نجبای قرون ۱۸ و ۱۹ و معماری چوبی .

در طی ده سال اخیر معماری جدید در لهستان ترقی و توسعه زیادی یافت بیشتر ساختمانهای عمومی بسبك ساده معماری جدید در ورشو بنا شده‌اند .

بانك اقتصادى مىلى ، آموزشگاه عالى بازرگانى ، مؤسسه دولتى براى تربيت بدنى و ايستگاه مركزى عاليترين نمونه هاى اين سبك ميباشند .

مجسمه سازى

تاقىر ۱۳ مجسمه سازى در لهستان يكى از عادات مطلق مذهبى بود . سنگهاى قبر امروزي يكى از بهترين بقايائى هستند كه از مراحل اوليه مجسمه سازى لهستان تا بحال بجا مانده اند . در هاى برنزى كليساى بزرگ كنيز نو مخصوصاً يكى از جالب ترين نمونه هاى اين هنر ميباشند .

ترويج و توسعه مثبت كارى بطرز كوتيك در قرن پانزدهم بما فوق ترقى خود رسيد و اين در موقعى بود كه ويت استوش (Wit Stwosz) در يك تكه بزرگ چوب محراب بسيار زيبائى براى كليساى سنت ماري در كراكوو ساخت كه امروز بمنزله كاملترين نمونه مجسمه سازى چوبى كوتيك بشمار مي آيد .

مجسمه سازى تزيينى كه بوسيله استادان ايتاليائى در لهستان نفوذ يافته بود در قرن شانزدهم نقش مهمى انجام داد . در طى قرن هيچدهم مجسمه سازى بامعمارى تزيينى خيلى مربوط و نزديك شده بود .

مجسمه سازى جديد لهستانى ، بوسيله مجسمه سازان زيادى معرفى ميشود كه مشهور ترين آنان دونيكووسكى (Dunikowski) ميباشد ، در بين مجسمه هاى زيباى لهستانى ، ما بايد باين مجسمه هاى معروف اشاره كنيم :

مجسمه ميكويچ شاعر معروف لهستانى در ورشو .

مجسمه ياكيلو پادشاه بزرگ لهستانى در كراكوو كه چندين پيش بدست آلمانها

نابود گرديد . مجسمه سرباز گمنام در ورشو - مجسمه شوين در ورشو - مجسمه خلبان لهستانى در ورشو و بسيارى مجسمه هاى ديگر ...



موسیقی

یکی از صور جالب توجه لهستان علاقه وافری است که ملت این کشور به موسیقی دارد. تهذیب موسیقی در نزد هر فرد متوسط لهستانی در درجه اعلائی قرار دارد. طرز ادا و ابراز طبیعی زارعین لهستانی آواز است در تمام مدت روز در موقع کار یا تفریح آهنگ دلنشینی همواره آماده است تا از لبهای آنها خارج شود این آهنگها مشحون از زیبایی و دلفریبی میباشد.

اولین آثار موسیقی لهستانی مطابق سالهای نخست عصر مسیحیت لهستان میباشد زمانیکه انواع موسیقی وقت آهنگهای مذهبی بودند. قدیمترین قطعه موسیقی که تا بحال نگهداری شده سرودی بود که برای هم آهنگی با اشعار «وبرجین مادر خدا» ساخته شده بود و این سرود سرود ملی مذهبی سالهای نخستین تژاد لهستان بود

پادشاهان لهستان بحد امکان توسعه و ترویج موسیقی را تشویق و ترغیب نمودند در طی قرن چهاردهم نخستین آهنگ پرداز لهستانی که در فن خود استعداد و فوق سرشاری داشت پدیدار گردید. در سال ۱۵۸۰ میکولای گومولکا (Mikolaj Gomolka) - ساخته های مهم خود را که در اثر الغاء موسیقی سلی نوشته شده بود منتشر کرد.

نخستین اپراهای لهستانی در قرن نوزدهم توسط م. کامینسکی (M. Kamienski) ساخته شده بود که برای موسیقی لهستان عصر مجلسی بشمار میرفت در همین قرن نخستین آموزشگاه عالی موسیقی تأسیس گردید اوگینسکی (Oginski) مؤلف پولونزهای

عمومی و کولبرک (Kolberg) مؤلف و گردآورنده مجموعه موسیقی نزدیکان و بسیاری از آهنگ پردازان دیگر در طی همین دوره کار کردند.

بالا ترین درجه نبوغ موسیقی در قرن نوزدهم توسط فردریک شوپن (Fryderyk Szopen) بمنصه ظهور رسید یعنی توسط یکی از بزرگترین آهنگ پردازهایی که جهان تابحال بخود دیده است. شوپن نوازنده ملی لهستان است. موسیقی او که بطور عمیقی باروح لهستانی آمیخته شده است موسیقی ملی لهستان است. منابع آهنگهای شوپن جوهر اصلی روح لهستان میباشد این آهنگها نغمات کار روزانه کشاورزان در مزارع میباشد و نغماتی است که از روی رقصهای روحپرور و مهیج آنان در ساعات عصر در کلبه راحتشان اقتباس شده است. مازورکهای شوپن همه مشحون از خوش طبیعتی دهاقین لهستانی میباشد. پولونزهای او جوانمردی زیاد نجبها را باثبات میرساند و در تمام آهنگهای او نغمات حزن انگیز ناله نائر ملی لهستان و اراده آهنین برای تحقیق آمال و ایده آلهای نجیب وجود دارد موسیقی شوپن در نوع خود بی نظیر است و بزرگی نبوغ او با وجود آنکه اصلاً لهستانی است بقدری انسانی و متعلق به مردم است که او یک فرد عمومی شده است. شوپن در برخی موسیقیدانان دیگر تأثیر زیادی نمود منجمله در موسیقی دانانی مثل لیست (Liszt) و واگنر. در حدود اواسط قرن نوزدهم استانیسلاو مونیوشکو (Stanislaw Moniuszko) خوش قریحه دارترین سازنده آهنگهای اوپرا، اوپراهای مختلف زیادی که دارای ارزش هنریشگی بودند نوشت. هالکا (Halka) و درافسون شده (Straszny Dwor) و وروبو نوبل (Verbum Nobile) و کنتس (Hrabina) و غیره، سایر موسیقی دانان معروف لهستان در قرن نوزدهم عبارتند از:

ه. وینیائوسکی (H. Wieniawski)، ژلینسکی (Zelenski)، نوسک ووسکی (Noskowski)، نیویادومسکی (Niewiadomski)، اوپنیسکی (Opieski)، نووویسکی (Nowowiejski) و آدام وینیائوسکی (Adam Wieniawski) اخیراً هم آهنگ پرداز جوان دیگری بنام میچسلاو کارلویچ (Mieczyslaw Karłowicz) زندگانی میکرد که



شوپن

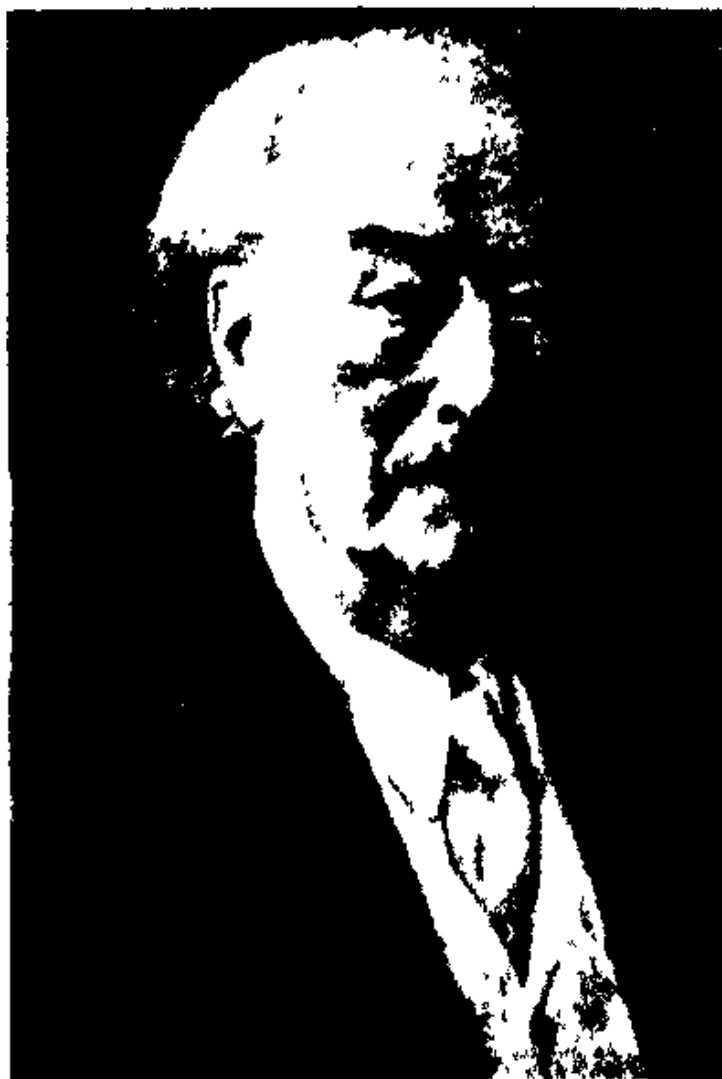
از نوابع فن خود بود و آثیه
بسیار درخشانی در پیش داشت
مرگ این آهنگ پرداز در
نتیجه يك حادثه حزن آور
که در کوهستانهای تاترا اتفاق
افتاده لهستان را از یکی از
بزرگترین آهنگ پردازهای
جوانش محروم کرد.

اوسمفونی های بیشماری که
دارای ارزش زیادی بودند از
خود باقی گذاشت. لودومبرو
ژیبتسکی (Ludomir Rozycki)

و کارول شیما نووسکی
(Karol Szymanowski) که

مردو از آهنگ پردازهای

مشهورند «لهستان جوان» را بخوبی بدنیامعرفی نمودند. مرگ بیموقع شیما نووسکی فقدان
بزرگی بود برای موسیقی لهستان، او بزرگترین موسیقی دان لهستانی عصر خویش
بود و نفوذ قاطعی بر روی نژاد جوان موسیقی دانان لهستانی نمود و او نه تنها در
لهستان مشهور و مورد قدردانی بود بلکه در کشورهای دیگر هم از او تقدیر بعمل
میآمد. در بین جوانترین موسیقی دانان لهستانی این آهنگ پردازها مشخص اند
ماکلاکیویچ (Maklakiewicz) و ویتوویچ (Wojtowicz) یاداروسکی که در طی جنگ
کنونی فوت نمود یکی از بزرگترین نوابع موسیقی بود و بواسطه تعبیر بسیار جالبی
که از موسیقی کلاسیک کرده بود بعنوان یک کنفر پیانیست در جهان موسیقی اشتهار



یاداروسکی

زیادی کسب کرد . او بوسیله
 اوپرای معروف خود که مانرو
 (Manru) نام داشت سوابق عالی
 اوپراهای لهستانی را تجدید نمود .
 میخالووسکی (Michalowski)
 اشلوینسکی (Sliwinski) و هوبرمان
 (Huberman) ژوزف هوفمان
 (Jozef Hoffman) و و . لاندوسکا
 (W . Landowska) ویولونیستهای
 معروف شهرت جهانی کسب نمودند
 فیتلبرگ (Fitelberg) و استوکو-
 وسکی (Stokowski) و غیره
 برجسته ترین اداره کنندگان
 ارکسترهای موسیقی در لهستان و
 در کشورهای بیگانه میباشند .

درین خوانندگان لهستانی که نه تنها در لهستان معروف میباشند بلکه بواسطه داشتن
 صدای زیبایشان و کامل بودن هنرشان در پایتختهای کشورهای اروپائی و امریکائی
 نیز اشتهار دارند باید باین خوانندگان اشاره نمود دیدور (Didur) یان کیپورا
 (Jan Kiepora) آداساری (Ada Sari) و باندروسکا تورسکا (Bandrowska Turska)
 فعالیت موسیقی در ورشو بسیار توسعه و ترویج دارد . ارکستر فیلارمونیک ورشو در
 درجه بسیار بالائی قرار دارد . در کنسرتهای سمفونیک عصرهای جمعه بهترین
 نوازندگان جهان شرکت میجویند و کنسرتهای سمفونیک صبحهای یکشنبه

آثار آهنگ پردازهای جدید و کلاسیک را عمومی مینمایند. در عرض سال بسیاری از هنرپیشگان زبردست لهستانی و خارجی کنسرتهاائی در این ارکستر فیلارمونیک ورشو میدهند. آموزشگاه عالی موسیقی ورشو یکی از بهترین آموزشگاههای موسیقی اروپا میباشد همچنین اوپرای ورشو نیز یکی از عالیترین اوپراهای سرزمین اروپا میباشد.

نقاشی

تنویر کتب مذهبی هدف عالی نقاشی لهستان در طی قرون ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ بود (پولی کرومی) رنگ آمیزی لهستانی در طی قرن ۱۳ در داخل لهستان نفوذ یافت و در طی قرن پانزدهم موقعیکه ویت استوش (Wit Stwosz) مطابق این سبک محرابی را که بعداً برای کلیسای سنت ماری در کراکوساخت بمافوق ترقی خود رسید. در قرن شانزدهم سبک مخصوصی از نقاشی لهستانی در کراکوس وجود آمد. در طی قرن هفدهم زیگموند سوم پادشاه لهستان مخصوصاً از نقاشی حمایت زیادی کرد و در قرن هیجدهم نیز استانیسلاو اوگوست معروفترین نقاشان آن عصر را اعم از لهستانی یا بیگانه در دربار خود جمع نمود. قرن نوزدهم عهد ترقی توسعه و ترویج نقاشی بشمار میاید. سیمیرادزکی (Siemiradzki) و بسیاری از نقاشان دیگر شهرت زیادی کسب نمودند.

نقاشان تاریخی نیز که دارای قریحه سرشاری بوده اند آثار بزرگ و زیبایی از خود بیادگار گذاشته اند یان ماتیکو (Jan Matejko) که بزرگترین آن نقاشان بود مهمترین حوادث و وقایع تاریخ لهستان را بارنگهای زیبایی پر از نشاط و زندگی و روح لطیف بایک دقت و حکمت تاریخی که بر قیمت آثارش بیشتر میافزاید نقاشی نموده است. یان استیکا (Jan Styka) باکمک کوساک (Kossak) یکی دیگر از نقاشان

برجسته لهستانی وعده دیگری از نقاشان جوان دورنمای مسلسل جنگ را تسلاوینسه (Raclawice) در موقع جنگ روسها که گوشچیوشکو سردار بزرگ لهستانی در آن فاتح گردید نقاشی کرد که امروزه بامواظبت زیادی در شهر لوو (Lwow) نگاهداری میشود.

تحقیق این نقاشی ثابت میکند که آن آثار اقلأ در نوع خود کمتر نظیر دارند در پایان قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم نقاشان مشهور عبارت بودند از براندت (Brandt) برادران گیرسکی (Gieryski) حلمونسکی (Chelmonski) و بیروش کووالسکی (Wierusz Kowalski) و سپیانسکی (Wyspianski) که مخصوصاً بعضی شیشه‌های زیبای رنگی از خود بیادگار گذاشته است که یکی از آنها «خدا پدرها» در کلیسای فرانچیسکانسکی واقع در کراکو و از شاهکارهای این فن بشمار میرود. تأثیرات معنوی نقاشی بوسیله (Impressionism) نقاشان زیادی نشان داده شده است و یچولکووسکی مالچووسکی (Malczewski)، مهوفر (Mehoffer) و غیره هنر نقاشی در طی سالهای گذشته در لهستان توسعه و تکامل زیادی یافت مخصوصاً حکاکی و منبت کاری و خاتم کاری ترویج زیادی پیدا کرد. اسکوچیلای (Skoczylas) بارتلومی یچیک (Bartłomiejczyk) بهترین نمایندگان این هنر میباشند.

هنرهای تئاتری

هنر نمایشی و تئاتری در لهستان نیز مانند کشورهای دیگر از اصل مذهبی شمرده میشود. تعزیه‌های مذهبی از قرن یازدهم در صومعه کراکوو تهیه میشد. نمایشهای تئاتری در لهستان از مدتها پیش تهیه شده و بمعرض نمایش گذارده میشد مثلاً در سال ۱۵۷۸ نمایش «عزل مأمورین سیاسی یونان» که توسط شاعر بزرگ لهستانی یان کوخانوسکی نوشته شده بود بمعرض نمایش گذاشته شد. در سال ۱۶۶۱ ترجمه نمایش مشهور سید (Cyd) توسط مورشتن (Morsztyn) شاعر لهستانی در شهر

ورشو تهیه گردیده .

پنج قرن بعد از این تاریخ شالوده تهیه کردن نمایشهای کلاسیک نویسندگان لهستانی و بیگانه مخصوص طبقه متوسط و در تئاترهای خصوصی و اعیانی ریخته شد . تا قرن هیجدهم هنرهای تئاتری در لهستان فقط شاهکار خصوصی محسوب میشد طبقات نجبا منجمله مشوقین و سرپرستان هنرهای زیبا نمایشهای زیادی ترتیب دادند که در آنها اغلب هنرپیشگان مشهور بیگانه نیز شرکت میکردند .

در طی نیمه اول قرن هفدهم جان گرین هنرپیشه معروف در لهستان مشغول بازی بود . هنرپیشگان فرانسوی و بازیکنان اپرای ایتالیا در دربارهای ژیکموند سوم و لادیسلاو چهارم ویان کازیمیر نمایش میدادند نمایشهای مذهبی نیز مانند سابق در آموزشگاه ژوزوئیتها داده میشد .

علاقه توده لهستانی به تئاتر و نمایش فقط از قرن هیجدهم یعنی همان موقعیکه حامی و دوستدار بزرگ هنرهای زیبا پادشاه استانیسلاو و اوگوست در سال ۱۷۶۵ نخستین تئاتر دائمی لهستان را تأسیس کرد پیدا شد . نخستین هنرپیشه بزرگ لهستانی بوکوسلاوسکی (Boguslawski) بود که او را پدر تئاتر لهستان مینامیدند . بوکوسلاوسکی که گذشته از هنرپیشگی نویسنده زبردستی هم بود در توسعه و ترویج هنر تئاتری در لهستان خدمات برجسته ای انجام داد . در پایان قرن هیجدهم تمام شهرهای بزرگ لهستان مثل ورشو و کراکو و لود و یلنو و غیره تئاترهای پابرجائی داشتند . زمانیکه سالهای تجزیه فرا رسید هنر تئاتری لهستان کار و وظیفه بزرگی میبایست انجام دهد سانسور روسها و پروسیدها در برخی نقاط کشور هرگونه نمایش را بزبان لهستانی بکلی ممنوع کرده و در بعضی نقاط دیگر فقط در مدت محدود و معینی از سال اجازه داده شد . باوجود تمام این مشکلات و محظورات هنر تئاتری لهستان از هیچ گونه کوششی فروگزاری نکرده و وظیفه میهن پرستانه خود را که عبارت از نگاه داشتن زبان لهستانی و انتشار عقاید ملی بود بخوبی انجام داد .

سال ۱۸۱۷ در تاریخ هنر تئاتری لهستان اهمیت زیادی دارد زیرا در این سال برای بار اول بازی آلکساندر فردرو (Aleksander Fredro) مؤسس کمدی لهستان تهیه شده و نمایش داده شد.

توسعه و ترویج بیشتر هنر تئاتری لهستان مربوط با اقدامات کسانی که در عصر رمانتیکسم زندگی می‌کردند می‌باشد در اینجا خصوصاً باید نام می‌تسکوویچ را برد. در ابتدای قرن بیستم نسل نمایش مه‌نویسان جوان لهستانی بسرپرستی استانیسلاو ویسپیانسکی با اقدامات بی‌نظیر خود عصر تازه‌ای در تاریخ هنر تئاتری لهستان بازی کردند.

پس از آنکه لهستان دوباره استقلال خود را بدست آورد کلیه شهرهای بزرگ آن تئاترهای پابرجائی تأسیس نمودند. ورشو ۲۳ تئاتر داشت. اصل وقاعده هنر تئاتری لهستان در درجه اعلا قرار گرفته بطوریکه بسیاری از نقادان بیگانه آنرا یکی از بهترین اصول تئاتری اروپا دانسته‌اند. فهرست نمایشهای تئاترهای لهستان بطور عجیبی بزرگ است. بغیر از آثار نمایشنامه نویسان لهستانی مثل میکیویچ اسلوواتسکی کرازینسکی و فردور نمایشنامه‌های تازه‌ای از آثار ویسپیانسکی پرژی یشوسکی (Przybyszewski) ژرومکسی (Zeromski) و غیره بمعرض نمایش گذارده میشد. قسمت برجسته دیگری نیز در این نمایشهای تئاترهای لهستان (رپرتوارها) آن بازیها و نمایشنامه‌های منتخب نمایشنامه نویسان و نویسندگان درجه اول بیگانه است که در تئاترهای مشهور لهستان مثل تئاترهای اریستوفان و شکسپیر و مولیر و شیلر و غیره تهیه میشد.

در لهستان سه آموزشگاه هنرهای تئاتری وجود داشت. گذشته از عده بزرگی از هنرپیشگان متخصص تئاتری در لهستان صدها نفر دیگر از هنرپیشگان معمولی وجود داشت. دولت لهستان نیز باین تئاترها همه گونه کمک مینمود. هنر تئاتری در لهستان باندازه‌ای عمومیت و محبوبیت داشت که در تمام این کشور تمدن نبود ککه قصبه‌ای یا دهکده بزرگی اقلاً دارای تئاتر کوچکی نباشد.

پست و رادیو

سرزمین لهستان به ۹ ناحیه تلفنی و تلگرافی و پستی تقسیم شده و دارای ۴۶۰۶ اداره تلفن و پست و تلگراف می باشد. لهستان بعنوان عضو اتحادیه پستی جهان و اتحادیه تلگرافی جهان قرارداد ۳۰ نوامبر سال ۱۹۲۰ مادرید و قرارداد مخابرات تلفنی واشنگتن (در سال ۱۹۲۷) و قرارداد مخابرات تلفنی مادرید (سال ۱۹۳۲) و قرارداد سال ۱۹۳۴ قاهره را امضاء نمود.

مخابرات رادیو - تلگرافی لهستان در این سالهای اخیر با سرعت زیادی پیشروی می کرد.

لهستان چهار ایستگاه موج بلند و سه ایستگاه رادیو موج کوتاه داشت. نیاز زیاد خدمات تلفنی منجر بوسعت و بزرگ شدن روشهای شهری - ناحیه ای و حفظ اصلی شد.

جنبش رادیو - تلفنی در لهستان اهمیت بین المللی دارد. مکالمات بوسیله سیم بایستگاههای رادیو تلفنی خارج کشور مخابره می شد.

مخابرات رادیو - تلفنی با کشتی ها بوسیله سیم بر رادیو بندر لهستانی کدینیا مخابره شده و از آنجا بوسیله رادیو به ایستگاههای کشتی رانی فرستاده می شد.

بخش صدا در لهستان بوسیله «کمپانی رادیو لهستان» اجرا می شد. این کمپانی در ده ایستگاه کار می کرد. در سال ۱۹۳۸ عده دارندگان رادیو در کشور لهستان به ۸۰۰۰۰۰ نفر بالغ گردیده بود برنامه رادیو لهستان در سال ۱۹۳۶ از ۲۳ درصد موسیقی کلاسیک و ۳۱ درصد موسیقی معمولی و ۳۰٪ سخنرانی و یادداشت و ۱۶ درصد مواد مختلف تشکیل شده بود.

مطبوعات

قبل از جنگ لهستان ۴۶ نماینده و خبرنگار مطبوعاتی و در حدود ۲۸۵۰ روزنامه و مجله داشت که عده‌ای از اینها در مواقع معین منتشر میشد. این روزنامه‌ها و مجلات باین ترتیب چاپ میشدند.

۲۳۹۳ روزنامه و مجله بزبان لهستانی - ۱۱۷ بزبان اوکرائنی روزنامه روتنی سفید ۱۶ روزنامه آلمانی ۱۱۹ روزنامه و مجله یهودی ۱۳۰ - عبری ۲۵ - روسی ۱۵ فرانسوی ۲۰ - انگلیسی ۶ - چک ۱ - لاتین ۱ - اسپرانتو ۱ - روزنامه‌های یومیه ۲۰۲ روزنامه بودند روزنامه‌ها و مجلاتی که گاه بگاه منتشر میشوند در ۲۰۸ شهر لهستان بچاپ میرسیدند و از اینقرار هم تقسیم میشدند.

روزنامه و مجله علمی ۳۴۸ - مذهبی ۲۶۲ - رسمی ۱۱۳ - ورزشی ۳۸ - برای جوانان کودکان ۲۱۹ - اقتصادی ۲۸۶ - برای زنان ۲۵ - برای هنرهای زیبا ۸۰ - نظامی ۱۹ و برای تشکیلات پیشه‌وری ۱۲۸ و غیره

گذشته از این ۱۴۶ روزنامه و مجله لهستانی نیز در کشورهای بیگانه منتشر میشوند روزنامه نویسان لهستانی با یکدیگر ائتلاف نموده و تشکیل انجمنی بنام «اتحادیه روزنامه نویسان لهستانی» را داده بودند و این انجمن عضو «اتحادیه بین‌المللی روزنامه نویسان جهان» بود.

همچنین در شهر ورشو آموزشگاه عالی روزنامه‌نگاری دیگری نیز وجود داشت که در آنجا هم تعلیم و پرورش روزنامه نویسی داده میشد.

اقتصاد لهستان



کشور لهستان دارای انواع و اقسام مواد اولیه از قبیل زغال سنگ و سنگ آهن و روی و مس و نفت و سنگ نمک و پتاس و سنگهای معدنی مانند بازالت و سنگ خارا و انواع فسفاتها و فسفریت و گازهای زیرزمینی میباشد. وجود چنین منابع ثروتی ناچار در پیشرفت و بسط صنایع و نیز فلاحات لهستان کمکهای مؤثری مینماید. قبل از سال ۱۹۳۹ کشور لهستان را باید کشوری نیمه صنعتی و نیمه فلاحتی دانست که فلاحات بر صنعت پیشی میگرفت ولی بمرور زمان صنعت در راه ترقی افتاد نزدیک بود جای خود را در ردیف اول حائز شود. در حقیقت باید گفت که کشور لهستان از حیث صنعت بیایه کشورهای معظم صنعتی نمرسید و در مدت صد و پنجاه سالی که در زیر یوغ بیگانگان بود از این حیث سیاست آنها را بخود مشغول داشته بود. این نکته را باید متوجه شد که در لهستان در قرن نوزدهم تغییرات فاحش اقتصادی که جنبه انقلابی داشت رویداد و باید گفت که در طی همین زمان است که قوای خالصه را ایجاد کننده اقتصادی در این کشور بتوسط دولتهای غالب بکلی ضعیف و چراغ آن خاموش شده بود.

در قسمتی که پروسیها بدان مسلط بودند اقتصاد کاملاً جنبه فلاحتی داشته و سیاست آندولت متوجه این قسمت از اقتصاد بوده است. ناحیه پوزنانی انبار گندم بزرگی برای دولت پروس شده بود تنها ناحیه در سیلزی علیا بود که بواسطه داشتن منابع سرشار مواد اولیه مانند زغال سنگ و آهن و روی و غیره اوضاع اقتصادی قدری

تغییر یافته و بیشتر جنبه صنعتی بخود گرفته بود و در همین ناحیه است که آلمانها در صدد بودند نژاد لهستانی را از میان برده ساکنین آنرا از آلمانیهای خالص تشکیل دهند.

در ناحیه متصرفی اتریشها که ساکنین لهستانی آن نسبتاً آزادی عمل داشته از سایر قسمتها اقتصادی ضعیف تر و عقب تر بود در این ناحیه اصولاً فلاحی اساس اقتصاد را تشکیل میداد و مجبور بود که مایحتاج محصول صنعتی خود را از محصولات صنعتی اتریش مرتفع سازد. تنها ماده اولیه‌ای که از این سرزمین استفاده میشد نفت بود از قسمت شرقی آن استخراج میکردید.

از میان سه قسمت متصرفی فقط ناحیه مرکزی لهستان یعنی قسمت روسها بود که صنایع بعد اعلای بسط و ترقی خود رسیده بود نواحی صنعتی ورشو و لدز و ناحیه معدنی دمبروا (Dombrowa) مشهور بودند. دوعلت را میتوان برای این موضوع متذکر شد.

۱- در فاصله میان سالهای ۱۸۱۵ و ۱۸۳۰ این قسمت از کشور شامل ناحیه مستقلى بود که باینکه در زیر نفوذ روسها قرار داشت معذلتك در امور داخلی خود بخصوص در امر اقتصاد مستقل و مختار بوده است. در تحت اداره عاقلانه و مدبرانه وزیر دارائی آلمان یعنی لوبتسکی (Lubecki) که بدون مبالغه باید ویرا « کلبر لهستان » نامید نقشه استخراج معادن زغال سنگ و ایجاد کارخانه‌های بافندگی ریخته شده و کشور را بسوی اقتصاد صنعتی سوق داد.

۲- قسمت متصرفی روسیه بستیکی کاملی بروسیه پهناور فلاحی داشت که ناچار بازار مناسب و خوبی برای محصولات صنعتی لهستان تشکیل میداد. ولی از زمانی که روسیه در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ وارد مرحله صنعتی گردید از بسط صنایع لهستان بتوسط حکومت تزاری بعنوان جلوگیری از رقابت با صنایع آن کشور ممانعت بعمل آمد.

بعلاوه سرزمینهای لهستان شرقی واقع میان مراکز صنعتی لهستان مرکزی و مراکز صنعتی روسیه کاملاً فلاحتی بوده و بواسطه موجود نبودن مواد اولیه معدنی نمیتوانست صنعتی باشد.

بدین ترتیب جای شکفت نیست که در سال ۱۹۲۱ فقط $۱۰,۳\%$ ساکنین زندگانی صنعتی و معدنی داشته و مابقی یعنی $۷۲,۳\%$ از طریق فلاح و کشاورزی زندگانی نمایند.

در مدت بیست سال استقلال تغییرات فاحشی در امور اقتصادی لهستان بظهور رسید. طبق آمار سال ۱۹۳۱ صدی چند ساکنین در قسمتهای مختلفه زندگی بدینقرار بوده است. $۶۰,۹\%$ در امور فلاح و کشاورزی. $۱۹,۴\%$ در کارخانهها و معادن. $۶,۱\%$ در بازرگانی و $۳,۶\%$ در وسائط حمل و نقل و ارتباط. $۲,۲\%$ در کارهای خدمات عمومی بانضمام خدمات مذهبی. $۱,۱\%$ در آموزش و پرورش. $۰,۹\%$ در بهداری و خدمات اجتماعی و $۴,۷\%$ در سایر مشاغل و کارها باوجود تغییرات اساسی که در فاصله سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۳۹ داده شد و باوجود ترمیم اوضاع مشاغل اهالی معذک اساس اقتصاد کشور لهستان بر روی فلاح استوار ماند مقایسه این اعداد. $۶۰,۹\%$ اشتغال ساکنین لهستان در امور فلاح و $۲۲,۷\%$ در سوئیس و $۲۰,۹\%$ در آلمان خود این موضوع را ثابت میدارد. چنین روش اقتصادی اثر قابل توجهی در بهای محصولات لهستان که مقدار آن در سال ۱۹۲۵ به ۱۹ میلیارد زلوتی (واحد پول لهستان) رسیده بود باقی گذاشت در حالیکه از آن بریتانیای کبیر بالغ بر ۸۳ میلیارد و آلمان بر ۱۱۵ میلیارد و فرانسه بر ۷۶ میلیارد و ایتالیا ۳۵ میلیارد بوده است.

این کشور بهای محصولاتشان از لهستان پائین تر بوده است - اسپانیا ۱۷ میلیارد رومانی ۱۱ میلیارد - هنگری ۷ میلیارد.

کشاورزی

طبق سرشماری سال ۱۹۳۱، ۲۷٫۲٪ از ساکنین لهستان در شهرها مابقی یعنی ۷۲٫۸٪ در دهات و قصبات زندگانی میکردند جمعیت نسبی لهستان در هر کیلومتر مربع ۹۰٫۷ میباشد بدین ترتیب بر بعضی از کشورها مانند فرانسه ۷۶ در هر کیلومتر مربع و یوگوسلاوی ۶۱ در هر کیلومتر مربع و رومانی ۶۶ در هر کیلومتر مربع و بسیاری دیگر برتری دارد. با وجود اینکه این جمعیت نسبی از انگلستان و آلمان (باستثنای بلژیک و هلند) کمتر است معذک و سبله ازدیاد نفوس را بدش از اندازه معمول و در نتیجه مهاجرتها فراهم آورده است.



زمینهای کنده در لهستان

طبق آمار سال ۱۹۳۱ املاک فلاحتی کوچک (کمتر از دویست هزار متر مربع)

۹۶٫۷٪ مجموع را شامل بوده ولی فقط ۶۲٫۵٪ اراضی حاصلخیز را تشکیل میداده است بدین واسطه دولت لهستان ناچار شد که در تقسیم اراضی بین زارعین و رعایا چاره‌ای اندیشیده و در ترمیم اوضاع فلاحتی کشور با اقداماتی مؤثر متوسل گردد. از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۹ مقدار ۲۶۵۴۷۰۰ متر مربع که متعلق بعلاکین بزرگ بوده است در میان ۱۷۳۴۱۰۰ زارع تقسیم شده است همین موضوع خود بزرگترین دلیل ترمیم اوضاع فلاحتی و کشاورزی در کشور لهستان بوده است.

تنها وسیله جلوگیری از زیادی گرفتن کارگران در دهات و قصبات و مزارع در نتیجه ممانعت از مهاجرت‌ها صنعتی شدن کشور میباشد که بدین طریق مازاد کارگران در مزارع بنواحی صنعتی و شهرها آمده بکار مشغول میشوند. فهرست زیر اندازه سطر فلاحت را در فاصله سالهای ۱۹۱۹ و ۱۹۳۸ در لهستان معین مینماید.

فزوننی جمعیت اراضی حاصلخیز از ۱۶۴۸۰۰۰۰ به ۱۷۶۹۹۰۰۰ متر مربع که بدین طریق محصولات فلاحتی روز بروز روبرقی و تزايد گذاشت. در طی این مدت محصول گندم از ۷۰۰۹۸۰۰ تن به ۷۲۰۳۴۰۰ تن و محصول سیب زمینی از ۳۱۷۴۹۸۰۰ تن به ۳۴۵۵۸۲۰۰ تن ترقی کرد.

مهمترین محصول فلاحتی لهستان در سال ۱۹۳۹ بدینقرار بود - جو (۱۴٫۶٪ محصول دنیا) سیب زمینی (۱۴٫۲٪ محصول دنیا) گندم و جو دوسر. در لهستان تمایل شدیدی بزیاد کردن گیاههای صنعتی مانند کتان و چغندر و شاهدانه و توتون و گیاههای روغن دار بوده است.

تربیت حیوانات

کشور لهستان اصولاً برای تربیت حیوانات و چارپایان بسیار مساعد است طبق آمار سال ۱۹۳۱ وسعت مراتع و چراگاهها ۱۷٪ وسعت این کشور را شامل بوده است. در سالهای اخیر قبل از جنگ دوم بین‌المللی محصول علوفه لهستان بطور قابل

حلاحظه‌ای در ترقی بوده است .

شماره اسبها در سال ۱۹۳۹ بالغ بر ۳۹۱۶۰۰۰ بوده که برای خدمات فلاحتی بکار میرفته . سواره نظام لهستانی در طی تاریخ مشهور آفاق بوده است . در صورتیکه اتحاد جماهیر شوروی را استثناء نمائیم لهستان بیش از سایر کشورهای اروپائی دارای اسب میباشد . (بیش از آلمان ، فرانسه ، و عرب) .



گله‌های گوسمند در کوه‌های لهستان

در سال ۱۹۳۸ لهستان دارای ۴۰۰۰ ۱۰۵ چارپا بوده است که از این حیث باستانهای روسیه درجه سوم را در اروپا حائز بوده است . شماره چارپایان بست جمعیت در لهستان فوق‌العاده بیش از ایران میباشد . از حیث تربیت حوك لهستان در مرتبه دوم می‌باشد (۷۵۲۵۰۰۰ رأس) (باستانهای روسیه) .

بنابر این مشاهده میشود که کشور لهستان از حیث شماره اسب و حوك و گاو و گوسفند و بز مقام مهمی را در دنیا حائز است . از حیث شماره گوسفند (۳۴۱۱۰۰۰)

رأس در ۱۹۳۸) فوق‌العاده کمتر از ایران میباشد و زحمات و اقداماتی که در طی سالهای زمان استقلال برای ترقی دادن محصول پشم برای کارخانه‌های بافندگی کشیده شد بموفقیت‌های منتظره نتیجه و منجر نشد چنانکه شماره بز در سال ۱۹۳۸ از ۴۲۰۰۰۰ رأس تجاوز ننمود.

اقتصاد جنگل

کشور لهستان دارای منابع سرشار و ثروت هنگفتی از حیث محصولات جنگلی میباشد که در اقتصاد آن عمل عمده‌ای را بعهده دارد. در سال ۱۹۳۷ وسعت جنگلهای لهستان بالغ بر ۸۶۲۴۰۰۰ هکتار بوده است که مرتبه پنجم را پس از فنلاند و سوئد و آلمان و فرانسه دارا میباشد این وسعت ۲۲٫۲٪ تمام مساحت کشور را شامل میشود از این حیث لهستان از بعضی کشورهای اروپائی مانند آلمان که با وجود صنعتی بودن آن ۲۷٫۵٪ وسعت آنرا شامل است عقب‌تر میباشد. با این تفصیل لهستان در بازارهای اروپائی یکی از مهمترین کشورهای صادر کننده چوب میباشد بیشتر از جنگلهای لهستان املاک شخصی بوده. فقط ۳۹٪ آن متعلق بدولت میباشد جنگلهای دولتی از حیث آبادی و وسعت از جنگلهای شخصی مهمتر و برتر میباشد در روی همین اصل دولت برای جلوگیری از برافتادن و خرابشدن جنگلها بمنظور منافع عمومی قوانینی وضع و دست اشخاص را در این قسمت کوتاه کرده است.

در جریان جنگ اخیر مهاجمین با وضعی اسفناک و وحشیانه در برانداختن و خرابکردن جنگلهای لهستان از هیچگونه کاری خودداری نکرده اند مقدار درختی که بدست آلمانیها افتاده است فوق‌العاده زیاده‌تر از آن مقداری است که قبل از جنگ در طی سالهای متمادی از میان رفته است. پس از جنگ دولت لهستان مجبور است با اقداماتی متوسل شود تا جبران خسارات آلمانیها شده و مقام این کشور را در صادرات چوب قبل از جنگ برسد.

صنعت استخراج معادن

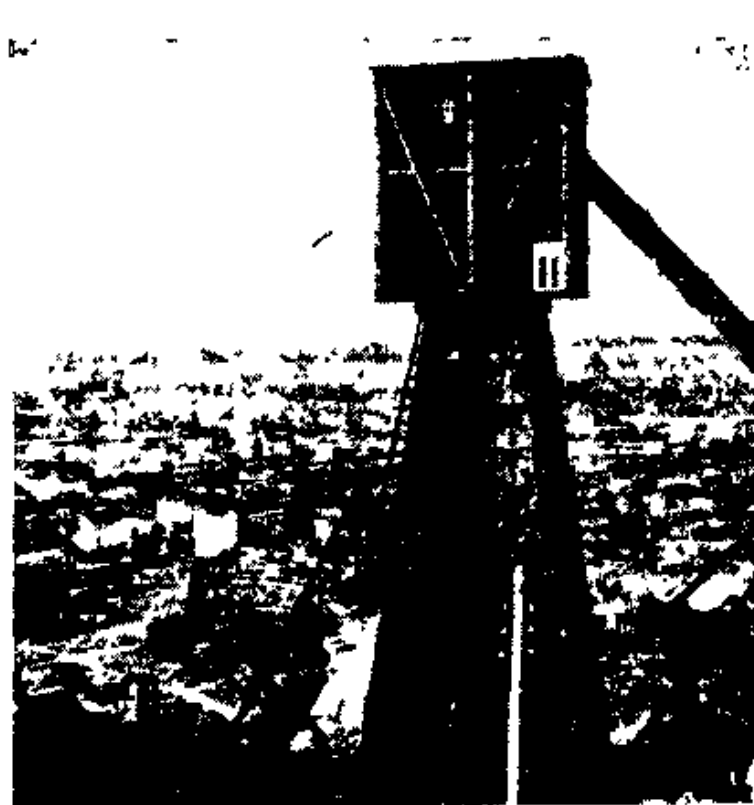
وجود منابع سرشار مواد اولیه معدنی در لهستان باعث شده است که این کشور با قدمهای سریع بجانب بسط و ترقی صنعت و استخراج معادن برود. بیش از هر چیز استخراج ذغال سنگ در لهستان دارای اهمیت میباشد در سال ۱۹۳۸ مقدار ۳۸,۱ میلیون تن ذغال سنگ از معادن لهستان استخراج شد که با این مقدار این کشور را در ردیف بزرگترین کشورهای ذغال خیز اروپا قرار میدهد. بعلاوه لهستان دارای مقدار معتناهی ذغال سنگ مگلس میباشد.

معادن ذغال سنگ لهستان در سه ناحیه بدین قرار میباشد: حوزه سیلزی، حوزه دمبروا و حوزه کراکوو که مربوط است بحوزه پولونو - سیلزو - موراوی مهمترین این سه حوزه ها ناحیه سیلزی میباشد که از حیث اهمیت بردو ناحیه دمبروا (درجه دوم) و کراکوو تفوق دارد. حوزه کراکوو با اینکه از دو حوزه دیگر کم اهمیت تر است ولی بنظر می آید که آینده درخشانی داشته باشد.

ذغال سنگ لهستان اصولاً از حیث جنس بسیار عالی و کاربن آت زیاد و خاکسترش بسیار کم میباشد. مقدار حرارت آن از حد متوسط ۶۲۰۰ تا ۷۴۰۰ کالری تغییر میکند و بهمین واسطه است که ذغال سنگ لهستان در بازارهای بین المللی با سایر ذغال سنگ های دیگر رقابت کرده و مشتری زیاد دارد در مدت بیست سال ذغال سنگ لهستان بخصوص در بازارهای کشورهای اسکاندیناوی و اروپای مرکزی و جنوبی و باختری بر سایر ذغال سنگ ها تفوق و برتری داشته و با آنها رقابت میکرده است در سال ۱۹۳۸ صادرات ذغال سنگ لهستان به ۱۱,۷ میلیون تن رسید. استخراج ذغال سنگ در لهستان و معادن آن عموماً در دست دولت و مقدار بسیار کم آن در اختیار شرکت های خصوصی میباشد و بهمین واسطه است که روز بروز بر اهمیت آن افزوده میشود. در لهستان معادن آهن بطور کلی کمیاب میباشد ولی این مقداری هم که موجود است در صنایع

فلزکاری این کشور کمکهای شایانی مینماید مقدار محصول سنک آهن که از داخله کشور استخراج میشود و بکار صنایع فلزکاری میخورد و نیز مقداری که از خارج وارد میشود در هر سال تغییر میکند قبل از سال ۱۹۳۹ مقدار سنک آهن وارده در لهستان ۴۳٪ و مقدار استخراجی داخلی ۵۷٪ بوده است.

مرکز اصلی استخراج سنک آهن در لهستان در ناحیه وی یلون (Wielun) در اطراف چنستوخوا میباشد در طی مدت استقلال استخراج آهن بطور قابل ملاحظه ای رو فزونی گذاشت در سال ۱۹۳۸ مقدار آن ۸۷۲۰۰۰ تن رسید در حالیکه در سال ۱۹۱۳ فقط مقدار آن ۴۹۳۰۰۰ تن بوده است با وجود استخراج این مقدار لهستان مجبور بوده است که مقدار زیادی آهن از خارج بخصوص از سوئد و اتحاد جماهیر شوروی و افریقای شمالی وارد نماید. در لهستان در ناحیه سیلزی و کلیتسه (Kielce) معادن سی شماری روی و سرب وجود دارد ولی متأسفانه بواسطه اینکه



مقدار فلز معادن مزبور بسیار قلیل است و استخراج آن صرف نمیکند چندان مورد توجه و مشر ثمر واقع نشده است بهمین واسطه است که معادن داخلی روی و سرب نمیتواند احتیاجات کارخانه ها را رفع نماید در سال ۱۹۳۰ مقدار محصول روی بالغ بر ۴۹۸۰۰۰ تن و سرب بالغ بر ۴۴۰۰۰ تن بوده است.

کان نفت «بوریسلاو» در لهستان

لهستان یکی از کشورهای اروپائی است که در آن معادن نفت وجود دارد

صنایع نفتی در این کشور از هر حیث کامل است لهستان از حیث احتیاجات نفتی اتکاء کامل بخود دارد .

در سال ۱۸۵۶ در لهستان اولین بار باستخراج معادن نفت دست زدند قبل از جنگ ۱۹۳۹ در لهستان سه حوزه نفت بدینقرار وجود داشت . ۱ - ناحیه دروخوبیچ (Drohobycz) که شامل نواحی بوریسلاو و توستانوویستسه (Tustanowice) مراژنیتسا (Mraznica) نیز نامیده میشود است . ۲ - ناحیه یاسلو (Jaslo) ۳ - ناحیه استانیسلاوو (Stanislawow) مهمترین این حوزه ها حوزه دروخوبیچ (Drohobycz) میباشد ولی نکت نفت آن بتدریج محسوس میشود در حالیکه بعضی منابع نفتی حوزه یاسلو روز بروز بر مقدار آن افزوده میشود است .

در سال ۱۹۳۸ مقدار محصول نفت این سه حوزه بالغ بر ۵۰۷۰۰۰ تن بوده است . نفت خام بطور کلی در کارخانه های تصفیه داخلی تصفیه و آماده میشود است و همین امر بر منافع و اهمیت نفت این کشور می افزاید . شماره کارخانه های تصفیه ۳۷ میباشد که سی و دو تای آن در حال عمل میباشد و مقدار نفتی که در کارخانه های مربوط تصفیه و تقطیر میشود بالغ بر ۱۲۰۰۰۰۰ تن بوده است .

در لهستان بعلاوه چشمه های گازهای زیرزمینی فراوانی وجود دارد ولی در سال ۱۹۳۹ فقط مقدار بسیار قلبلی از این چشمه ها کشف و بکار انداخته شده مقدار مصرف گاز در لهستان در سالهای اخیر قبل از جنگ (۱۹۳۰) ۴۹۰ میلیون متر مکعب حد متوسط در سال بوده که با ۵۰ مصرف ذغال سنگ تطبیق میسرده است .

محصول گازلین در لهستان در ۱۹۳۷ بیش از ۳۹۰۰۰ تن بوده است که بیشتر آن از ناحیه دروخوبیچ استخراج میشود . برای تقسیم گاز علاوه بر لوله های اطراف چشمه لوله هایی نیز بجاهای بسیار دور کشیده شده است . صنایع نفتی لهستان بیابانهای نفتی کشورهای متحده امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و ایران که مقام اول را از این حیث در دنیا دارند نمیرسد ولی با این تفصیل از نظر رفع احتیاجات داخلی بسیار مفید

و حتی مقداری از آن بخارج حمل میشود چنانکه در سال ۱۹۳۷ مقدار $\frac{۲۴}{۷}$ از مجموع مقدار مستخرجه بخارج صادر گردید در آینده باید منتظر بود که با ترقی کارخانجات و استعمال ماشینها در امور فلاحی کشور لهستان از ردیف صادر کنندگان نفت خارج خواهد شد و شاید روزی برسد که احتیاج بوارد کردن آن نیز داشته باشد استخراج معادن نمک در لهستان از قرون دهم و یازدهم میلادی و بلکه پیش از آن شروع شده است صنعت استخراج نمک از ۱۵۰ سال پیش باین طرف شروع شده است . مقدار محصول نمک در سال ۱۹۳۸ بالغ بر ۶۴۳۰۰۰ تن بوده در حالیکه قبل از جنگ گذشته فوق العاده کمتر از این مقدار میباشد . لهستان احتیاجات داخلی خود را از حیث نمک رفع میکند ولی صادرات آن بسیار قلیل میباشد .

صنایع نمکهای پتاسی (کودهای پتاسی) پس از جنگ ۱۹۱۴ روز بروز در لهستان رو بفرزونی رفته است چنانکه اگر در سال ۱۹۱۳ مقدار آن ۱۴۰۰۰ تن بوده در سال ۱۹۳۸ این مقدار به ۵۶۷۰۰۰ تن رسیده است مواد نمکی بطور کلی مانند کودهای شیمیائی در کشاورزی بکار میرود و مقداری از آن نیز بخارج حمل میشود در ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ محصول اکسید دو پتاس خالص ۵۸۶۷۸ تن بوده که ۳۲۰۸۷ تن آن برای احتیاجات داخلی مصرف شد و مابقی بخارج حمل گردید . در استخراج نمک نیز دولت دخالت تام داشته است .

فلز کاری و ذوب فلزات

ذوب فلزات يك رشته مهم صنایع سنگین لهستان را تشکیل میدهد . فلز کاری لهستان بواسطه نه کارخانه که دارای نوزده کارخانه ذوب بوده اداره میشود است در سال ۱۹۳۷ چهارده کارخانه ذوب بکار مشغول بودند محصول آهن خام در سال ۱۹۳۸ از ۸۷۹۰۰۰ تن تجاوز میکرده است محصول فولاد فوق العاده بیش از این مقدار بوده چنانکه در سال ۱۹۳۸ بیش از ۱۴۴۱۰۰۰ تن محصول داشته است کارخانه های فولاد سازی لهستان

دارای ۵۵ کوره از نوع مارتن و ۱۲ کوره الکتریک بوده است. در سال ۱۹۳۷ چهار و شش کوره مارتن و تمام کوره‌های الکتریک در فعالیت بوده‌اند.

مقدار آهن مستخرجه از کارخانه‌ها و کوره‌ها رفع احتیاجات داخلی را نموده و مازاد آن به‌خارج صادر می‌شده است بدین‌قرار در سال ۱۹۳۷ مقدار محصول داخلی ۸/ و مقدار صادر شده ۲۰/ بوده است.

کشور لهستان یکی از بزرگ‌ترین و مهمترین کشورهای حاصل **صنایع روی و سرب** کننده روی در اروپا می‌باشد. در سال ۱۹۳۸ در این کشور



۱۰۸۰۰۰ تن روی استخراج شده است در سال ۱۹۳۴ لهستان از حیث استخراج این فلز درجه پنجم را در میان کشورهای استخراج کننده دنیا داشته است. و بالعکس صنعت و محصول سرب در لهستان چندان مهم نیست و مقدار آن در سال ۱۹۳۸ برابر ۲۰۰۰۰ تن بوده است.

صنایع فلز کاری در سلیزی

صنایع فلز کاری در لهستان فوق‌العاده رواج داشته است و کارخانه‌های آن از ماشینهای بسیار سنگین تا اشیاء ظریفه

و لوکس بیرون میداده است بطور کلی هشتاد درصد کارخانه‌های فلز کاری در لهستان بوسیله سرمایه‌های داخلی و از مواد اولیه خود کشور اداره شده و بکار مشغولند. تنها

بعضی فلزات مانند مس و نیکل و مفرغ و آلومینیوم از خارج وارد میشود کارخانه عموماً در استانهای ورشو و سیلزی و پوزنانی و لدز و کراکو و پومرانی متمرکز میباشند کیلتسه طبق آمار سال ۱۹۳۷ (۳۱ دسامبر) ۱۵۱۸۷۰ نفر کارگر در کارهای فلز کاری بکار مشغول بوده اند.

محصول کارخانه های فلز کاری لهستان عبارتند از: تبغه های از روی و صفحات فولادی و حلبی و انواع و اقسام آلات و ابزار و سیمهای آهنی و میخ و پیچ و میخ پرچین شده و غیره و بخصوص باید ماشینها و آلات و ابزار و فولادی محصول کارخانه های فلز کاری لهستان را در اینجا متذکر شد مواد فلزی اصلی که از لهستان صادر میشوند عبارتند از: رایل و لوله های آهنی در سال ۱۹۳۷ این کشور مقدار ۳۶۰۰۰۰۰ زلوتی رایل بایران صادر نمود. (ارزش يك زلوتی لهستانی در حدود ۲۰ ریال ایران است).

صنایع الکتریکی صنایع الکتریکی پس از جنگ ۱۹۱۴ روز بروز روبه پیشرفت نهاد مرکز اصلی آن در ورشو میباشد در لدز و پوزنانی و لور و کراکو و کاتوو و بیره کارخانه های نسبتاً غیر مهم وجود دارد کارخانه های صنایع الکتریکی لهستان ماشینهای الکتریکی و ترانسفورماتور و کابل و لامپ و غیره می ساخته است.

در لهستان صنایع رادیو تکنیک با صنایع الکتریکی هم قدم بوده و ماشینهای گیرنده و رادیو و قطعات برای عوض کردن ساخته می شده است. در سالهای اخیر قسمتهای الکتر تکنیک برای اتومبیل نیز ساخته میشد و این محصول با اندازه ای رو بترقی میرفته است که نه تنها احتیاجات داخلی را مرتفع میساخت بلکه بتدریج شروع برفتن در بازارهای خارجی نیز کرده بود.

صنعت بافندگی

مراکز اصلی کارخانه های بافندگی لهستان در لدز و اطراف آن و بیالستوک

ویلسکو و اطراف آن و در سیلزی میباشد مرکز صنعتی لذمهمترین مراکز صنعتی بافندگی لهستان میباشد که در این ناحیه تمام کارخانه‌های بافندگی پنبه‌ای و پشمی تمرکز دارند. در لذنیز کارخانه‌های انواع کلاه‌های مردانه و زنانه و پارچه‌های پنبه‌ای نیز وجود دارد در بیالستوک بیشتر ملافه‌های کتانی و انواع پارچه‌های کم قیمت بافته میشود و محصول کارخانه‌های ویلسکو بیشتر پارچه پشمی و پارچه بهادر میباشد صنایع بافندگی لهستان یکی از اقلام مهم اقتصاد این کشور را شامل میشود و بیشتر کارگران کارخانه‌ها در بافندگی بکار مشغولند. مقدار محصول کارخانه‌های مزبور از حیث قیمت بالغ ۱٫۴ میلیارد زلوتی در هر سال بوده است.

طبق آمار ۳۱ دسامبر ۱۹۳۷ بالغ بر ۱۴۵۸۴۴ نفر کارگر در کارخانه‌ها و کارگاه‌های بافندگی لهستان بکار مشغول بوده‌اند.

اساس صنعت بافندگی در لهستان بیشتر در روی مواد اولیه‌ای که از خارج از کشور وارد میشود بنا نهاده شده است پنبه و بعد پشم بیش از سایر مواد مورد احتیاج است در سالهای اخیر در لهستان ذی نفعان در صدد بودند بلکه بتوانند کاری کنند مواد مصنوعی بجای مواد اولیه طبیعی که از خارج وارد میشود بکار برده شود تا اینکه در سال ۱۹۳۷ ماده‌ای بشکل پنبه اختراع شد که از الیاف کتان و شاهدانه بدست می‌آمد این اختراع بتدریج در بعضی از کارخانه‌ها مورد آزمایش گذاشته شد تا سرانجام عملی و بطور اکمل بکار افتاد. در اوت سال ۱۹۳۸ کارخانه‌ای در لذز برای بکار بردن این الیاف پنبه مصنوعی ایجاد گردید بعلاوه در پایبانیته (Pabjanice) کارخانه دیگری برای مورد استفاده قرار دادن الیافی مصنوعی که از کازئین درست شده بود تأسیس گردید. باتمام این تفصیل در صورتیکه در آینده لهستان بخواهد بکارخانه‌ای بافندگی خود ترقی دهد مجبور است مقدار معتنا بهی مواد اولیه خام طبیعی برای کارهای بافندگی خود از خارج وارد کند.

شماره‌شانه‌های کارخانه‌های بافندگی پارچه‌های پنبه‌ای در لهستان ۴۴۶ هزار

و شماره شانه‌های کارخانه‌های بافندگی پشمی ۱۳۰۷ هزار و شماره دوکها در کارخانه‌های پنبه‌ای ۱۹۰۰۰۰۰ و در کارخانه‌های پشمی ۸۰۰ هزار میباشد .

صنعت بافندگی کتان هندی و کنف در چنستوخودا و بیلسک متمرکز شده بود و این شعبه مهمی از صنایع بافندگی لهستان را تشکیل میداد .

کارخانه‌های بافندگی پارچه‌های کتان بزرگ و ژیراردو (Zyrardow) (پس از ورشو) و بیلسک دارای ۳۷ هزار دوک و ۱۷۰۰ شانه میباشد بافندگی پارچه‌های ابریشمی (۲۴۰۰ شانه) و کارخانه‌های جوراب بافی و توربافی و بردری و نخ ریزی در لهستان نیز معمول است . مقدار محصول جورابه‌ای ابریشمی در سال از ۱۶ میلیون جفت تجاوز میکرده است .

کشور لهستان مقدار معتناهی از محصول بافندگی خود را صادر مینماید که از این میان باید پارچه‌های پشمی و پنبه‌ای و کتانی و تور و روبان را باید نامبرد .

صنعت شیمیائی

محصول صنعتی شیمیائی لهستان فوق‌العاده متغیر و عبارتند از : کودهای مصنوعی مواد رنگی ، دواجات ، عطریات و انواع و اقسام آسیدها و نمکها و بالاخره اقسام مواد مصنوعی که ممکن است بجای مواد طبیعی بکار برده شود . مجموع قیمت مواد شیمیائی ساخته شده در لهستان در سال ۱۹۳۷ بالغ بر ۹۰۰ میلیون زلوتی می شده است در جریان هشت سال اخیر قبل از سال ۱۹۳۹ مجموع قیمت مواد شیمیائی ساخته شده در این کشور از دو برابر نیز تجاوز کرده و بنظر میآمده که اندازه آن روزافزون بوده است چنانکه سابقاً تذکر داده شد کشور لهستان از حیث مواد اولیه شیمیائی فوق‌العاده ثروتمند میباشد بخصوص که کشف منابع « پیریت » محصول آسید سولفوریک را که اساس تمام مواد شیمیائی می باشد بیش از حد معمول زیاد کرده و کشور را از وارد کردن از خارج بی نیاز نموده است .

کارخانه‌های شیمائی لهستان بیشتر در سیلزی علیا و در حوزه دمبروا و کراکوو و بالاخره در ناحیه ورشو و لدز متمرکز میباشد طبق آمارهای مخصوص شماره کارگران این کارخانه‌ها در اول ژانویه ۱۹۳۸ (در کارخانه‌هایی که بیش از ۲۰ نفر کارگر داشته است) ۴۴۶۰۰ بوده است.

لهستان مواد شیمیائی را هم وارد میکند و هم صادر مواد ورودی بیشتر عبارتند از کائوچو و کاربید و چسب و مواد برای تقطیر چوب و غیره.

صنعت کاغذ سازی

محصول این کارخانه‌ها عبارتند از: الیاف چوب و سلولوز و مقوا، صنعت کاغذ سازی در لهستان بواسطه موجود بودن مواد اولیه آن در داخله کشور آینده درخشانی را بخود میدهد بهمین واسطه بوده است که قبل از سال ۱۹۳۹ در لهستان چهار کارخانه سلولوز سازی و هیجده کارخانه مقوا سازی از چوب و هشت کارخانه مقوا سازی از مواد خام و هفت کارخانه کاغذ سازی بکار مشغول بوده‌اند.

بسیاری دیگر از این کارخانه‌ها بخصوص کاغذ سازی و سلولوز سازی در دست ایجاد بودند. محصول کارخانه‌های مزبور یکی از اقلام صادراتی کشور را شامل میشده است.

صنعت مواد معدنی ساختمانی

صنعت مواد معدنی ساختمانی ارتباط کامل با احتیاجات ساختمانی این کشور داشته است هر چه بیشتر ساختمان بناها عطف توجه میشد این صنعت بیشتر رونق می‌یافت و پیشرفت می‌یافت. مهمترین این محصول عبارتند از: سیمان آهک شیشه آجر و غیره کارخانه‌های مخصوص این کار بواسطه وجود منابع اولیه آن در همه جا در سراسر کشور پراکنده‌اند. کارخانه‌های سیمان بخصوص در اطراف حوزه دمبروا و آهک

در ناحیه کیلتز متمرکزند . در میان محصول کارخانه‌های مزبور انواع آجرها و سیمان پورتلند و چینی و بلور آلات را باید متذکر شد .

صنعت چوب

کارخانه‌های بزرگ‌اره کشی و تخته‌سازی و مبل‌سازی چندی در لهستان وجود دارد کارخانه‌های اره‌کشی در تمام کشور پراکنده‌اند در حالیکه تخته‌سازی و مبل‌سازی بیشتر در نواحی خاوری متمرکز شده‌اند . صادرات چوب یکی از مهمترین مواد اقتصادی لهستان را شامل است .

تخته و موبلهای خم کرده بخصوص بانگلیس و آرژانتین و سایر کشورهای دیگر حمل میشود .

پوست‌سازی

صنعت دباغی در لهستان فوق‌العاده رائج و بیش از سیصد کارخانه دباغی در این کشور وجود دارد محصول این کارخانه کاملاً رفع احتیاجات داخلی را مینماید . قبل از جنگ کنونی صنعت دباغی و بخصوص تهیه پوست‌های نرم روز بروز رو به توسعه میرفت و مقدار زیادی پوست و چرم بخارج میفرستاد .

صنعت مواد غذایی

صنعت مواد غذایی ارتباط و بستگی کامل با محصول فلاحتی کشور لهستان دارد بالغ بر ۹۳۰۰ بنگاه مانند آسیاها و نانوائیها و کارخانه‌های قند سازی و کنسرو سازی و تهیه مشروبات الکلی دیگر با ۹۸ هزار کارگر تهیه مواد غذایی مشغول بودند . این صنایع بیشتر در نواحی غربی کشور یعنی در نواحی که فلاحت بعد اکثر ترقی خود رسیده متداول بود .

صنعت ساختمان

پنجاه و سه هزار کارگر در دو هزار بنگاه ساختمانی بکار مشغول بودند در سالهای قبل از ۱۹۳۹ در لهستان امر ساختمان بحد اعلای ترقی خود رسیده بود چنانکه در ۱۹۳۷ دوازده هزار خانه که شامل صد هزار اتاق بود و نیز ۲۷۰۰ بنای دیگر در سراسر کشور ساخته شد. در همین سال بود که نقشه ۱۸۰۰۰ خانه دیگر در بسیاری از شهرها کشیده و بمرحله عمل گذاشته شد.

صنعت چاپ

این صنعت بیشتر در شهرهای بزرگ رواج داشته و شامل ۷۰۰ بنگاه و ۱۶۰۰۰ کارگر بوده و شعبات مختلفه این صنعت عبارتند از: چاپخانه های حروفی و سنگی و کلیشه و صحافی در سال ۱۹۳۸ در حدود ۹ میلیون کتاب و ۲۹۰۰ روزنامه و مجله در لهستان بچاپ رسید.

ناحیه مرکزی صنعتی

برای عملی ساختن تغییرات اساسی اقتصادی در خصوص صنعتی کردن کشور و در عین حال نیرومند ساختن قدرت دفاعی آن دولت لهستان نقشه عظیمی برای ایجاد يك ناحیه صنعتی مرکزی در نواحی مرکزی کشور کشیده بود. عملی شدن این نقشه که مدت زمانی وقت لازم داشت بتوسط شروع جنگ در سال ۱۹۳۹ بحال وقفه باقی ماند. با این تفصیل از نظر اهمیت موضوع و بجا وجود وقفه در کار بی مناسبت نیست که در این خصوص اطلاعاتی بخوانندگان محترم داده شود: مساحت این ناحیه مرکزی صنعتی ۵۰۰۰۰ کیلومتر مربع یعنی يك هفتم تمام مساحت کشور در نظر گرفته شده بود. این ناحیه جدید شامل شهرهایی مانند رادوم کیلتز و استرویتز ولوین تارنو و

ژشوو و پشمیشی و نووی سونچ می‌شد اینقسمت از اراضی دارای منابع اولیه سرشاری بود این نقشه در نظر داشت که معادن استخراج شده و برشته‌های راه آهن و خطوط شوسه اضافه شود ایجاد کارخانه‌های جدید که با گاز و الکتریسته بکار می‌افتادند در نظر گرفته شده بود. يك قسمت از این نقشه بمورد عمل و اجرا گذاشته شد بعضی از کارخانه‌های فلز کاری برای فولاد سازی در استالواولا (Stalowa Wola) که بزودی بناحیه‌ای صنعتی و شهری بزرگ تبدیل شد بکار افتاد. در نیدومیتسه (Niedomice) در ۱۰ کیلو متری موسچیتسه (Moscice) (مرکز مهم صنایع شیمیائی) کارخانه بزرگی برای سلولوز از نوع بسیار خوب ایجاد گردید در دمبیتسه (Dembica) يك کارخانه کائوچو سازی مصنوعی برای لاستیک اتومبیل بکار افتاد که اگر بکار خود ادامه میداد کشور را از احتیاج بخارج بی‌نیاز می‌نمود.

در ناحیه ژشوو (Rzeszow) بنگاههای فلز کاری و کارخانه بزرگ ساختمان موتورهای برای انفجار تأسیس شد در همین موقع بود که گاز در بحرکت افتادن موتورهای کارخانه‌ها بکار افتاده شد در ژرنوو (Roznow) سدی در جلوی رودخانه کشیده شد و در استالواولا و ژرنوو و کارخانه‌های الکتریسته بکار افتادند. عملی شدن نقشه صنعتی کردن ناحیه فوق الذکر خود بزرگترین دلیل قابلیت و استعداد ملت لهستان در صنعت و امور اقتصادی میباشد.

مشاغل و پیشه

با وجود رقابت صنعتی که در لهستان رائج است معذلك پیشه و مشاغل دیگر که بیشتر آنها از قدیم الایام مخصوص ملت لهستان بوده عمل عمده‌ای را در تمام شئون زندگی بعهده دارد و شماره کارگران این مشاغل از نظر احتیاجات زیاد بطور قابل ملاحظه‌ای زیاد میباشد.

در سال ۱۹۳۷ طبق اطلاعاتی که از طرف بنگاههای مشاغل منتشر شده شماره

دکاکین به ۳۷۳۵۰۰ میرسیده است که $\frac{۵۰}{۱۰۰}$ آن به چهار پیشه و شغل بدینقرار تخصیص داشته - کفاشی ، خیاطی ، قصایی و آهنگری
تجاری و انوائی و سلمانی و بنائی $\frac{۲۵}{۱۰۰}$ دکاکین دیگر را شامل می شده است
 $\frac{۲۵}{۱۰۰}$ دیگر بسایر مشاغل و پیشه ها تخصیص داده میشود .

بازرگانی خارجی

در سال ۱۹۳۸ مجموع قیمت واردات و صادرات بازرگانی خارجی لهستان به ۲۴۸۵ ملیون زلوتی بالغ می شده است با مقایسه با بازرگانی سایر کشورهای اروپائی این مقدار بسیار کم بنظر می آید زیرا در همین سال مقدار صادرات و واردات بریتانیای کبیر به ۳۳۱۰۰ ملیون و آلمان به ۲۴۷۰۰ ملیون و فرانسه ۱۱۶۰۰ ملیون رسیده بود ولی لهستان از بعضی از کشورهای دیگر اروپائی مانند یوگوسلاوی و رومانی و هنگری و غیره از این حیث جلوتر بوده است .

بازرگانی خارجی لهستان ارتباط کامل با جریان سیاست اقتصادی بین المللی دارد قبل از بحران سال ۱۹۲۸ مقدار آن بسیار زیادتر بوده است . شرکت دولت لهستان در داد و ستد و بازرگانی بین المللی $\frac{۱}{۱۰}$ را شامل بوده در حالیکه از آن انگلیس $\frac{۴۳٫۹}{۱۰۰}$ و کشورهای متحده آمریکا $\frac{۱۰٫۷}{۱۰۰}$ و آلمان $\frac{۱۰٫۱}{۱۰۰}$ و چکوسلواکی $\frac{۱۰٫۴}{۱۰۰}$ میباشد .

مهمترین کالای صادراتی لهستان عبارتند از - زغال سنگ چوب محصول چوبی خوک و انواع مواد کوشنی و روی و فولاد و آهن و انواع پارچه ها و قند و کودهای شیمیائی و رایل .

کالاهای وارداتی عبارتند از - انواع ماشینها و ماشینهای الکتریکی و پنبه خام و سنگ آهن و مواد شیمیائی دواجات و توتون و مبهو خشک و انواع پوستهای نرم و گیاههای روغن دار و کائوچو و قهوه و چای و غیره .

چنانکه ملاحظه میشود کشور لهستان مقداری از کالای وارداتی خود را از ایران میبرد و نیز کشور ایران در مقابل از لهستان استفاده بازرگانی کرده و کالاهائی از این کشور خارج مینماید. در آینده جای امید است که برداشته این ارتباط وسعت زیادی داده شده بیش از پیش بر نزدیکی آنها بیفزاید.

کشور لهستان با شرایط بسیار مناسبی که در پیش است میتواند از ایران پنبه ویشم برای کارخانههای بافندگی و انواع و اقسام چرم برای کارخانههای دباغی و صمغ (آدراکاند) و توتون و برنج و میوههای خشک برای احتیاجات داخلی خود از ایران تهیه نماید. در تحت همین شرائط مناسب لهستان به ایران اجناسی از قبیل پارچه، اجناس لوکس، ماشین، اشیاء تجملی که از فلز ساخته شده بودند، قند، خط آهن، کاغذ، و غیره تحویل نماید.

این نکته را باید متوجه شد که فاصله زیاد میان دو کشور ایران و لهستان بهیچوجه مانع از آن نخواهد بود که این دو کشور بایکدیگر در ارتباط بازرگانی باشند زیرا لهستان مواد اولیه مورد احتیاج صنایع بافندگی خود را از استرالیا و آمریکا وارد میکرد و همچنین ایران لباس و ماشین از آلمان و قند از بلژیک وارد میکرد. در بازرگانی خارجی کشور لهستان بیشتر ارتباطش با کشورهای اروپائی بخصوص انگلیس و آلمان میباشد. روابط بازرگانی این کشور با آسیا بسیار ضعیف است فقط از میان کشورهای این قاره هندوستان دارای اهمیت میباشد. لهستان در درجه سوم پس از انگلیس و آلمان با کشورهای متحده آمریکای شمالی در داد و ستد تجارتی میباشد. از میان کشورهای آمریکای جنوبی تنها کشور آرژانتین است که نسبتاً بالهستان در عمل بازرگانی میباشد.

در خصوص واردات این کشورها درجه اول اهمیت را دارا میباشند - آلمان ۲۳٪ انگلیس ۱۴٪ و کشورهای متحده آمریکای شمالی بیش از ۱۲٪ برای صادرات لهستان نیز بدینقرار باید متذکر شد - آلمان ۲۴٪ انگلیس ۱۸٫۲٪ کشورهای

متحدہ آمریکای شمالی. ۵۳٪.

بازرگانی لهستان با ایران قبل از سال ۱۹۳۹ نسبتاً ضعیف و بزحت بچندین هزار زلوتی در میان سالهای ۱۹۳۵ و ۱۹۳۷ میرسید.

واردات به لهستان	سال	واردات بایران
۶۰۲۰۰۰	۱۹۳۵	۳۸۷۹۰۰۰
۹۹۳۰۰۰	۱۹۳۶	۲۲۲۶۰۰۰
۶۷۷۰۰۰	۱۹۳۷	۵۳۱۹۰۰۰

لهستان بایران مواد و محصولات صنعتی مانند کاغذ و انواع پارچه‌ها و ماشینهای بافندگی و تراورس برای راه آهن و اشیاء آهنی می فروخت از ایران میوه جات خشک و توتون و پوست و فرش حمل میشد.

روابط بازرگانی میان ایران و لهستان طبق مفاد معاهده‌ای بازرگانی که در ۱۹ مارس ۱۹۲۷ در تهران باامضاء رسید در جریان بود.

وسائط حمل و نقل سرزمین لهستان مانند ایران در شاهراههای بزرگ اروپا خصوصاً و راههای بزرگ و آسیا بطور عموم واقع شده است. جاده‌های بزرگی از شمال بجنوب و از مغرب بمشرق از خاک لهستان میگذرد بنا بر این سوئد و نروژ بایونان و کشورهای غربی اروپا بآروسیه و کشورهای خاورمیانه و خاور دور از راه لهستان در ارتباط هستند.

از ورشو پایتخت لهستان بزرگترین راه ریکا - برلن - پاریس و ریکا - وین پاریس - مسکو میگذرد راههای مهم دیگری که از کشورهای اسکاندینا و کشورهای اطراف بالتیک شروع میشود از گدینیا و دانزیک و ورشو و لوو گذشته به بخارست و کشورهای بالکان و دریای سیاه میرسد.

بنادر گدینیا و دانزیک مهمترین مخرج کشورهای اطراف دانوب بخصوص

چکوسلواکی برای دریای بالتیک و حتی اقیانوس اطلس میباشند شهر ورشو یکی از مراکز مهم ارتباط است زیرا در این شهر است که شاهراههای شمالی و جنوبی و غربی و شرقی بیکدیگر طلاق کرده و از آن میگذرند.

در سال ۱۹۳۸ کشور لهستان دارای ۱۸۳۱۳ کیلومتر راه آهن بود در حالیکه در سال ۱۹۲۱ فقط ۱۵۳۵۶ کیلومتر از این راه داشت پیشرفت و توسعه خطوط آهن را در لهستان میتوان از ترقی شماره لوکوموتیو و واگون استنباط نمود

سال	لوکوموتیو	واگون باربری	واگون مسافری
۱۹۲۱	۳۷۵۳	۸۴۰۴۴	۸۶۸۰
۱۹۳۸	۵۱۷۶	۱۵۲۶۶۲	۱۰۵۴۳

در جریان مدت دوران استقلال لهستان در نهایت جدیت و کوشش در ترمیم خطوط آهن خود که بواسطه جنگ بین المللی گذشته (که يك قسمت آن در این سرزمین اتفاق افتاد) خراب و از میان رفته بود بکار مشغول شد بعلاوه چون لهستان مدتها در زیر تسلط سه دولت بیگانه بود ناچار سه نوع راه آهن در این کشور وجود داشت که دولت ناچار بود آنها را بیک شکل در آورد. در هر صد کیلومتر مربع در لهستان ۲٫۵ کیلومتر خط آهن وجود دارد (در اطریش ۸٫۹ کیلومتر در آلمان ۱۱٫۶ و در ایتالیا ۴٫۵ و در روسیه ۴٫۰ کیلومتر)

تراکم خطوط آهن در خاک لهستان بیشتر در نواحی باختری این کشور است بطوریکه به ۱۲ کیلومتر در هر صد کیلومتر مربع میرسد در حالیکه در نواحی خاوری این مقدار فقط به ۳ کیلومتر در هر صد کیلومتر مربع میرسد.

در لهستان جاده های شوسه نسبت بوسعت خاک بسیار قلیل و مقدار آن بیش از ۶۳ هزار کیلومتر است و بیشتر این مقدار در نواحی باختری کشور که شباهت زیادی از این حیث باروپای باختری دارد کشیده شده است ولی در قسمت خاوری طول جاده های شوسه بسیار کم و حتی ناچیز است. علت قلت جاده های شوسه در لهستان

بیشتر بواسطه نبودن کارخانجات اتومبیل سازی و نیز عدم توجه باین نکته بوده است. در سال ۱۹۳۹ مجموع اتومبیل ها در تمام کشور لهستان فقط ۴۲ هزار بوده است در حالیکه در همین تاریخ در انگلیس ۲۴۰۰۰۰۰ اتومبیل در حرکت بوده است پس از تصرف قسمتی از کرانه های دریای لهستان بنوبه خود وارد مرحله بازرگانی و آمدورفت در دریاها گردید در آغاز جنگ دانزیک تنها بندر مورد استفاده بود این بندر که در دهانه رود ویستول قرار دارد در فاصله بین قرون پانزدهم و هیجدهم عمل عمده ای را در بازرگانی لهستان و بازرگانی بین المللی بعهده داشت تنها لوبک بود که در کرانه بالتیک با دانزیک رقابت میکرد ولی پس از الحاق دانزیک به پروس از اهمیت آن روز بروز کاسته شد زیرا از یکطرف دامن مادر خود یعنی لهستان جدا شده و از طرف دیگر آلمانها برای ترقی دادن بنادر دیگر خود مانند اشتدین و کونیگسبرگ از توسعه و پیشرفت آن جلوگیری بعمل آوردند.

پس از جنگ بین المللی ۱۹۱۴ بندر دانزیک موضوعی جداگانه در سیاست گردید. بواسطه الحاق این بندر و اراضی اطراف آن بخاک لهستان و نیز اتحاد گمرکی این بندر با کشور لهستان ترقی و توسعه خود را از سر گرفته و روز بروز اهمیت آن افزوده شد چنانکه اگر در سال ۱۹۱۳ مقدار کالائی که از این بندر خارج و یابدان وارد میشد به ۹۰۰ هزار تن میرسید در سال ۱۹۳۸ این مقدار به ۴۸۰۰۰۰۰ تن یعنی پنج برابر زیادتیر رسید. صادرات زغال سنک لهستان یکی از اقلام بزرگ صادرات این بندر را تشکیل میداد (۵۰٪) گندم و چوب پس از زغال سنک درجه دوم رسوم را دارا بودند.

از نظر واردات نیز بندر دانزیک دارای اهمیت شده و مواد فلزی و کالای دیگر قیمتی پیوسته بدان وارد میشد.

ولی بندر دانزیک به تنهایی نمیتوانست تمام احتیاجات صادراتی و وارداتی لهستان را مرتفع نماید به همین نظر بود که دولت لهستان در سال ۱۹۲۱ به ایجاد بندر

گدینیا (Gdynia) که تا آن زمان فقط بندر کوچک ماهیگیری بود پرداخت از سال ۱۹۲۶ بندر گدینیا با قدمهای سریع بجانب پیشرفت و توسعه شتافت چنانکه بزودی یکی از مهمترین بنادر کرانه بالتیک شده و جمعیت آن به ۴۰ هزار نفر رسید (در سال ۱۹۳۶).

در سال ۱۹۳۸ مقدار بازرگانی دریائی آن بالغ بر ۶۵ میلیون تن شد که از این حیث بر دانزیك و استکهلم و اشتین برتری یافت در سال ۱۹۳۷. ۴۶,۲٪ از حیث قیمت بازرگانی این بندر متعلق به لهستان بوده است. ایجاد چنین بندری در این مدت قلیل بخوبی ثابت داشت که لهستان میتواند کشوری دریائی باشد استعدادی که بسیاری از دشمنان آن نخواسته اند بر آن اعتراف نمایند.

دولت لهستان بدین ترتیب بر دامنه بازرگانی دریائی روز بروز وسعت داد. در سال ۱۹۳۹ دارای هفتاد و یک کشتی بظرفیت ۱۰۲ هزار تن بود البته این مقدار با مقایسه با دولتهای معظم دریائی بسیار ناچیز می آید ولی باید باین نکته متوجه شد که لهستان فقط برای بازرگانی از دریا استفاده کرده و در این راه دشواریهای فوق العاده ای را می بایست از میان بردارد، خطوط بزرگ هوائی بتدریج در لهستان ایجاد شده و در حال توسعه بود هواپیمائی کشوری در سال ۱۹۳۸ در حدود ده هزار پروانه بعمل آورد که ۳ هزار نفر مسافر و بیش از ۱۰۰۰ تن محمول پشمنی حمل و نقل کرد هواپیماهای ارتبادهای لهستان نه تنها در آسمان این کشور در پرواز بود بلکه در کشورهای بالتیک و بالکان و خاور میانه نیز در رفت و آمد بودند.

قوانین حمایت کارگران در لهستان



کارگر و حمایت آن

قوانین کارگری در لهستان بسیار جامع بوده و شامل تمام مسائل مربوط به آن است. لهستان عضویت شورای اداری انجمن بین‌المللی کارگران در جامعه انتخاب شده بود. دولت لهستان برای آنکه قوانین و اصول کارگری اش شبیه سایر کشورها باشد تا کنون ۱۹ قرارداد کارگری را امضاء نموده است.

بموجب این قوانین اصل هشت ساعت کار در روز و چهل و هشت ساعت در هفته در صنعت و بازرگانی و همچنین مرخصی با استفاده از حقوق در سال برای کارگران دستی و غیردستی در تمام کشور مقرر شده است. بکارگران دستی پس از یکسال کار متمادی یک مرخصی هشت روزه و پس از سه سال کار در همان کارخانه یک مرخصی یک ماهه داده میشود همچنین کارگران غیردستی پس از شش ماه کار دو هفته مرخصی و پس از یکسال کار یک ماه مرخصی میگیرند.

کار زنان و جوانان مورد حمایت مخصوصی است. لااقل ۱۱ ساعت استراحت شبانه برای اینها اجباری است همچنین مواظبتهای پزشکی تحصیلات کافی برای خردسالان و ممانعت بعضی کارها که برای سلامتی آنان زیان آور باشد کاملاً اجرا میگردد. کمک دیگری که به زنان کارگر داده میشود اینست که آنها مجاز هستند برای غذا دادن به طفل خود کار را تعطیل کنند همچنین روزهای مخصوصی برای استراحت دارند و برای پرستاری و پرورش اطفال آنان اطاقهای ویژه‌ای گشوده میشود. قوانین

حمایت کارگران (که در سال ۱۹۲۸ بتصویب رسیده‌اند) امنیت و بهداشت شرائط کار را تأمین نموده و شرائط کار را معین میکنند همچنین مدت مرخصی‌ها را تعیین میکنند باین ترتیب که بکارگران دستی ۱۴ روز و بکارگران فکری سه‌ماه مرخصی داده میشود .

يك كميسيون اجباري حكمت اختلافاً را حل مي‌كند و قرار دادهای جمعی را در کشاورزی و سایر رشته‌های محصولات تعدیل مینماید کشور لهستان به ۱۲ ناحیه تقسیم شده است که در آنها ۱۱۰ نفر بازرگانش مشغول فعالیت هستند که رئیس بازرسان نیز از جمله آنانست در سال ۱۹۳۴ دویست و هفتاد و نه اتحادیه بازرگانی وجود داشتند که مجموع اعضاء آنان بالغ بر ۹۴۵۰۰۰ نفر بود .

در سال ۱۹۳۵ عده کارگرانی که در کانه‌ها تأسیسات مختلف صنایع بزرگ و متوسط کار میکردند به ۶۰۲۳۰۰ نفر میرسید (در صورتیکه در سال ۱۹۳۴ این عده مساوی ۵۷۴۲۰۰ نفر بود) نسبت در صد زنان و جوانانی که در رشته‌های کونا کون صنعت مشغول کار بودند باین ترتیب بود زنان ۲۷ در صد و $\frac{۲}{۷}$ در صد جوانان عده کارگران غیر دستی در سال ۱۹۳۱ بطور تخمین چنین بود :

در کشاورزی ۱۸۰۰۰ نفر (چهار در صد) در کانه‌ها و صنایع ۹۴۰۰۰ نفر (۲۰ در صد) در بازرگانی و قسمتهای بیمه ۷۶۰۰۰ (۱۷ در صد) ارتباطات و حمل و نقل ۹۷۰۰۰ (۲۰ در صد) خدمات عمومی (دولتی یا شهرداری) ۱۶۰۰۰۰ نفر (۳۵ در صد) مشاغل کونا کون ۱۵۰۰۰ نفر (۳ در صد)

ماده هشتم قانون اساسی لهستان میگوید :

« کارگر اساس تکامل و نیرومندی جمهوری است . دولت کارگران کشور را مورد حمایت خود گرفته و در شرائط کار آنان نظارت دارد »

فعالیت اعتبار
برای کارگر
در لهستان

حمایت و مواظبت شرائط زندگی بکنفر کارگر یکی از وظایف عمده لهستان جدید شده است. وزارتخانه‌ای بنام «تندرستی اجتماعی و حمایت کارگر» در کار تمام کارگران کشور لهستان مواظبت میکند و بخصوص آن کسانی را که از کار کردن محروم شده‌اند بیشتر مورد توجه و مواظبت قرار میدهد. تمام نکات سیاست اجتماعی در لهستان بخوبی ترقی می‌نمود. در سال ۱۹۲۴ قانونی بنام «قانون بیمه اجباری» بتصویت رسید که بموجب آن هر کارگری که در رشته‌های صنعتی مشغول کار است باید برضد بیکاری بیمه شود پس از آنکه استخدام شده و شروع بکار نمود نیم در صد (۵۰٪) از مزد خود را بصندوق بیکاری میدهد. کارفرمای او ۱۵ درصد و دولت نیز ۱ درصد اضافه بصندوق بیکاری اعطاء میکند. بدین ترتیب سه درصد مزد کارگر صرف بیمه شدنش در مقابل بیکاری میشود. هرگاه کارگری کار خود را از دست دهد مدت ۱۳ هفته متوالی مبلغی برابر ۴۰ درصد مزد سابقش دریافت میکند و اگر کارگر مزبور پس از انقضای این مدت نتواند برای خود کاری پیدا کند مورد حمایت انجمن کارگران واقع میشود.

انجمن کارگران که در سال ۱۹۳۴ تأسیس شده بود فعالیتها و کارهای صندوق بیکاری را انجام داد. فعالیتهای صندوق اخیر الذکر در این مؤسسه جدید التأسیس بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و وسیعتر شده بود. بالاترین هدف انجمن کارگران اینست که برای بیکاران کار پیدا کند.

انجمن کارگران با اعتبارات هنگفتی که به کارهای عمومی میدهد برای عده زیادی از مردم بیکار کار پیدا میکند انجمن مذکور با این روش خود در عین حال دو کار مهم انجام میدهد - نخست آنکه با اشخاصی که بیکار هستند و هیچگونه وسیله امرار معاش ندارند کمک نموده و آنها را تحت حمایت خود قرار میدهد و ثانیاً با این کار موجب پیشروی و توسعه زندگانی اقتصادی کشور میشود.

مساعدت اجتماعی مساعدت اجتماعی در لهستان بوسیله فرمانداریهای محلی (فقط در موارد نادر استثنائی بوسیله دولت) انجام میگردد. فعالیتهای فرمانداریهای محلی بوسیله کارهای تشکیلات خدمات عمومی بطور قابل توجهی افزایش مییابند.

حمایت اجتماعی کودکان - در سال ۱۹۳۵ در لهستان ۹۱۰ مؤسسه باقسام مختلف برای کودکان و جوانان وجود داشت در این مؤسسه ها خانه ها و آسایشگاههایی برای کودکان کور یا کر ناقص العقل و ناتوان ساخته شده بود در مؤسسه های مزبور در حدود ۴۳۰۰۰ نفر شاگرد نگاهداری میشوند که هر کدام غذای کاملی دریافت میکنند همچنین برای اطفال و کودکان از ۳ تا ۶ ساله پرورشگاهها و خانهای ویژه ای برای دادن غذاهای فوق العاده بکودکان باشگاههایی برای کودکان و جوانان و شبانه روزیهای برای جوانان بی خانه وجود دارد. عموماً در تابستان عده دسته های این کودکان زیاد افزایش مییابد. در طی سال ۱۹۳۵ در آن مؤسسات ۲۳۷۰۰۰ نفر مقیم بودند. اطفال و کودکان یتیم بخانواده هایی که با دقت انتخاب شده بودند سپرده میشوند.

حمایت اجتماعی جوانان بالغ در لهستان برای جوانان بالغ ۱۵۱۷ منزل از اقسام مختلف وجود داشت که در آنها جوانان کور و کر ناقص العقل قربانیهای امراض مقاربتی و برای امور داوطلبی و اجباری وجود دارد شماره کسانی که در آن منازل سکونت داشتند بالغ بر ۳۰۵۰۰ نفر بود همچنین شبانه روزیهای برای اشخاص بی خانه و آواره و مراکزی برای دادن غذا و منازلی برای سکونت زنانیکه بتنهایی مسافرت میکنند ساخته شده اند.

فعالیتهای مخصوص این انجمنهای مساعدت اجتماعی عبارتند: از مبارزه برضد آوارگی و فقر اقدامات مؤثر برضد فحشا و تشویق کسانی که برای اشخاص بیکار

منزل و مسکن تهیه میکنند در سال ۱۹۳۶ - ۶۷۹۳۳ نفر از جنگجویان بازمانده حقوق تقاعد دریافت میکردند.

تجدید نظر و اصلاحاتی که در سال ۱۹۳۴ بعمل آمد کلیه مؤسسات **بیمه‌های اجتماعی**

بیمه اجتماعی را تحت تشکیلات قانونی و ناظر متحد الشکلی در آورد و بالنتیجه بیمه شدن کارگران در سراسر کشور انجام گرفت. در لهستان ۶۱ مؤسسه بیمه اجتماعی وجود داشتند که گذشته از آنکه در مقابل بیماریها بیمه میکردند بقبولاندن و تحمیل کردن قانون بیمه اجباری و جمع آوری اعانه و انجام تقاضاها اشتغال داشت. این فعالیتها در يك مؤسسه مرکزی بنام «مؤسسه بیمه اجتماعی» متمرکز شده بودند و مؤسسه مزبور باز به این شاخه‌های بیمه اجتماعی را نظارت مینمود.

بیمه بیماری و پیری رناتوانی و بیوه شدن و یتیم شدن و بیمه کارگران دستی و غیر دستی کلیه افراد کارگر اعم از مستخدمین یا کسبه‌ها مشمول بیمه اجباری میباشد. کارگران کشاورزی ایالات مرکزی خاوری و جنوبی لهستان از این قانون معاف هستند باستثناء بیمه شدن در مقابل حوادث که اجباری است در ایالات باختری لهستان پرداختی بیمه کارگران کشاورزی مشمول در نظارت یدسان کشور نیست. همچنین است در مورد بیمه شدن در مقابل بیماری و بیمه کارگران معادن در ایالات سیلزی. شخص بیمه شده در صورتیکه بیمار شود از همه نوع کمتهای پزشکی و داروئی برخوردار میشود (حتی در مورد او عملیات جراحی نیز انجام میگردد و غیره) مدت ۲۶ هفته يك مساعدت مالی برابر ۶۰ درصد مزدش دریافت میکنند. در بیمارستان از او مواظبتهای زیادی بعمل میآید. عطیه و بخششی برای مدت ۸ هفته دریافت میکنند بمادران پرستار همه گونه کمک میشود و مخارج تشییع جنازه نیز پرداخت میگردد. اعضاء خانواده شخص بیمه شده همین مساعدت را فقط با درجه کمتری دریافت میکنند. بیمه در مقابل پیری پس از ۶۵ سالگی (در مورد کارگران کانها ۶۰ سالگی) پرداخته میشود.

بیمه کارگران دستی در مقابل بیکاری و مساعدتی که به اشخاص بیکار داده میشود در فصل «فعالیت اعتبار برای کارگران» شرح داده شده است.

کارگران غیردستی در مؤسسه بیمه اجتماعی بطور اجبار بیمه میشوند و در صورت بیکار شدن از این مؤسسه در مدت ۶ تا ۹ ماه مساعدتی برابر ۳۰ تا ۸۰ درصد حد متوسط مزدشان دریافت میکنند.

وجه اشتراك دو درصد حقوق مستخدم است. کارگر مبلغی برابر با ۸ر۰ تا ۱۲ر۰ در صد و کارفرما از ۱۲ر۰ تا ۸ر۰ بپردازند و مزبور میفرستد.

اول ژانویه سال ۱۹۳۷ مطابق آماری که منتشر گردیده عده بیکارانی که نامشان را ثبت نموده بودند برابر با ۴۶۶۰۰۴ نفر بود لهستان با چند کشور بیگانه قراردادهایی منعقد کرده بود که بموجب آنها آن کارگران لهستانی که در کشورهایشان مشغول کار بودند از همان اختیارات و حقوقی بهره میبردند که کارگران آن کشورهای بیگانه در کشور لهستان داشتند و غیره...

بیمه اجتهایی در لهستان (در سال ۱۹۳۵)

تندرستی	۱۸۶۵۰۰۰ نفر
حادثه	۳۸۹۰۰۰۰
نا توانی پیری و مرگ (کارگران دستی)	۱۸۳۰۰۰۰
کارگران کانها و خطوط آهن	۷۸۰۰۰
کارگران غیردستی	۲۷۹۰۰۰
بیکاری	۱۰۹۹۰۰۰
کارگران دستی	۸۲۱۰۰۰
کارگران غیردستی	۲۷۸۰۰۰

عداد فوق متوسط سالیانه هر قسمت است.

ورزش در لهستان ورزش در لهستان که ترتیب آن بوسیله تشکیلات مستقل اجتماعی داده میشد در تحت نظر و حمایت دولت بود انجمن کشوری پرورش جسمی پرورش نظامی شورای علمی پرورش جسمی که از توابع وزارت جنگ میباشند اساس تشکیلات ورزشی و پرورش جسمی ملت را بوجود میآورند.

اتحادیه مؤسسه های ورزشی لهستان مبنای اصلی ورزشهای متحد لهستان و بعنوان عضو مشاور اداره پرورش جسمی کشور میباشد. در لهستان ۲۴ مؤسسه ورزشی با ۹۹۵۷۸ باشگاه ورزشی دایر بود که ۴۰۰۰۰۰ نفر عضو داشت. نتایج حاصله از شرکت ورزشکاران لهستانی در مسابقه المپیک سال ۱۹۳۶ در برلن باین ترتیب میباشد.

دوشیزه والاسیویچ (Walasiewicz) در مسابقه دوسرعت نفر دوم دوشیزه وایس (Wajss) در مسابقه پرتاب دیسک نفر دوم و غیره.

مؤسسه مرکزی پرورش جسمی در بیلانی (Bielany) واقع در نزدیکی ورشو و مؤسسه پرورش جسمی پوزنان (Poznan) آموزشگاههای ژیمناستیک بودند. مدت تحصیل در این آموزشگاهها دو سال بود و در این آموزشگاهها ۱۲۰ نفر دانشجوی مرد و ۶۰ نفر دانشجوی زن مشغول تحصیل بودند.

بهداشت عمومی امر بهداشت عمومی در لهستان در تحت نظر مستقیم دولت و فرمانداران ایالات و ولایات با همکاری تشکیلات خدمات اجتماعی میباشد حد متوسط مردگان در لهستان مطابق ارقام زیر تقلیل یافته است.

تعداد مردگان در هر هزار نفر جمعیت

در سال ۱۹۲۵ در هر هزار نفر جمعیت ۱۶/۷ نفر

» » » ۱۹۳۰ » » ۱۵/۵ »

» » » ۱۹۳۵ » » ۱۴ »

مؤسسه خدمات بهداشتی عمومی بامر ترویج و وسعت مراکز بهداشتی که بر علیه سل - تراخم و امراض مقاربتی مبارزه میکنند توجه مخصوصی دارد مبارزه این مراکز چه در شهرها و چه در دهات مطابق آخرین اسلوب و روشهای پزشکی صورت میگردد . در سال ۱۹۳۴ در لهستان ۲۶۰ مرکز بهداشتی وجود داشت در صورتیکه این رقم در سال ۱۹۳۵ به ۳۱۰ رسید و در سال ۱۹۳۶ در لهستان ۴۰۴ مرکز بهداشتی موجود بود .

از طرف دولت نیز کمکهای زیادی به مادران و کودکان برای مبارزه بامرک در اوان تولد یا طفولیت داده میشود تعداد زایشگاهها در کشور لهستان از اینقرار بود . در سال ۱۹۳۴ ۳۸۷ زایشگاه در سال ۱۹۳۵ ۴۲۳ و در سال ۱۹۳۶ ۴۹۸ زایشگاه در سال ۱۹۳۵ در لهستان ۶۷۲ بیمارستان با ۷۰۷۳۴ تختخواب وجود داشت و هیئت پزشکی نیز از ۱۲۶۱۲ پزشک و ۳۱۵۷ دندانساز و ۱۰۰۰۰ پرستار و ۹۵۵۴ قابله و ۱۹۲۳ کمک پزشک تشکیل شده بود اولیای بهداشت عمومی برای نگاه داشتن اصل وقاعده بهداشت عمومی در شهرها و نقاط دور دست کار میکنند . دولت نیز اداره مخصوصی برای کنترل غذاها و مواد خوراکی عمومی دارد . در مؤسسه کل بهداشتی لهستان آموزشگاهی برای پرورش و تعلیم کارگران آسایشگاهها وجود دارد .

تشکیلات کشوری

و داد گستری لهستان



دولت و قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری لهستان که در تاریخ هفدهم مارس ۱۹۲۱
بتصویب سیم (Sejm) یا مجلس شورای ملی لهستان رسیده و
بعدها در آوریل ۱۹۳۵ تغییراتی در آن داده شده دارای این
چند نکته اساسی است . حقوق و امتیاز فردی چه برای مرد و چه زن عمومی است .
رأی دادن از سن ۲۱ بعمل میآید . سربازان از حق رأی دادن استثناء هستند
در لهستان دو مجلس وجود دارد مجلس شورای ملی و مجلس سنا که هر دو مطابق
سیستم نمایندگی نسبی از طرف آراء ملت انتخاب میشوند . رئیس جمهور موظف
است که برای تشکیل يك جلسه عادی هر سال از مجلس شورای دعوت بعمل آورد . رئیس
جمهور فرمانده عالی نیروهای کشور است ولی او برای فرماندهی کل ارتش کسی را
انتخاب میکند . رئیس جمهور از طرف مجالس شورای ملی و سنا که در يك جلسه ملی
با هم متحد شده اند انتخاب میشود او میتواند با مقامات خارجی قرار داد امضاء کند .
رئیس جمهور مطابق قانونی که بتصویب هیئت وزراء رسیده قدرت و اختیار دارد که
در هر موقع هر دو مجلس را منحل کند . در موقع تعطیل مجلس و بی تکلیف بودن
انتخابات جدید مجالس رئیس جمهور با مسئولیت هیئت وزراء میتواند مطابق فرامین
سلطنتی قوانینی اعلام و انتشار دهد مثلاً قوانینی که پس از افتتاح مجلس شورا
باید بتصویب نمایندگان برسد رئیس جمهوری نمیتواند قوانینی وضع کند

که بموجب آن تغییراتی در قوانین مالی و قانون اساسی کشور داده شود . کلیه اسناد و قوانین مهم کشور بامضاء رئیس جمهور و نخست وزیر و همچنین وزیر مخصوصی که کارش ملاحظه و امضاء اسناد خصوصی میباشد میرسد . قوه مجریه با شورای وزراء در يك جا قرارداد . بغير از شخص نخست وزیر که دارای عنوان رئیس شورای وزراء میباشد سایر وزراء از اینقرارند .

وزیر امور خارجه .

وزیر کشور .

وزیر دارائی .

وزیر بازرگانی و پیشه و هنر و دریاداری .

وزیر امور نظامی .

وزیر داد گستری .

وزیر عقاید و تعلیمات دینی .

وزیر کار و آسایش عمومی .

وزیر راه .

وزیر پست و تلگراف .

قانون اساسی لهستان بتمام اهالی آن کشور در مقابل قانون و حمایت زندگی دارائی حقوق و امتیازات برابری اعطاء میکند .

داشتن هرگونه مذهب آزاد است و هیچکس در مورد مذهبش متحمل زحمت یا شکنجه نخواهد شد .

امنیت خانواده نیز بموجب این قانون ضمانت میشود و خانواده های ویژه را فقط میتوان بررورش اساس تصمیم محکمه عالی کشوری باستثناء بازرسیهای بهداشتی و بعضی موارد دیگر اجرای آن بوسیله قوانین مخصوصی اجازه داده میشود پیدا کرد

جمهوری لهستان هیچگونه عنوان و لقب نجبا یا اعیان را نمی شناسد و قبول نمیکند ولی در کارهای اختصاصی درجات والقباب خدمت وجود دارد که آن مسلماً مورد قبول است .

اختیار داشتن مقام عالی در دستگاه دولت حتی داشتن بالاترین مقامات دولتی برای هر فرد اینکشور ممکن و مجاز است . رازداری نامه ها بوسیله قانون مخصوصی تأکید و بمورد اجرا گذاشته میشود .

این بود مختصری از چگونگی مجلس لهستان در سال ۱۹۳۷

دارای ۲۰۸ نفر نماینده یکنفر رئیس و پنج نواب رئیس و ۸
مجلس شورای ملی
 منشی مجلس . در این مجلس چهار کمیسیون وجود داشت
لهستان یاسیم (Sejm)
 کمیسیون بودجه کمیسیون فرهنگ کمیسیون دادگستری
 و کمیسیون امور خارجه - حرفه های مختلفی در مجلس نمایندگی داشتند از اینقرار :

- | | |
|---|----------------|
| ۱ - کشاورزان | ۷۶ نفر نماینده |
| ۲ - بازرگانان | ۲۰ » » |
| ۳ - کارگران | ۱۲ » » |
| ۴ - حرفه های آزاد | ۳۴ » » |
| (وکالت ۱۱ نفر داروساز یکنفر دکتر طب ۸ نفر مهندس دو نفر و غیره ۱۲ نفر) | |
| ۵ - مأمورین دولتی | ۶۸ نفر |
| (وابسته بارتش ۶ نفر از قضات دادگستری يك نفر آموزگاران ۱۷ نفر و غیره) | |
| ۶ - و مشاغل دیگر | |

جمع ۲۰۸ نفر

هر دوره مجلس شورای ملی پنج سال است هر فرد کشوری اعم از مردوزن بمحض اینکه بسن ۲۱ رسید اختیار رأی دادن برای مجلس شورا را خواهد داشت و هرکس که سنش به ۳۰ رسیده باشد میتواند بعضویت مجلس برقرار شود .

مجلس سنای لهستان دارای یک نفر رئیس و سه نفر نواب رئیس و شش نفر منشی سناتورها یا نمایندگان مجلس سنا ۹۶ نفرند و از این قرارند :

- | | |
|---|--------|
| ۱ - کشاورزان | ۲۴ نفر |
| ۲ - بازرگانان | ۷ » |
| ۳ - حرفه‌های آزاد | ۱۸ نفر |
| (وکالت سه نفر دکتر در طب شش نفر و غیره) | |
| ۴ - کارگر | ۱ نفر |
| ۵ - اعضاء دولت | ۴۲ » |
| ۶ - حرفه‌های دیگر | ۴ » |

در مجلس سنای لهستان ۱۱ کمیسیون وجود داشت . کمیسیونهای بودجه - اداره‌ای - دولتی - حقوق و دادگستری - اقتصاد - کشاورزی - دارائی - حمایت اجتماعی - راه - امور نظامی - امور خارجه . حق رأی دادن برای انتخاب نمایندگان در مجلس سنا منحصر بآن اشخاصی است که گواهینامه تحصیلی دارند یعنی آنهاییکه از يك اكادمی یا آموزشگاه پلی تکنیک دارای دیپلم فارغ التحصیلی باشند . کسانی که نمایندگان مجلس سنا رأی میدهند باید لا اقل چهل سال داشته باشند و همچنین نمایندگان مجلس سنا نیز باید لا اقل چهل سال داشته باشند .

اوضاع اداری برای تقسیمات اداری عمومی ، کشور لهستان به شانزده استان تقسیم شده است که هر يك بنام (Wojewodztwo) «وویه دزتوو» خوانده میشود و هر يك از این استانها دوباره بنواحی کوچکتری تقسیم میشود که هر يك «استاروستوو» نام دارد (Starostwo) . سیلزی علیا که یکی از ایالات لهستان است يك دولت ایالتی (Sejm) و يك دولت مستقل دارد . وویه و دزتووها (Wojewodztwo) و استاروستووها (Starostwo) و شهرها و نواحی زراعتی و روستائی هر يك دولت مستقلی دارند .

قوانین ویژه‌ای، فرمانداری مستقل استانها را وضع و مرتب میکند. انتخابات مجلس در لهستان در يك موقع آغاز شده و در ظرف ۲۴ ساعت تمام میشود.

دادگستری دادگستری بوسیله قضات و محکمه‌ها و بنام جمهوریت بمورد عمل

گذاشته میشود. وکلای دادگستری در وظایفشان مستقل بوده و قابل تغییر نیستند. آنها نمیتوانند عقایدی مخالف قوانین موجوده ابراز کنند ولی میتوانند بگویند که مثلاً فلان قانون اداری موافق یا مخالف قوانین موجوده میباشد. پائین ترین محکمه‌های کشور محکمه‌های قصبات میباشد (Sady Powiatowe) محکمه‌های درجه دوم محکمه‌های نو حی کنت (Sady Okregowe) میباشد و محکمه‌های درجه سوم محاکم استیناف میباشد. (Sad Apelacyjny) عالیترین محکمه لهستان محکمه عالی ورشو میباشد که به چهار شعبه تقسیم شده است. در لهستان همچنین محاکم اداری وجود دارند که کارشان رسیدگی بکارهای اداری و ملکی میباشد.

مجلس سنای لهستان دارای یکمقرر رئیس و سه نفر نواب رئیس و شش نفر منشی سناتورها یا نمایندگان مجلس سنا ۹۶ نفرند و از اینقرارند :

- ۱ - کشاورزان ۲۴ نفر
- ۲ - بازرگانان ۷ »
- ۳ - حرفه‌های آزاد ۱۸ نفر
- (وکالت سه نفر دکتر در طب شش نفر و غیره)
- ۴ - کارگر ۱ نفر
- ۵ - اعضاء دولت ۴۲ »
- ۶ - حرفه‌های دیگر ۴ »

در مجلس سنای لهستان ۱۱ کمیسیون وجود داشت . کمیسیونهای بودجه - اداره‌ای - دولتی - حقوق و دادگستری - اقتصاد - کشاورزی - دارائی - حمایت اجتماعی - راه - امور نظامی - امور خارجه . حق رأی دادن برای انتخاب نمایندگان در مجلس سنا منحصر بآن اشخاصی است که گواهینامه تحصیلی دارند یعنی آنهاییکه از يك اكادمی یا آموزشگاه پلی تکنیک دارای دیپلم فارغ التحصیلی باشند . کسانی که بنمایندگان مجلس سنا رأی میدهند باید لا اقل چهل سال داشته باشند و همچنین نمایندگان مجلس سنا نیز باید لا اقل چهل سال داشته باشند .

اوضاع اداری برای تقسیمات اداری عمومی ، کشور لهستان به شانزده استان تقسیم شده است که هر يك بنام (Wojewodztwo) «وویه دزتوو» خوانده میشود و هر يك از این استانها دوباره بنواحی کوچکتری تقسیم میشود که هر يك «استاروستوو» نام دارد (Starostwo) . سیلزی علیا که یکی از ایالات لهستان است يك دولت ایالتی (Sejm) و يك دولت مستقل دارد . وویه و دزتووها (Wojewodztwo) و استاروستووها (Starostwo) و شهرها و نواحی زراعتی و روستائی هر يك دولت مستقلی دارند .

قوانین ویژه‌ای، فرمانداری مستقل استانها را وضع و مرتب میکند. انتخابات مجلس در لهستان در يك موقع آغاز شده و در ظرف ۲۴ ساعت تمام میشود.

دادگستری بوسیله قضات و محکمه‌ها و بنام جمهوریت بمورد عمل

دادگستری

گذاشته میشود. وکلای دادگستری در وظایفشان مستقل بوده

و قابل تغییر نیستند. آنها نمیتوانند عقایدی مخالف قوانین موجوده ابراز کنند ولی میتوانند بگویند که مثلاً فلان قانون اداری موافق یا مخالف قوانین موجوده میباشد. پائین‌ترین محکمه‌های کشور محکمه‌های قصبات میباشد (Sady Powiatowe) محکمه‌های درجه دوم محکمه‌های نو حی کنت (Sady Okręgowe) میباشد و محکمه‌های درجه سوم محاکم استیناف میباشد. (Sad Apelacyjny) عالیترین محکمه لهستان محکمه عالی ورشو میباشد که به چهار شعبه تقسیم شده است. در لهستان همچنین محاکم اداری وجود دارند که کارشان رسیدگی بکارهای اداری و ملکی میباشد.

جهانگردی



زمانیکه جهانگرد بیگانه قدم در خاک لهستان بگذارد قبل از هر چیز يك نکته - توجه او را جلب مینماید و آن عبارت از این است که : لهستان با اینکه در خاور اروپا قرار گرفته است معذلك زندگانی و تمدن آن کاملاً باختر زمینی و هم آهنگ ملل باختری اروپا میباشد . تمدن لاتینی اساس تمدن و عادات و اخلاق ملی لهستانیها قرار گرفته و این ملت باوجود حفظ خصائص و خصائل ملی گذشته خویش تمدن لاتین را پذیرفته و آنرا بتمام شئون زندگانی خود آمیخته است .



کشور لهستان برای يك جهانگرد مانند گنجینه است که میتواند باسھولت از تمول سرشار و بی نهایت آن استفاده های شایان ببرد . در این سرزمین دست طبیعت شاهکار خود را بخرج داده و کوههای مرتفع و جلگه های حاصلخیز و جنگلهای سبز و شاداب و دره های پراز گل و ریاحین و رودخانه های پر آب و دریاچه

لهستان خاوری - و باتلانهای بولزی

های متعدد و بخصوص دریای بالتیک بارنگ آسمانی شفاف برزیبائی آن افزوده موجبات-

شادی و لذت هربیننده را فراهم میسازد. در هر فصلی بخصوص در پائیز نقاش طبیعت نقشی بکار زده است.

جنگلهای لهستان بیش از بیست درصد وسعت آنرا فرا گرفته است جنگلهای ناحیه بیاالودیترا (Białowieza) از مشهورترین و زیباترین جنگلهای اروپا بشمار میرود. مساحت جنگلهای این ناحیه بالغ بر ۲۵۰۰ کیلومتر مربع و در درون آن حتی بیزون که در سراسر قاره اروپا نادر است یافت می شود.

کرانه های بالتیک متعلق ب لهستان دارای بهترین حمام های دریائی باسازمانی بسیار جدید میباشد که هر ساله هزاران جهانگرد را بسوی خود جلب مینماید شهرهای لهستان با حفظ آثار باستانی و تاریخی بخود رنگ تمدن جدید را گرفته مرکز اردحام از هر طبقه مردم می باشد. در حالیکه دهات و قصبات هریک با داشتن رنگ محلی لباسهای متنوع و عادات مختلفه مخصوص بخود از بهترین تابلوهای نقاشان معروف جلوه گر میباشند.

جهانگردی که استان پولشه (Polesie) را در لهستان خاوری دیدن نماید پرده ای از شهرملوس و زیبای ونیز در خاطرهایش نقش می بندد. کانالهای بزرگ و کوچک متعدد و جویبارهای بیشمار مانند صفحه شعر پنج شهرها را بتقسیمات کوچک و بزرگ تقسیم کرده تنه راه رفت و آمد را تشکیل میدهند.

بسیاری از شهرهای لهستان با داشتن بناهای باشکوه و مجلل **بناها و موزه ها** تاریخی که هریک باسبکی که حاکی از ذوق و سلیقه ظریف و دقیقی است ونیز هزاران آثار تاریخی و تازگی های دیگر برای جهانگردان بیکانه خود موزه ای قابل ملاحظه بشمار میروند.

اولین شهری که جلب انظار را مینماید شهر کراکوف می باشد این شهر که بهمان اهمیت اصفهان ایرانست در کنار رود ورسلا ساخته شده پایتخت قدیمی پادشاهان لهستان می باشد کراکوف هنوز هم با وجود دیوارهای عظیم و برجها و باروهای مستحکم

اطرافش و نیز کوچه‌های پیچ‌پیچ و تنگ و کلیساهای متعدد و قدیمیش شکوه و جلال سابق خود را حفظ کرده است. گنبد‌های زرقام بناها و معابد این شهر از فرسنگها فاصله چشم بینندگان را خیره می‌سازد.

جهانگردی که مایل است بگذشته باستانی و ادوار پرافتخار لهستان آگاه شود برای وی کافی است که شهر کراکوف را دیدن نماید. شهر خود موزه‌ای است که هریک از قطعات سنگهای بناهایش صفحه ایست از تاریخ این کشور پرافتخار که مانند سدهای آهنین حافظ و نگاهبان اروپا در ادوار گذشته بوده است.

کاخ پر عظمت پادشاهی و اول که در روی بلندی در کنار رودخانه ویستول ساخته شده است آرامگاه جاودانی پادشاهان لهستان است از نظر ثروت و یادگارهای صنعتی و تاریخی در کشور لهستان نظیر ندارد. سنگ آرامگاه پادشاهان کار استادان و حجّاران ماهر و زبردست از جمله ویت استفوش می‌باشد. مهمترین و قابل توجه ترین رواق کلیسای بزرگ کراکوف رواق زیگموند است که به توسط برتچی (Berecci) در نیمه اول قرن شانزدهم ساخته شده که یکی از شاهکارهای دوره رنسانس در اروپا بشمار می‌آید ناقوس این کلیسا که بنام «زیگموند» موسوم است از بزرگترین ناقوس کلیساهای لهستان است، قطر دهانه آن ۲/۸۸ متر و از ذوب توپهایی که در جنگ از دشمن غنیمت گرفته شده ساخته است. یکی دیگر از آثار دیدنی کلیسای واول دخمه افسانه‌ای از دهائی است که بدست اولین پادشاه لهستان موجد و بانی شهر کراکوف کشته شده میباشد.

از میان بناها و آثار کراکوف باید موزه چارتوریسکی (Czartoryski) را بشمار آورد که در این موزه تابلوهائی از استادان معروف جهان مانند رافائل و لئاردو وینچی و سائرین موجود و مضبوط میباشد.

در کلیسای نوتردام (Notre Dame) زیباترین اثر گوتیک لهستان تا زمان حمله آلمانها مشاهده میشد در این کلیسا رواقی بود که در اطراف آن مجسمه‌های حضرت

مریم و حواریون او از سنك بتوسط ماهر ترین حجاران لهستانی ویت استفوس در قرن پانزدهم ساخته شده بود. آلمانها در زمان هجوم و تسلط خود بکشور لهستان در میان غنائمی که بردند بعنوان اینکه صنعتگر نامبرده آلمانی بوده است همین رواق بود.

دانشگاه قدیمی کراکوف و کتابخانه‌ای که دارای ۵۰۰ هزار مجلد کتاب است خود بزرگترین شاهی است که جهان علم و ادب این کشور باستانی دارای سوابق تاریخی می‌باشد.

ورشو پایتخت بزرگ لهستان شهری است بسیار زیبا و باطرزی بسیار جدید و باشکوه که در کناره رودخانه و استول بنا شده است ورشو در سال ۱۹۳۹ دارای ۱۲۰۰۰۰۰ نفر جمعیت بود ورشو را (قلب لهستان) میگویند و برآستی شایسته این عنوان است. در محله‌های جدید این شهر که دارای خیابانهای عریض و طویل با بناهای زیبا میباشد کثرت جمعیت و رفت و آمد عابریین و وسائط حمل و نقل جلب انظار را کرده جلوه مخصوصی بمنظره آن میدهد. باغهای سبز و خرم و مملو از گل‌های رنگارنگ و پارک‌های متعدد در تمام نقاط پایتخت بزیبائی و خرمی و لطافت هوای آن افزوده روح ساکنین را شاد و خاطرشان محفوظ میدارد.

تسال ۱۹۳۹ ورشو شهر شادی و لذت بود. تئاترها و سینماها و سیرک‌ها و کافه‌ها و رستورانهای بزرگ و دانسینگهای متعدد که شب و روز بکار مشغول بودند هرگونه وسائل تفریح را برای ساکنین بخصوص جهانگردان فراهم می‌ساختند چیزی که بیش از همه در ورشو پایتخت زیبای لهستان جلب انظار را می‌کند کاخ پادشاهی آن میباشد، این کاخ که مقر رئیس جمهور است در قرن ۱۷ ساخته شده و دارای تالارهای بزرگ بانقش و نگارهایی که اثر قلم نقاشان مشهور کانالتو (Canaletto) و باچیاریلی (Bacciarelli) می‌باشد.

محله قدیمی پایتخت که بنام (ورشوی قدیم) مشهور است دارای بناهایی است بسیار کهنه که هر کدام با حجاریهایی که از قرن ۱۶ میباشد زینت شده است خانه‌های



میدان «لوی»

قدیمی که بیشتر آنها در اطراف (میدان بازار) قرار گرفته‌اند خود منظره‌ای بسیار جالب توجه را تشکیل داده‌اند. از آن میان می‌کده فوکیو مشهور است که در سال ۱۵۹۰ میلادی بنا شده و دارای انبارهایی از بهترین و گوارا ترین شرابه‌ای جهان میباشد. نزدیک این میدان کلیسای سن ژان قرار گرفته که ساختمان

آن در قرن ۱۵ میلادی با تمام رسیده و آرامگاه بسیاری از شاهزادگان لهستان همین قرن است بسیاری دیگر از کاخها که جایگاه شاهزادگان و اشراف بوده و با بهترین و ظریفترین حجاریها و نقاشیهای زمانهای مختلفه آرایش یافته‌اند بر اهت و عظمت پایتخت می‌افزایند که زیباترین آنها بدین قرارند. کاخ لاژنسکی که در میان باغ مصفائی که در میان آن دریاچه‌ای احداث شده با ستونهای عظیم حجاری شده بنا گردیده است دیگر کاخ ویلانوف (Wilanow) که مقر پادشاه سوئی‌سکی (Sobieski) فاتح عثمانیها که در آن طالارها و شاه نشین‌های نقاشی شده جالب توجه میباشد بوده است.

در موزه بزرگ شهر ورشور معروفترین مجموعه‌های صنایع ظریفه و تابلوهای نقاشی که شاهکار نقاشان لهستانی است موجود میباشد. در شهر ورشو شماره زیادی

ازموزه‌های مختلف موجود است این پایتخت نیز دارای يك دانشگاه و يك دارالفنون و چندین فرهنگستان و آموزشگاههای عالی میباشد و تمام وزارتخانه‌ها و بنکاهای عمومی و دیگر مؤسسات بشماره‌های زیادی در ورشو مشغول کار میباشد.

در تاریخ جنگ کنونی شهر ورشو نام خود را باخون و شهادت و یابرداری ثبت کرده است. این شهر که از هر طرف محصور قوای دشمن شده و بدون خواربار و بدون آب و داشتن تجهیزات کافی مدت چندین روز در زیر بمباران مدحش و گلوله‌ها و آتش دائمی توپخانه مقاومت کرده یابرداری نمود بیش از صد هزار نفر از سکنه کشته و بیش از صدی چهل از خانه‌ها و بناها خراب شدند ولی این بالای عظم و این گونه فداکاری و شهادت آوازه‌اش در سراسر جهان پیچیده عموم ملل غمخوار ملت لهستان را متأثر ساخته و باتفاق برای کشیدن انتقام از محریبن و غارتگران و جلادان دامن همت بر کمر بستند در روز پیروزی آنهاروز رستاخیز ملت لهستان و تجدید عظمت پایتخت یعنی شهر ورشو خواهد بود.

پوزنان

این شهر اولین پایتخت حکومت پادشاهی لهستان بوده است

در این شهر است که در سال ۹۶۵ میلادی اولین پادشاه لهستان

میچیسلاو اول بآئین عیسویت گروید پوزنان دارای بناهای بسیار قدیمی بسبب رنسانس میباشد مانند دانشگاه و کاخ امپراطوری، تالار نقاشی و موزه (لهستان بزرگ) با کتابخانه معروف راجینسکی از ذخایر تمدن این شهر و نیز ملت لهستان است کلیسای بزرگ پوزنان که در قرن دهم میلادی ساخته شده از نظر تاریخی و معماری و بخصوص که آرامگاه پادشاهان اولیه لهستان است دارای اهمیتی بسزا میباشد. موزه نظامی که نشانه رشادت و جنگ‌های پی‌درپی بر ضد همسایگان و رهائی و استقلال این کشور پس از سال ۱۹۱۸ می‌باشد در این شهر وجود دارد.

پوزنان دارای باغ وحشی است که از حیث تعداد و تنوع حیوانات در تمام

لهستان بی‌نظیر میباشد. تا سال ۱۹۳۹ پوزنان یکی از مهمترین مراکز بازرگانی

و صنعتی که با بیشتر از مراکز اقتصادی اروپا در ارتباط بود بشمار میرفت .

لووو (Lwow) یکی از قدیم ترین و تاریخی ترین شهرهای لهستان است در عین حال قلعه مستحکم و سد سدید مرزهای جنوب خاوری بشمار مرفقه است . این شهر بسیاری از تهاجم های اقوامی را که از این سمت کشور را مورد تهدید و خطر قرار داده بودند جلوگیری نموده است همین قلعه مستحکم است که در مقابل هجوم اقوامی مانند هنگبرها و قزاقها و تاتارها و مللی مانند عثمانی ها و روسها و سوئدیه ها در سنین مختلفه پایداری کرده مانع از پیشرفت آنان شده است .



در سال ۱۹۱۹ کودکان این شهر در دفاع از مولد خود عمل عمده ای را به عهده داشتند . در سال ۱۹۳۹ نیز لووو در مقابل مهاجمین آلمانی مقاومت عجیبی بخرج داد و برای همین است که عموماً لهستانیها این شهر را عزیز و گرامی داشته و آنرا بنام (Semper Fidelis) «همیشه با وفا» نامیده اند .

یکی از کوچه های قدیمی ویلنو

لووو دارای بناهایی است که در طی قرون مختلفه ساخته شده که نشانه پرافتخار کشور پادشاهی لهستان بشمار میرود . این شهر کلسای کهنه چندی دارد که از آن میان کلیساهای لاتین و ارمنی از آثار قرن ۱۶ میلادی معروفند . موزه هایی مانند موزه سوبی یسکی که محتوی خاطره های تاریخی دوران پیروزمندی ملت لهستان است جلب نظر را میکند .

لووو مرکز مهم علمی و ادبی است . دارای يك دانشگاه و يك دارالفنون و چندین آموزشگاه عالی و بسیاری کتابخانه که نادر ترین مجموعه ها و آثار قدیمی پربها در آن موجود است .

ویلنو که در قرن ۴ میلادی ساخته شده از حیث حجاری و ثروت و صنایع ظریفه اش مشهور میباشد . با اینکه چندین بار طعمه حریق و یا خراب شده دوباره بحال آبادی برگشته است معذلت خاصیت ملی خود را از دست نداده است . در طی قرون متمادی این شهر مرکز تمدن لاتین در اروپای شمال خاوری بوده است . از نظر علمی ویلنو پیوسته علاوه بر اینکه مرکز اجتماع دانشجویان داخلی بوده دانشجویان بیگانه نیز برای فرا گرفتن دانش باین شهر آمده اند . برای جهانگردی شهر ویلنو از زیبا ترین و باشکوه ترین شهرهای اروپائی میباشد که از هر حیث آنرا در حظ ولذت دارد .

ویلنو نقطه ای است که در آنجا شهرستانهای باختر و خاور با يك دیگر آمیخته شده مخلوطی از علم و صنعت بمعرض نمایش میگذازد کلبسا های کهنه و قدیمی و کاخ پادشاهی برآستی از آثار قابل ملاحظه این شهر است که از آن میان باید کلبسای مشهور سنت آن (Sw. Anna) را که بسبك گوتیک ساخته شده محسوب داشت این کلیسا باندازه ای طرف توجه ناپلئون اول امپراطور فرانسه قرار گرفته بود که در نظر داشت آنرا بیاريس منتقل نماید .

ورشو ، کراکوو ، پوزنان ، لووو ، ویلنو نمونه ایست از شهرهای متعدد و بی شمار کشور لهستان و بسیاری دیگر از شهرها هستند که هریك دارای خصائصی جداگانه میباشد از جمله شهر لودج مهمترین مرکز صنایع بافندگی . کانوویترا مرکز کانه های ذغال سنگ و کارخانه های فلزکاری و شهر تورون که مولد منجم مشهور لهستانی نیکلا کوپرنیک و شهر کینزی زنو مهد پادشاهی لهستان و کدینیا (Gdynia) مهمترین بندر در کنار دریای بالتیک و بسیاری دیگر میباشد . هریك ازین

شهرها در طی قرون متمادی مرکز علم و صنعت و تمدن و عادات و اخلاق ملی و حتی اروپا بوده اند .

تئاتر ، سینما ،
تفریحگاه :
برای لهستانیها تئاتریکی از لوازم زندگی بشمار آمده و گذشتن
از آن برای آنها بسیار دشوار است . صنعت نمایش در سراسر
لهستان ترقی فوق العاده کرده و بسیار طرف توجه عموم قرار

گرفته است ، در هر يك از شهرهای بزرگ چندین سالن برای نمایش ساخته شده است
که هر يك برای قسمتی از آن مانند ابراء و اپرت و نمایشهای دراماتیک و کمدی و غیره
تخصیص داده شده شهرهای کوچک و قصبات که فاقد سالنها برای نمایش هستند از این
لذت روحانی بی بهره نمانده در سال چندین بار دسته های نمایش دهندگان پیوسته
از نقطه ای به نقطه دیگر با مهارت خود وسیله تفریح ساکنین را فراهم میسازند .

لهستانیها در تمام رشته های صنایع ظریفه دست داشته و از میان آنها
معروفترین نوابغی مانند مدژیوسکا (Modrzejewska) آرتیست تراژدی بیرون آمده
است این زن در آمریکا بدرود زندگانی گفت و آمریکائیها وی را با سارا برنارد آرتیست
شهر فرانسوی مقایسه کرده اند دیگر زنان کیپورا (Kiepora) خواننده شهر وپولانگری
(Pola Negri) ستاره سینما و بسیاری دیگر از استادان موسیقی و رقص و غیره .

سینما در لهستان باندازه طرف توجه خاص و عام قرار گرفته است که کارخانه های
سینما توگرافی آمریکا و سایر کشورهای دیگر مجبور شده اند که بهترین و تازه ترین
فیلمهای خود را که در لندن و نیویورک و پاریس بمعرض نمایش می گذارند در ورشو
هم بپارند صنعت سینما توگرافی در لهستان نیز دایر و بسیاری از فیلمها که در داخل
و حتی در خارج از کشور بمعرض نمایش گذاشته می شود تهیه مینمایند .

سیرک ها و تماشاخانه های متعدد در تمام شهرهای بزرگ دایر بوده و بهترین
و معروفترین استادان این فنون از تمام دنیا در روی صحنه آن به بازی کردن مشغولند

موسیقی يك قسمت مهم از زندگی لهستانیها را شامل است آموزشگاهها و مراکز این کشور موجود و قطعات شاهکار را بكمك استادان لهستانی و بیگانه تهیه و تدوین مینمایند. کنسرتهاى جمعه فیل آرمونی ورشو بسیار مهم و قابل توجه بوده اند. در هر سال برحسب عادت قدیمی مسابقه بین المللی موزيك شوین در فیل آرمونی ورشو گذاشته میشد در این مسابقه پیانوزنهاى مشهور گیتی شرکت می کردند.

لهستانیها اصولاً از ورزش و بسر بردن در هوای آزاد لذت می برند در تمام شهرها باغ های مفرح و پارک های زیبا و میدانهای ورزش و اسب دوانی و استخرهای شنا و غیره مشاهده می شود.

کشور لهستان در جهان ورزش اهمیت بسزا داشته و ورزشکاران این کشور در هر يك از فنون ورزش مانند فوتبال و بوكس و اسکریم و کشتی در مواقع مسابقه بادیگر و ورزشکاران بیگانه گوی سبقت را ربوده اند. در مواقع مسابقه هزاران نفر از تماشاچی ها با ذوق سرشاری بمیدانهای بازی شتافته و ازدیدن مسابقه های گوناگون حظ روحی می برند.

بعلاوه در هر نقطه ای که رودخانه ای جاری و یا دریاچه ای وجود داشته باشد سازمانی برای شناوری و یا قایق رانی ایجاد گردیده است. بخصوص قایق رانی در کشور لهستان اهمیتی شایان یافته و بر شائقین این کار روز بروز افزوده میشود.

در فصل تابستان هزاران قایق دستی و یا بابادبان در روی رودخانه ها و یا دریاچه ها و حتی در کرانه های بالتیک در گردش و رفت و آمد بوده و بدین وسیله ایام خوشی برای را کبین خود فراهم میسازند.

ورزش شایان تقدیر و قابل ملاحظه ای که در سراسر کشور لهستان از زمانهای قدیم مورد توجه عامه بوده است سواری میباشد اصولاً يك نفر لهستانی ازما در سوارکار بدنیا می آید. نیزه داران لهستان در قرون گذشته مشهور آفاق بوده اند تا سال ۱۹۳۹ در هر سال مسابقه اسب دوانی بین المللی در ورشو بعمل می آید. در این مسابقه بهترین

سوارکاران نظامی و غیر نظامی تمام کشور های روی زمین شرکت میکردند . دسته سوارکاران لهستانی چندین بار در خارج از کشور خود بخصوص در فرانسه گوی سبقت را از جهانیان ربوده اند .

کشور لهستان در چهارراه کشور های اروپائی قرار گرفته است دارای بهترین وسائط حمل و نقل زمینی و آبی و هوائی میباشد . طول خطوط آهن بالغ بر ۱۲۵۰۰ میل است (۱۹۲۰۰ میل

وسائط حمل

و نقل :



در بریتانیای کبیر) خطوط هوائی تمام مراکز بزرگ لهستان را يك دیگر متصل مینماید . خطوط ارتباطی رودخانه ها و دریا های زیاد و متصل یکدیگر می باشند . جهانگردان از طرف دولت پذیرائی شده و بوسیله ایجاد سازمانها و نگاه های مخصوص و تخفیف در قیمت ها و سائل گردش و مسافرت آنها را

را کویانه - بهرین نقطه کشور برای اسکی باری

تسهیل نموده نمی گذارد کوچکترین اسباب ناراحتی جهانگردان فراهم شود .

رهایی که از ورزشهای زمستانی لهستان صحبتی بمان می آید

ورزشهای زمستانی

بهرتر است مدتی در را کویانه توقف نمائیم اینجا ناحیه ایست

زاکوپا (Zakopane)

که مورد توجه اهالی کشور حتی خارج از آن نیز میباشد .

در زا کویانه دو فصل بیشتر دیده میشود : زمستان و تابستان . شماره جهان گردان

و مسافرین این شهر در هر سال از صدهزار نفر تجاوز می نماید در حالیکه جمعیت خود آن از بیست هزار نفر تجاوز نمی کند. این شهر در ناحیه تاترا (Tatra) در رشته کوههای کاریات در ارتفاع ۸۵۰ متر از سطح دریا قرار گرفته است. را کویانه دارای لطیف ترین و مفرح ترین هواهاست که مخصوص برای مسلولین بسیار مفید میباشد. آسایشگاههای چندی برای این کار در این شهر تخصص داده شده که با وجود پزشکان ماهر متخصص هر ساله شماره زیاد از مسلولین تحت درمان قرار گرفته معالجه میشوند.



« حاج فدوی » « حاج ملک »

را کویانه در تاستان سر دارای اهمیت فوق العاده میباشد در این نقطه است که مسافرین و جهانگردان برای تماشا و کوه نوردی در کوه های تاترا که قشنگ ترین و زیباترین رشته کوه های لهستان است عریضت می نمایند.

این رشته که دارای ۲۵۰۰ متر ارتفاع میباشد از جهات بسیاری مانند شکل ساختمان

و دره های پوشیده از جنگل و گل و ناحیه شهابت کاملی کوه های آلپ دارد. بنگاه مخصوصی بنام (بنگاه لهستانی تاترا) امور جهانگردان و مسافرین را بوسیله راهنماهای بصیر و کاردان اداره می نماید.

در روستان را کویانه بواسطه داشتن مداخله و مراکری برای اسای و سورت مهربانی

یکی از نقاط مهم ورزشهای زمستانی محسوب میشود
آموزشگاههای چندی برای تعلیم دادن بازی اسکی و دیگر ورزشهای روی
برف و یخ در این شهر موجود است که هر ساله صدها نفر از ورزشکاران را تعلیم داده
و در این کارها متخصص مینماید .

زا کویانه دارای يك رشته خط تلفريك است طول این خط ۴۵۰۰ متر یعنی
طویل ترین راهی است که در اروپا موجود میباشد . این خط بقله کاسپرودی
(Kasprowy) بارتفاع ۱۹۸۸ منتهی میشود . از این نقطه جاده اسکی شروع شده و برف
بازان باید راهی بطول دوازده کیلومتر را تا پائین کوه با اسکی پائین بیایند . در این
شهر راهی دیگر موجود است که بتوسط جرثقیل برشته کوههای گوبالوفکا (Gubalowka)
که دارای میدانهای مناسبی که برای اسکی کردن میباشد متصل میشود .

یخ بازان نیز در زا کویانه میدانهای مناسبی برای بازی خود دارند که هر ساله
چندین مسابقه چوگان بازی در روی یخ (هوکی Hokey) در این نقطه بعمل میآید .
در سال ۱۹۳۹ در شهر زا کویانه مسابقه بین المللی بتوسط اتحادیه بین المللی
اسکی (FIS) بعمل آمد که حسن عمل و سازماندهی ورزشی لهستانی را بخوبی
ثابت داشت .

دوستاناران شکار و ماهی گیری نیز در رشته کوههای تاترا اباداشتن انواع حیوانات
برای شکار و ماهی های مختلف در رودخانه های آن می توانند باحظ و لذتی فراوان بکار
خود مشغول بوده و استفاده ببرند .

یکی از خصائص مهم زا کویانه معماری و صنایع آن است که در تمام
لهستان نام این محل معروف شده . بعلاوه لباسهای محلی و موسیقی ورقصهای مخصوص
آن مشهور و واقعاً مورد توجه خاص و عام میباشد .

مهمانخانه ها و پانسیونهای خانوادگی و کافه و رستورانها و تئاترها و سینماها
و بالاخره آنچه را که برای تفریح و بردن لذت و بهره از زندگی برای مسافری

و جهانگردان لازم است در زاکویانه موجود و فراهم میباشد .

شهرهای آب و آبهای معدنی در لهستان

از حیث آبها و چشمه‌های معدنی کشور لهستان بسیار غنی و تعداد آنها یکی از منابع بزرگ ثروتی این کشور را شامل است در زمان تقسیم لهستان ترقی و پیشرفت شهرهای آب بواسطه اشغال قوای نظامی و نیز بواسطه رقابت در این قسمت



آسایشگاه شهر « کرینیتزا »

بحال وقفه باقی ماند . از زمان بازگشت استقلال کامل شهرهای مزبور مجدداً در راه ترقی افتاده بزودی نه تنها آوازه شهرت آنها در سراسر کشور لهستان پیچید بلکه در خارج از آن نیز طرف توجه قرار گرفت . بهمین مناسبت بر شمارة مسافرین و جهانگردان که برای استفاده و استحمام از آبهای معدنی آمدند افزوده

گردید . در میان مسافرین برجسته باید شاهزاده خانم ژولین هلند را نام برد که در سال ۱۹۳۵ با شوهر خود شاهزاده برنارد چندین هفته در کری نیتزا (Krynica) بزرگترین شهرهای آب لهستان جنوبی اقامت داشت .

از اختصاصات شهرهای آب لهستان یکی این است که در میان کوهستانها و پوشیده از جنگل دور از زندگانی شهر و آلودگیهای آن قرار گرفته و از هر حیث برای صحت و سلامتی مناسب میباشد .

از نظر محلول شیمیائی آبهای معدنی لهستان در تمام ادوار گذشته در درجه اول اهمیت و فایده قرار داشته‌اند. در شفا دادن بیماران معجزه‌های فراوانی دیده شده و هزاران بیمار با استفاده از آن شفا یافته‌اند. مدت بهبودی بیماران از چند ماه بلکه چند هفته تجاوز نمی‌کند.

کشور لهستان انواع و اقسام آب‌های معدنی را که در پزشکی بکار می‌روند دارا می‌باشد بدین قرار: سی و یک چشمه با محلول آلکالینوآسیدوله. بیست و یک چشمه فروژینوز. سی و هفت چشمه کلو روره سودیک بیست و یک چشمه سالبین برمویودوره بیست و چهار چشمه هیدروسولفو روزویک چشمه آمربوگاتیف. این چشمه اخیر در میان انواع نادر می‌باشد.

آب‌های معدنی مذکور علاوه بر اینکه در تمام رشته درمانها برای بیماران مفید است برای اشخاص سالم که قدری ضعیف و یا خسته هستند فوق‌العاده قابل استفاده و مفید می‌باشد. دولت لهستان که پی‌باین منبع حیاتی برده و سائلی اتخاذ کرده‌است که از هر حیث و سائل اشخاصیکه برای استفاده و رفع درد خود بدان نقاط مسافرت می‌نمایند فراهم و آماده باشد.

پزشکان لهستانی نیز با شناسائی کامل بخاصیت هر یک از این آبهای معدنی در درمان بیماران استفاده زیاد برده و نتایج بسیار قابل ملاحظه‌ای در معالجات خود از آنها برده‌اند.

در تمام شهرهای آب و سائل استفاده از آب و روشنائی و کلنیک و آزمایشگاهها و مهمانخانه‌ها و آسایشگاهها با جدیدترین طرزی موجود و با سهلترین وجهی در دست رس استفاده کنندگان قرار داده شده است.

شهرهای مهم آب‌های معدنی بقرار ذیل است:

بوسکو (Busko) مرکز چشمه آبهای گوگردی و نمکی چخوچینک (Ciechocinek)

در شمال بزرگترین و مهمترین مرکز سارما و نگاههای آبهای نمکی کلورووه -



سودیک ، دارای ۱۵ چشمه و چهار نگاه برای آبهای معدنی گازدار . این مرکز علاوه دارای کارخانه برای خشک کردن آب بصورت قرص و دانه میباشد

دروسکیسکی (Druskieniki) در شمال حائری دارای هفده چشمه با محلول نمک کالسيوم وماییری و آبهای معدنی سالی بر مویودوره

صومعه قدیمی کاتولیک در شهر نمک

اینوروتسلاو (Inowroclaw) در شمال باختری ، آبهای با محلول کالو و رسودیک حمام برگرفته میشود دارای آرمایشگاهی رای معالجه نابرق

ایونچ (Iwonicz) در جنوب دای حمام گازدار و آبهای کلورووه سودیک کری بیسا (Kryni ۱) در جنوب در گربین مرکز حمام آب معدنی در تمام لهستان دارای شش چشمه آب مفید آلکالین آسیدو و اوریدور چشمه مشهور زوبر (Zuber) هزاران بیمار را سوی خود جلب مینماید حمامهای آن دارای ۲۰۰ دوش میباشد فصل تابستان این شهر از یاندرده مه تا اکتبر است وانی بواسطه قرار گرفتن آن در کوهستان و دارا و در میدانهای اسکی طرف توجه دوستداران اسکی و ورزشهای زمستانی بیر میباشد

مورش (Morszyn) در جنوب دارای آبهای تلح مسهلی و سولفاته سودیک

نالچوف (Nalczow) در مرکز . دارای حمامهای آب معدنی و چشمه های آلکالین و فروژینوز .

رابکا (Rabka) در جنوب . دارای حمامها و آبهای با محلول لی تین و پود و پر موره و کلوروره سودیک در زمستان میدانها برای اسکی .

سولتس (Solec) در مرکز . دارای آبهای سولفوروزو کلوروره سودیک .



کاخ قدیمی « بیدریتسا »

اشچاویتزا (Szczawnica)

در جنوب دارای انواع چشمه های معدنی برای بیماریهای مجاری تنفس یا آبهای آسیدولد و کلوروره سودیک .

تروسکاویتز (Tuszkawiec)

در جنوب دارای هفت چشمه آب معدنی مخصوص بیماریهای قلبی و معدی و کله ای با محلول کلوروره سودیک و سولفو-

آلکالین مشهور ترین چشمه

های آن نفتوسیا (Naftusia) میباشد .

ژگستوف (Zegiestow) در جنوب . دارای آبهای آلکالین آسیدولد و فروژینوز

و مانیزی و کالسیک .

لهستان در جنگ کنونی



با حمله ناکهانی، نیروهای آلمان، نیروهای لهستان در پنج اول سپتامبر ۱۹۳۹ جنگ خانمانسور کنونی شروع گردید. لهستان در مقابل حمله دشمن پایداری زیادی نشان داد. وضعیت لهستان خوب نبود زیرا:

۱- آلمان ارسه سمت بلهستان حمله نمود - از طرف شمال (از پروس شرقی) از طرف ناحتر (از آلمان اصلی) و از طرف جنوب (از کشور اسلواکی) بنابراین لهستان در وضعیت محاصره، سدهای قرار گرفت، بر آلمان کسه دهائی که در شمال و در



نیروهای لهستانی در مرز ایتالیا

جنوب لهستان بودند مستعمره خویش ساخته بود از این جهت بآسه نی لهستان را محاصره نمود .

۲ - ارتش لهستان تماماً بسیج نشده بود - بسیج نیروها که میبایستی يك هفته قبل از شروع جنگ انجام گیرد بواسطه فشار سیاسی انگلیس و فرانسه بآخرین دقیقه صلح معوق شده بود .

۳ - تجهیزات و تسلیحات ارتش لهستان خیلی فقیرتر از تجهیزات ارتش آلمان بود . در ارتش لهستان مخصوصاً قلت زره پوشها و وسایل مکانیزه زیاد دیده میشود . باوجود این اختلافات نیروها ارتش لهستان بر علیه سپاهیان نیرومند آلمان در تمام جبهه ها پیکار نمود آلمانیها مخصوصاً در سواحل دریای بالتیک و باختر لهستان با مقاومت سختی مواجه شدند . در ساحل دریای بالتیک گروه کوچکی از نیروهای لهستان که از ابتدای شروع جنگ به محاصره آلمانیها درآمده بودند حتی باوجود نومییدی زیادی که داشتند از « وستریلات » واقع در دانزیک شجاعانه دفاع نمودند . توپخانه ساحلی شبه جزیره « هل » تحت فرماندهی دریاسالار اونروک بر علیه حملات دریائی و هوائی و زمینی دشمن شدیداً پایداری نمود . درمودلین واقع در لهستان مرکزی مدت درازی مقاومت نمود و در شوپایتخت این کشور بهترین نمونه میهن پرستی و فداکاری را نشان داد . این شهر با يك ملیون و سیصد هزار جمعیت خود بدون داشتن هیچ استحکاماتی بر علیه محاصره سخت دشمن دلاورانه پایداری نمود . این شهر یکماه تمام مقاومت کرد و تا ماه اکتبر آن سال آلمانیها قادر نشدند که داخل این شهر ویران شده شوند .

نیروی هوائی لهستان که دارای مقدار کمی هواپیما بود بواسطه حمله ناگهانی نیروهای آلمان و نابود شدن اغلب فرودگاههای مهم کشور بصورت اسف آوری در آمد مع الوصف خلبانان لهستانی با رشادت زیادی جنگیده و مقدار زیادی از هواپیماهای دشمن را نابود ساختند .

بیروی دریائی لهستان بر امتحان خوبی داد گروهی رادی از ناوهای لهستان توانستند خط محاصره دشمن را بشکافند و بیروی دریائی انگلیس یعنی همان نیروئی که تا امروز با آن همکاری مینه بند ملحق شوید مخصوصاً زیر دریائی اورژل (Orzel) یا عقاب یکماه تمام در آبهای مین گزاری شده دشمن مشغول عملیات بود اگر لهستانها واقعا فرصتی پیدا می کردند که بیروهای خود را دوباره جمع آوری کنند یقیناً جنگ لهستان پیش از آن مدتی که طول کشید ادامه می یافت. بدیهه است و صحتی ایجاد شد که بیروهای لهستان محصور شدند ترك محاصره گشتند زیرا در روز ۱۷ سپتامبر سپاهیان شوروی از سمت حاور با گهاب در لهستان روی آوردند. آنها با پایداری کوچکی مواحه شدید زیرا تمام سربازان لهستانی در حاک لهستان مشغول پیکار بر علیه مهاجمین آلمانی بودند. همجناس گمان نمیرسد که دولت شوروی لهستان بظن داشته باشد زیرا این دو دولت بدمان عدم تعرضی امضاء شده بود.



بیروهای لهستانی در مرز ایتالیا

رئیس جمهور و دولت لهستان که در آبرمان در جنوب حاور لهستان بودند

از ترس گرفتار شدن بدست شورویها مواجه شدند موچینسکی (Mosicki) رئیس جمهور لهستان بهمین علت ولادیسلاوراچه کیویچ (Raczewicz) را بجایشینی خویش تعیین نمود و پس از این کار بهمراهی سایر اعضاء دولت وارد کشور رومانی شد. پروهای تارومار شده لهستان تارور پنجم اکثر پایداری خود ادامه دادند.



پروهای لهستانی در ایتالیا رفهارا در حادہ پاک میکند

با ورود دولت لهستان بحاکم رومانی فصل جدیدی آغاز می شود. دولت جدید لهستان بوسیله ولادیسلاوسیکورسکی (Sikorski) در خاک فرانسه تشکیل گردید و بلافاصله پس از تأسیس دست بتشکیل ارتش جدید لهستان در این کشور نمود. ارتشی که از مهاجرین لهستانی در فرانسه و آفریقای که از لهستان میآمدند تشکیل گردید، بروی صدها نفر بالغ شد و خود را آماده نمود که این بار با مهاجرین آلمانی در سمت باختر روبرو شوند. در عین حال دولت لهستان کوشش بسیار نمود تا در لهستان حنشهای ملی تشکیل دهد. این جنبش پایداری بوسیله یک مجمع بسیار

مهم پنهانی که مشغول تربیت گروههای نیرومندی از مقاومتین و توطئه کنندگانی بود که در سراسر مناطق اشغال شده بر علیه مهاجمین آلمانی پیکار مینمودند تشکیل گردید این تشکیلات نظامی پس از مدت کمی بیک ارتش زیرزمینی که در پنجمین سال جنگ دارای چهارصد هزار نفر سرباز و مرد جنگجو بود بالغ گردید. این ارتش که در پشت مرزهای آلمان - شوروی مشغول سرکوبی دشمنان میباشد خدمات بسیار گرانبها و برجسته‌ای برای متفقین انجام داده است.

ارتش لهستان در فرانسه چندین بار رشادت و شجاعت خود را در جنگهای فرانسه نشان داد و بویژه در جنگ ایالت « لورن » پایداری عجیبی بمنصه ظهور رساند متأسفانه پس از آنکه ارتش فرانسه شکست خورد - ارتش لهستان دیگر بتنهائی نمیتوانست مقاومتی بکند و مجبور بعقب نشینی شد چندین هزار سرباز با خسارات زیادی بدست دشمن اسیر شدند عده دیگری در آخرین لحظه مجبور شدند وارد خاک سوئیس شوند و در اینجا نیز توقیف گشتند و بعضی دیگر توانستند با انگلستان فرار کنند.

رئیس جمهور و دولت لهستان بر حسب دعوت مستر چرچیل از فرانسه بلندن آمدند و از آن زمان تا بحال در لندن استقرار دارند. نخستین کار آنها دادن تشکیلات جدید بارتش تار و مار شده لهستان بود. ارتش لهستان در انگلستان امروز در حدود ۳۰۰۰۰ سرباز قوی نهایت مجهز و مکابزه دارد و گذشته از این دسته‌ای از چتربازان کار آزموده دارد.

سربازان این دسته چتربازان احتمالاً نخستین کسانی خواهند بود که بر روی خاک لهستان آزاد شده فرود خواهند آمد. در انگلستان دولت لهستان همچنین نیروی هوائی نیرومندی دارد که تقریباً در تمام حالات هوائی بر آلمان شرکت میکند نیروی هوائی لهستان مخصوصاً خلبانان لهستانی در نبرد هوائی بریتانیا در سال ۱۹۴۰ نقش عمده‌ای را انجام دادند و با دفاع شجاعانه خود از آسمان بریتانیا از آن زمان

تاکنون محبوبیت ملت انگلیس را بدست آورده اند.

باید همچنین اشاره نمود که در طی حمله آلمانیها بر نروژ در بهار سال ۱۹۴۰ دولت لهستان که در فرانسه بود نیپی از سربازان شجاع لهستان را برای نجات نروژیهای فداکار بکشور اخیر فرستادند. این تیپ مجبور گشت که بانبروهای انگلیسی بندر نارویک را تخلیه نماید.

در همین ایام یعنی در پائیز سال ۱۹۴۰ نخستین گروه سربازان و جنگجویان لهستانی در خاور میانه تشکیل گردید. عده زیادی از لهستانیها که توانستند از زیر ظلم و فشار آلمانی ها فرار نموده و از طریق کشورهای بالکان وارد خاور میانه شوند در کشور سوریه تیپ مستقلی از سربازان تشکیل دادند. پس از شکست فرانسه در ژوئن سال ۱۹۴۰ این تیپ لهستانی وارد فلسطین گشت و در آنجا از طرف زمامداران مهمان دوست انگلیسی از این تیپ پذیرائی گرمی بعمل آمد. این تیپ لهستانی که با فعالیت زیادی ابتدا در فلسطین و سپس در مصر مجهز و آماده میشد در سال ۱۹۴۱ بجبهه لیبی اعزام گشت تا بر علیه مهاجمین آلمانی و ایتالیائی بجنگد. این تیپ در طی چهار ماه مدافعه دژ محاصره شده «طبرق» و در نبرد بزرگ «غزاله» چندین بار شجاعت خود را بظهور رساند.

در سال ۱۹۴۱ پس از حمله آلمان بروسیه بین دولت شوروی و دولت لهستان در لندن قراردادی بامضاء رسید که بموجب آن دولت شوروی از فتوحات سال ۱۹۳۹ خود در لهستان دست کشیده و مایل بایجاد روابط حسنه سیاسی بادولت لهستان بود. پس از امضاء این قرارداد دولت لهستان سفارتخانه ای در شهر کوی بیچف تأسیس نمود و ژنرال سیکورسکی نخست وزیر لهستان برای ملاقات استالین بروسیه رفت. در نتیجه این مذاکرات ارتشی از سربازان لهستانی در خاک شوروی تشکیل گردید. این ارتش از اسیران سابق لهستانی و همچنین از تبعید شدگان لهستانی بوجود آمده بود. این ارتش دارای شش لشکر نا کامل بود. در تابستان و در پائیز ۱۹۴۲ بر حسب

تقاضای زمامداران بریتانیا این ارتش بطرف خاور میانه حرکت نمود تا در آنجا مانع پیشرفت سربازان مهاجم آلمانی بسوی قفقاز شود. این ارتش از روسیه و از طریق ایران وارد خاور میانه شده و نخست در خاک عراق مستقر گردید و در آنجا بتجهیز خویش پرداخت پس از چندی این ارتش بسوی فلسطین و مصر حرکت نمود و در آنجا به تیپ سربازان لهستانی که سابقاً در لیبی جنگیده بودند ملحق گشت این ارتش که بعداً بنام «ارتش لهستان» معروف گشت در اواخر سال ۱۹۴۳ بایتالیا اعزام شد و در نبرد رود «سانگرو» شجاعانه شرکت نمود. هنگامیکه در ماه مه ۱۹۴۳ حمله عظیم متفقین در ایتالیا شروع شد ارتش لهستان در عملیاتی که بعلت منجر شد بتصرف صومعه «مونت کاسینو» بسیار مشهور گشت، نقش عمده‌ای انجام داد. صومعه «مونت کاسینو» یکی از مستحکمترین دژهای آلمانی بود که مدت زیادی بر علیه حملات عظیم متفقین پایداری نموده بود. تصرف مونت کاسینو راه پیشرفت سایر سربازان متفقین را بسوی رم باز نمود. در حال حاضر هم ارتش دوم لهستان در نبردهای ایتالیا نقش عمده‌ای ایفاء میکند.

هنگامیکه این سطور نوشته میشود در حدود یکماه از آن تاریخ میگذرد که متفقین با حمله بزرگ خود بسواحل فرانسه در نورماندی، جبهه باختر را گشوده‌اند در این عملیات دویروی لهستانی خدمات برجسته‌ای انجام دادند. و آن دویروی یکی نیروی هوایی و دیگری نیروی دریایی لهستان بود. در طی جنگ دریائی نهم ژوئن در سرتاسر ساحل نورماندی چهار ناوشکن لهستانی و رزمناو لهستانی «دراگون» (Dragon) بر علیه ناوهای آلمانی جنگیده و چندین ناو دشمن را غرق نمودند باین ترتیب پیاده شدن نیروهای متفقین را در سواحل فرانسه آسان و عملی ساختند.

در همان موقع و همچنین در حال حاضر نیز نیروی هوایی لهستان با پرواز بر فراز نواحی دشمن و بمباران استحکامات و مراکز نیروی هوایی آن فعالیت زیادی بخرج داده و میدهد.

بنابر این ما در اینجا نقطه بنقطه تمام مراحل پایداری لهستانیها بر علیه آلمانیها اشاره نمودیم. پس از شکست ابتدائی در سپتامبر ۱۹۳۹ ملت لهستان هرگز استعمار آلمانیها را قبول نکرد و هرگز از حق آزادی خود صرف نظر ننمود. از آن زمان تا بحال هرگاه حمله ای بر علیه آلمانیها شروع میشد لهستانیها در اولین صفوف سربازان قرار میگرفتند. با ذکر فداکاریها و دلاوریهای ارتش های لهستان در فرانسه روسیه انگلستان نروژ و ایتالیا نباید در وحله اول کمک جسورانه ملت لهستان را در سراسر خاک اشغال شده لهستان فراموش کنیم. این ملت هرگز با فرمانفرمائی آلمانیها موافقت نکرد و تا کنون جزئی ترین کمکی هم با آلمانیها ننموده است. این ملت که در زیر فرمانروائی بیگانه زندگانی دشواری دارد و از ظلم و استبداد آلمانیها یدش از تمام کشورهای اشغال شده اروپائی رنج میبرد. بخاطر آزادی فداکاریهای زیادی نموده است و تشکیل نیروی پنهانی میهن پرستان لهستان نیز نمونه ای از این فداکاریها میباشد و نیروی اخلاقی ملت نیز این نکته را ثابت میکند که ملت لهستان همواره زنده خواهد ماند و آزادی مقدس خود را دوباره بدست خواهد آورد.



دسر پادشاهی ورشو که بدست آلمانیها سوزانیده شد *

غلطنامه

غلط	صحیح	غلط	صحیح	غلط	صحیح
۲ آخر	۲ آخر	۲ آخر	۲ آخر	۲ آخر	۲ آخر
۷ ۴	۷ ۴	۷ ۴	۷ ۴	۷ ۴	۷ ۴
۷ ۵	۷ ۵	۷ ۵	۷ ۵	۷ ۵	۷ ۵
۷ ۱۴	۷ ۱۴	۷ ۱۴	۷ ۱۴	۷ ۱۴	۷ ۱۴
۸ ۶	۸ ۶	۸ ۶	۸ ۶	۸ ۶	۸ ۶
۸ ۷	۸ ۷	۸ ۷	۸ ۷	۸ ۷	۸ ۷
۱۰ ۱۱	۱۰ ۱۱	۱۰ ۱۱	۱۰ ۱۱	۱۰ ۱۱	۱۰ ۱۱
۱۲ ۳	۱۲ ۳	۱۲ ۳	۱۲ ۳	۱۲ ۳	۱۲ ۳
۱۲ ۱۹	۱۲ ۱۹	۱۲ ۱۹	۱۲ ۱۹	۱۲ ۱۹	۱۲ ۱۹
۱۳ آخر	۱۳ آخر	۱۳ آخر	۱۳ آخر	۱۳ آخر	۱۳ آخر
۱۴ ۱۵	۱۴ ۱۵	۱۴ ۱۵	۱۴ ۱۵	۱۴ ۱۵	۱۴ ۱۵
۱۶ ۱۷	۱۶ ۱۷	۱۶ ۱۷	۱۶ ۱۷	۱۶ ۱۷	۱۶ ۱۷
۱۷ ۱	۱۷ ۱	۱۷ ۱	۱۷ ۱	۱۷ ۱	۱۷ ۱
۱۷ ۱۱	۱۷ ۱۱	۱۷ ۱۱	۱۷ ۱۱	۱۷ ۱۱	۱۷ ۱۱
۱۹ ۱۶	۱۹ ۱۶	۱۹ ۱۶	۱۹ ۱۶	۱۹ ۱۶	۱۹ ۱۶
۲۲ ۵	۲۲ ۵	۲۲ ۵	۲۲ ۵	۲۲ ۵	۲۲ ۵
۲۳ ۱	۲۳ ۱	۲۳ ۱	۲۳ ۱	۲۳ ۱	۲۳ ۱
۲۵ ۸	۲۵ ۸	۲۵ ۸	۲۵ ۸	۲۵ ۸	۲۵ ۸
۲۶ ۱	۲۶ ۱	۲۶ ۱	۲۶ ۱	۲۶ ۱	۲۶ ۱
۳۰ ۴	۳۰ ۴	۳۰ ۴	۳۰ ۴	۳۰ ۴	۳۰ ۴
۳۰ ۱۵	۳۰ ۱۵	۳۰ ۱۵	۳۰ ۱۵	۳۰ ۱۵	۳۰ ۱۵
۳۲ ۱۶	۳۲ ۱۶	۳۲ ۱۶	۳۲ ۱۶	۳۲ ۱۶	۳۲ ۱۶
۳۴ ۳	۳۴ ۳	۳۴ ۳	۳۴ ۳	۳۴ ۳	۳۴ ۳
۳۴ آخر	۳۴ آخر	۳۴ آخر	۳۴ آخر	۳۴ آخر	۳۴ آخر
۳۶ ۴	۳۶ ۴	۳۶ ۴	۳۶ ۴	۳۶ ۴	۳۶ ۴
۳۷ آخر	۳۷ آخر	۳۷ آخر	۳۷ آخر	۳۷ آخر	۳۷ آخر
۳۸ ۱	۳۸ ۱	۳۸ ۱	۳۸ ۱	۳۸ ۱	۳۸ ۱

صحیح	غلط	رقم	رقم	صحیح	غلط	رقم	رقم
روزنوف	ژرنوو	۱۳	۱۱۸	مانند	مانید	۱۳	۷۲
ازدامان مادر	دامان مادر	۹	۱۱۳	۱۸۳۰	۱۸۳۱	۷	۷۷
باشخاصی که	باشخاصی که	۲۰	۱۲۷	کوزنیوسکی	کر نیووسکی	۲۱	۷۷
وویه وودزنوو	وویه دزنوو	۱۸	۱۳۶	کراففسکی	کراسوسکی	۲۱	۷۷
نواحی	نوحی	۸	۱۳۷	szczescia	szezescia	۶	۸۰
ببالوویژا	بیالودیژا	۴	۱۳۹	Risztan	Risztan	۲	۸۲
پولسیه	پولشه	۱۳	۱۳۹	صبروفسکا	دبروسکا	۴	۸۴
که آوازماش	آوازماش	۹	۱۴۳	پولاگویا و بیچینسکا	پولاگویا	۹	۸۴
کاتوویتسه	کاتوویترا	۲۱	۱۴۵	اسمنتک	اسمنتک	۱۶	۸۴
ایرا	ایراه	۷	۱۴۶	ماکوشینسکی	ماکوزینسکی	۶	۸۵
فیلارمونیک	فیل آرمونی	۳	۱۴۷	گویاویچینسکا	گویاویچینسکا	۱۵	۸۵
زاگویانه	زاگویانا	۲۰	۱۴۸	فیلارمونیک	فیلارمونیک	۲۰	۹۳
کاسپرووی	کاسپرودی	۶	۱۵۰	باندرفسکی	یاداروسکی	۱۵	۹۳
کریپیتسا	کری نیترا	۱۸	۱۵۱	گیریمسکی	گیریمسکی	۶	۹۵
کریپیتسا	کری نیتسا	۱۶	۱۵۳	باز کردند	بازی کردند	۷	۹۷
نیدزیتسا	نیدنیتسا	۱۶	۱۵۴	میتسکبویچ	میکبویچ	۱۲	۹۷
نافتوسیا	نفتوسیا	۱۷	۱۵۴	یادداشت	یادداشت	۱۸	۹۸
موسیتسکی	موچیتسکی	۱	۱۵۸	این کشورها	این کشور	۲۰	۱۰۲
راچکبه ویچ	راچه کیویچ	۲	۱۵۸	۱۹۳۹	۱۹۳۰	۱۷	۱۰۹
سپکورسکی	سپکورسکی	۷	۱۵۸	صادر	حاصل	۶	۱۱۱
جنگجو	جنگجو	۴	۱۵۹	ریل	رایل	۹	۱۱۲
				درلفز کارخانه های	درلفز نیز کارخانه های	۳	۱۱۳